Public Disclosure Authorized

گزارش تحلیل وضعیت فقر در افغانستان

پیشرفت در معرض خطر

تحلیل بر اســـاس سروی وضـــعیت زندگی در
افغانســـــتان (۲۰۱۴-۲۰۱۳،۲۰۱۲-۲۰۱۱) و
ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۸ - ۲۰۰۷

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Economy

THE WORLD BANK
IBRD • IDA | WORLD BANK GROUP

THE WORLD BANK
IBRD • IDA | WORLD BANK GROUP

گزارش تحلیل وضعیت فقر در افغانستان

پیشرفت در معرض خطر

تحلیل بر اســـاس سروی وضـــعیت زندگی در افغانســـــتان (۲۰۱۴-۲۰۱۳،۲۰۱۲-۲۰۱۱) و ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۸ - ۲۰۰۷

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Economy

THE WORLD BANK
IBRD • IDA | WORLD BANK GROUP

فهرست مطالب

خلاصه اجرایی ٦

فصل اول

مرحله انتقال و روند اقتصادی جنگ و فقر ١٠

روند اقتصادی، کمک ها و جنگ ١٠

روند فقر ١٣

روند بیجاشدگی و مشخصات ١٦

فصل دوم

بحران اشتغال زای در افغانستان ١٩

چالش های اشتغال زای در افغانستان ١٩

روند بازار کار ٢٣

جنگ، نتایج بازار کار و نقل و جابجایی جمعیت ٢٥

فصل سوم

نتایج انکشاف بشری و دسترسی به خدمات: پیشرفت در معرض خطر ٢٩

روند نتایج تعلیمی در دوره ی انتقال: ٢٩

روند نتایج صحت مادران ٣٢

روند دسترسی به خدمات اساسی ٣٥

فصل چهارم

خطر و آسیب پذیری خانواده ها تایید کننده ی اثرات جنگ است: ٣٨

آسیب پذیری در برابر شوک ها (صدمات) و استراتیژی های مقابله ٣٨

شوک ها (صدمه ها) و منازعات ٤٣

دسترسی به مصونیت اجتماعی ٤٦

فصل پنجم

پیام های کلیدی ٤٩

شکل۱: رشد تولیدات ناخالص داخلی سرانه و سکتورهای محصولات..... ۱۰
شکل ۲: کمک مالی ایالات متحده امریکاه برای بازسازی افغانستان (تخصیصات)..... ۱۱
شکل ۳: روند رویدادها و تلفات شهروندان از اثر جنگ ۱۱
شکل ۴: ولسوالی های دارای بیشترین رویداد جنگ در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ ..... ۱۱
شکل ۵: گزارش افغانها درباره نگرانی و اضطراب درباره مصؤنیت و امنیت خود و خانواده هایشان ۱۲
شکل ٦: روند فقر ۱۳
شکل ۷: گزارش خانواده ها در باره رفاه در مقایسه با سال قبل از سروی ۱۳
شکل ۸: روند سرشماری مردم فقیر به اساس محل اقامت آنها ۱۴
شکل ۹: روند سرشماری مردم فقیر به اساس منطقه ۱۴
شکل ۱۰: شواهد رشد و توسعه بین سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۱۴ موجود می باشند. ۱۵
شکل ۱۱: جمعیت بیجا شده، به تفکیک سال بیجاشدگی (به هزار) ۱٦
شکل ۱۲: تفصیل بیجاشدگی داخلی، به تفکیک منطقه سکونت اصلی و سال ۱٦
شکل ۱۳: گروه جوانانکه در آسیای مرکزی و جنوبی زندگی می کنند ۲۰
شکل ۱٤: بیکاری و عدم اشتغال جوانان به اساس جنسیت و محل سکونت ۲۱
شکل ۱۵: مشخصات تعلیم و تربیه جوانان ذکور بیکار به اساس محل سکونت ۲۱
شکل ۱٦: روند بیکاری و عدم اشتغال، نیروی کار بالغان ذکور (۲۵، ۵۰) ۲۳
شکل ۱۸: تغییرات در اشتغال باساس سکتور، جوانان ذکور (۲۵ -۵۰) ۲۴
شکل ۲۰: مشخصات سنی مهاجرین اقتصادی انفرادی ۲٦
شکل ۲۱: سهم جمعیت روستای در میان مهاجرین خارجی و جمعیت کلی افغانستان ۲٦
شکل ۲۲: روند مهاجرت انفرادی ۲۷
شکل ۲۳: کشورهای مقصد مورد انتخاب کارگران مهاجر به اساس سال سروی ۲۷
شکل ۲٤: توزیع پول فرستاده شده از خارج به اساس کشور ارسال کننده ۲۷
شکل ۲۵: نرخ رشد سالانه نتایج منتخب تعلیمی ۳۰
شکل ۲٦: روند حضور در مکاتب ابتدائیه، بر اساس جندر ۳۰
شکل ۲۷: روند حضور در مکاتب ابتدائیه، بر اساس محل سکونت ۳۰
شکل ۲۸: تغییرات در منازعه و میزان حضور در مکاتب ابتدائیه ۲۰۱۱-۱۲ تا ۲۰۱۳-۱۴ ..... ۳۱
شکل ۲۹: تغییرات در جنگ و نسبت حضور دختران در مقایسه با پسران در مکاتب ابتدائیه، بر اساس ولایت ۳۱
شکل ۳۰: میزان حضور در مکاتب ابتدائیه، بر اساس وضعیت رفاه ۳۲
شکل ۳۱: روند نتایج صحت مادران ۳۳
شکل ۳۲: روند دسترسی به مراقبت های تخصصی قبل از ولادت، بر اساس محل سکونت ۳۳
شکل ۳۳: روند ولادت با حضور قابله های ماهر بر اساس محل سکونت ۳۳
شکل ۳۴: روند دسترسی بمراقبت های تخصصی قبل از ولادت، بر اساس وضعیت فقر ۳۴
شکل ۳۵: روند ولادتها توسط ماهرین صحی، بر اساس وضعیت فقر ۳۴
شکل ۳٦: نتایج صحت مادران به تفکیک (quintile) (یک پنجم / بیست فیصد) مصرفی، ۲۰۱۳-۱۴..... ۳۴
شکل ۳۷: روند دسترسی به خدمات اساسی ۳۵
شکل ۳۸: روند دسترسی به آب آشامیدنی سالم، به تفکیک محل سکونت ۳٦
شکل ۳۹: روند دسترسی به برق، به تفکیک محل سکونت ۳٦
شکل ۴۰: روند دسترسی به آب آشامیدنی سالم، به تفکیک وضعیت فقر ۳٦
شکل ۴۱: روند دسترسی به برق، به تفکیک وضعیت فقر ۳٦
شکل ۴۲: وقوع شوک، ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱٤ ..... ۳۹
شکل ۴۳: مواجه با شوک، دسته بندی بر اساس نوع، دوره ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ ..... ۴۰
شکل ۴۴: نمایه شوک ها بر اساس منطقه، ۲۰۱۳-۱٤ ..... ۴۱
شکل ۴۵: تعداد متوسط شوک ها بر اساس quintile مصرفی، ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱٤ ..... ۴۱
شکل ۴٦: استفاده از استراتیژی های مضر مقابله، بر اساس وضعیت رفاه ۴۲
شکل ۴۷: وقوع شوک های امنیتی گزارش شده توسط مردم و منازعه واقعی ۴۳
شکل ۴۸: وقوع شوک به تفکیک شدت منازعات و نوع شوک، ۲۰۱۳-۱۴ ..... ۴۴
شکل ۴۹: استراتیژی مضر مقابله به تفکیک شدت منازعات و وضعیت فقر: ۴۵
شکل ۵۰: مجموع مصارف (داخل بودجه) در بخش کمک های اجتماعی منحیث بخشی از تولید ناخالص داخلی ۴٦

شکل ۵۱: دسترسی به مصونیت اجتماعی، به تفکیک وضعیت رفا ۲۰۱۳-۱۴ ..... ۴۷
شکل ۵۲: دسترسی به مصونیت اجتماعی به تفکیک وقوع شوک،۲۰۱۳-۱٤ ..... ۴۷
شکل ۵۳: دسترسی به مصونیت اجتماعی به تفکیک وضعیت رفاه و شدت منازعه، ۲۰۱۳-۱۴ ..... ۴۸

جدول ۱: عواید ماهوار کارگری در افغانستان و پولهای که از خارج فرستاده میشوند. ۲۷

تبصره۱ سنجش و ارزیابی فقر در افغانستان ۱۴
تبصره ۲ چالشهای معلومات بیجاشدگان باساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۱۷
تبصره ۳ تعریف شاخص های بازار کار ۲۰
تبصره ۴ نفوس، محرکه های بازار کار و منازعات، ۲۲
تبصره ۵ موضوعات قابل مقایسه و تجزیه و تحلیل روند ۲۲

سپاسگذاری

گزارش تحلیل وضعیت فقر در افغانستان با سعی و تلاش مشترک دولت جمهوری اسلامی افغانستان و بانک جهانی ترتیب گردیده است. این گزارش محصولی از دیپارتمنت تحلیل فقر وزارت اقتصاد افغانستان به‌رهبری محترم محمداسماعیل رحیمی (معین مسلکی) و تیم کاهش فقر بانک جهانی در جنوب آسیا به‌رهبری خانم سیلویا ردایلی (اقتصاد دان ارشد) میباشد.

اعضای کلیدی تیم کاری که روی تحلیل و ترتیب این گزارش کار نموده اند، شامل خانم کریستینا وایزر (اقتصاد دان، بانک جهانی)، آقای متیو مورتون (کارشناس مصئونیت اجتماعی، بانک جهانی)، محترم محمد نبی سروش (رئیس عمومی پالیسی و نظارت از نتایج، وزرات اقتصاد)، محترم سیر احمد نیاز (رئیس پالیسی اقتصادی، وزارت اقتصاد) و محترم محمدالله رحمدل (آمر تحلیل فقر، وزارت اقتصاد) میشود. خانم کلودیا ناسف، اقای ویلیئم بایرد، آقای سایلیش تیواری، آقای ریچارد سپینسر هوگ و آقای محمد شعیب شریفی، همکاریهای با اهمیتی در این راستا انجام داده اند. همچنان تیم تهیه گزارش فقر، از آقای آلدو موری و خانم هانا چنگ بخاطر زحمات فراوان شان در طرح و ترتیب این گزارش سپاسگذاری مینماید.

اعضای تیم کاری تحلیل فقر در افغانستان از حمایت ورهنمائی های محترم عبدالستار "مراد" وزیر اقتصاد، آقای محترم شوبهم چوهدری رئیس کشوری بانک جهانی در افغانستان؛ آقای ستیفین ن. دیگوا مدیر کشوری بانک جهانی در افغانستان و خانم بینو بیدانی آمر برنامه کاهش فقر بانک جهانی در جنوب آسیا قدردانی مینایند. اعضای تیم همچنان از همکاریها ورهنمائی های همیشگی تیم کشوری بانک جهانی در افغانستان در تهیه این گزارش ابراز امتنان مینایند.

پیشگفتار

جای مسرت است که دومین ویرایش گزارش تحلیل فقر در افغانستان را برای شما شهروندان جمهوری اسلامی افغانستان، پیشکش مینمائیم.

این گزارش با استفاده از معلومات "سروی وضعیت زندگی در اافغانستان" که جامع ترین سروی در مورد خانواده های افغان است تهیه گردیده، تا تحولات فقر را در دوره انتقال بین سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ تحلیل و بررسی نماید. مقایسه دریافتهای این گزارش با دریافت های دوره های قبل از انتقال، بگونه ی است که روند و محرکه های اصلی فقر در افغانستان را هر چه بیشتر واضح میسازد.

تحلیل و فرایند این گزارش تصویر کاملِ از ارتباط علت و معلول محرکه ها و متحول های اصلی اقتصادی-اجتماعی را در افغانستان انعکاس نمیدهد. بلکه هدف این گزارش؛ ارایه جنبه های مهم فقر، تحلیل روال شمولیت-اجتماعی و بررسی چالشهای عمده فراروی کاهش فقر در افغانستان میباشد.

وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان و بانک جهانی از اداره احصائیه مرکزی بابت زحمات فراوان شان در امر فراهم سازی معلومات سروی خانوار که برای پالیسی سازی مبتنی- برشواهد ضروری میباشد، سپاسگذاری مینمایند.

عبدالستار "مراد"
وزیر اقتصاد

شوبهم چهودری
رئیس کشوری بانک جهانی در افغانستان

خلاصه اجرایی

رشد اقتصادی افغانستان در دوره ی بین سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ که بنام "دوره انتقال" یاد می شود و منجر به انتخابات سال ۲۰۱۴ و انتقال مسؤلیت امنیتی به نیروهای افغان گردید بدلایلی چون؛ تقلیل کمک ها، کاهش نیروهای نظامی بین المللی، و افزایش جنگ و بی ثباتی دچار کاهش شدید گردید. با وجود سرازیر شدن کمک های چشمگیر در سالهای بین ۲۰۰۷-۰۸ و ۲۰۱۱-۱۲، عوامل مشکل ساز اجتماعی- اقتصادی موجود در دوران قبل از مرحلهی انتقال صرفا در زمان انتقال تشدید پیدا نمودند و بحران غیرقابل پیش بینی درین دوره یکبار دیگر بسیاری از نابرابریها را بین افراد ثروتمند و فقیر، مناطق شهری و روستایی، زنان و مردان، دختران و پسران رونما ساخت که آسیب و صدمه بزرگی را بر پیکر جامعه افغانستان وارد نمود. فقیرترین و آسیب پذیر ترین اقشار جامعه کمتر از توسعه و ترقی قبل از مرحله انتقال بهره مند گردیدند و با وخیم شدن اوضاع اقتصادی و امنیتی همین افراد بیشتر از همه متضرر شدند.

نسخه ی جدید گزارش تحلیل وضعیت فقر افغانستان "پیشرفت در معرض خطر" حاوی تحولات مربوط به فقر و وضعیت اجتماعی- اقتصادی در زمان دوره انتقال می باشد. این سند عوامل فقر را مشخص نموده و با در نظرداشت زمان پسا ۲۰۱۴، پالیسی های مربوط به کاهش آسیب پذیری و نابرابری را پیشنهاد میدارد.

۱. افزایش فقر: اهمیت رشد اقتصادی و امنیت

شواهد مربوط به مرحله قبل از انتقال نشان می دهد که اگر رشد اقتصادی همراه با نابرابری گسترده باشد، برای کاهش فقر کافی نخواهد بود. طوریکه در نسخه قبلی گزارش تحلیل وضعیت فقر ذکر گردیده است، نابرابری فزاینده و فقدان رفاه همگانی مردم افغانستان از دلایل عمده این مساله میباشد. با وجود اینکه رشد اقتصادی دوامدار در دوره قبل از انتقال در سالهای بین ۲۰۰۷-۰۸ و ۲۰۱۱-۱۲ وجود داشت هنوزهم ۳۶ فیصد مردم در حالت فقر به سر می بردند.

مرحله انتقال در افغانستان نشان میدهد که در نبود رشد پایدار و اشتغالزا فقر افزایش می یابد، رشد اقتصادی کند و افزایش جنگ ۱,۳ ملیون شهروند افغان را در سال ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۲ به سوی فقر سوق داد و سبب افزایش میزان فقر به حدود ۳۹,۱ فیصد گردید. درین میان افغانهای که شدیداً فقیربودند کمتر قادر به نجات خویش از بحران به وجود آمده شدند، بدلیل اینکه آنها فاقد امکانات مقابله با ضربات کوبنده حوادث بودند و از طرف دیگر این بحران به طور خاص در مناطق روستایی شدیدتر بود، در مناطق که بیشتر مردم فقیر در آنها زندگی مینمودند، کاهش نیروهای بین المللی و کمتر شدن کمک های بین المللی سبب شد تا بیشتر مردم روستایی شغلهای خویش را از دست بدهند.

در موجودیت جنگ، فقر و آسیب پذیری نیز افزایش می یابد. به همان میزان که جنگ در سراسر کشور افزایش و توسعه یافت گراف بیجا شدگان داخلی نیز به همان سطح بالا رفت، فقر بنیادی وخیم تر شد و چالش های ناشی از بیکاری بیشتر متوجه خانواده های افغان گردید. طبق آمار دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه (OCHA)، بیجا شدگان داخلی در افغانستان به حدود ۲,۹ میلیون میرسد، که جمله ۲۲ فیصد آنها در سال ۲۰۱۶ خانه های خودرا ترک کرده اند.[۱] چالش برخواسته از جنگ و بیجاشدگی داخلی با برگشت تعداد زیادی از مهاجرین افغان از پاکستان و ایران تشدید یافته و در تنها در سال ۲۰۱۶، ۲۵۰ هزار مهاجر غیر قانونی و ۳۷۰ هزار مهاجر قانون از پاکستان، و ۴۶۰ هزار مهاجر غیر قانونی از ایران عودت نمودند.

۱ به روز رسانی ارقام در ماه جنوری ۲۰۱۷ (نگاه کنید به: http://www.unocha.org/afghanistan)

۲. بحران اشتغال: یکدهه ی از دست رفته افغانستان

میزان بحران که در دوران انتقال به وجود آمد تقاضا برای کار را کاهش داد و مانع شد تا بازار کار افغانستان برای جذب نیروی کار در حال رشد خود به حد کافی شغل ایجاد نماید. در حدود ٤٠٠ هزار افغان تخمین شده است که سالانه به جمع نیروی کار بپیوندند. نتنها کاهش رشد اقتصادی ایجاد شغل های نورا دشوار ساخت بلکه تعداد زیادی از شغل های که در دوره قبل از انتقال بوجود آمده بودرا نیز از دست برد. بحران اشتغال سبب شد تا شغل های ایجاد شده در دوران قبل از مرحله انتقال نیز از دست برود، تنها در بخش اشتغال طبقه ذکور بالغ، چهار شغل از هر پنج شغلی که در بین سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ ایجاد شده بودند از دست رفت و منجر به بیکاری تقریبا ۱٫۹ ملیون افغان گردید. طبق گزارش سروی وضعیت زندگی در افغانستان، بیکاری در سال ۲۰۱۳-۱٤ به ۲۲٫٦ درصد رسید، این بدین معنی است که از هر ٤ افغان که شامل نیروی کار میباشند یک نفر آنها یا کمتر از ۸ ساعت در هفته کار میکند یا اینکه هیچ شغلی ندارد.

طبق معمول، تأثیر بحران بطور مساوی تقسیم نگردید، بلکه جوانان، مناطق روستایی و کارگران بی سواد بیشترین خسارات را متحمل شدند. بطور خاص از هردو نفر افغان که در سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۴ شغل خودرا از دست دادند یکی از آنها در سنین کمتر از ۲۵ سال بود، ۹ شغل از ۱۰ شغل از دست رفته در دوران انتقال مربوط به مناطق روستایی میشد و چهار شغل از پنج شغل از دست رفته قبلاً توسط کارگران بی سواد تصاحب شده بود، سرمایه انسانی درزمان بحران منحیث یک راه حل اساسی در مقابله با بیکاری دوران بحران بروز نمود. همچنان سرمایه انسانی در دوران قبل از انتقال منحیث یک کتلست وراهگشا برای کاهش فقر محسوب می شد زیرا کارگرانی که دارای استعداد بیشتر بودند بهتر میتوانستند از منافع و امتیازات شغلی برخوردار باشند.

جنگ و فرصت های محدود اقتصادی برای خانواده های افغان که بخاطر جلوگیری از خطرات احتمالی معمولا مهاجر می شوند یک امر معمول می باشد. بیشتر افغان ها بخاطر مقابله با بحران اقتصادی و امنیتی دوران انتقال، قریه ها و قصبات روستایی را یا بخاطر آوارگی اجباری یا با انتخاب گزینه های اقتصادی بهتر که میخواستند از خطرات احتمالی اقتصادی نجات یافته و خانواده های بجا مانده شانرا حمایت نمایند، ترک کردند. در حالیکه خانواده های بیجا شده که در جستجوی پناهگاه در مراکز شهر اند، بیشتر در معرض بی کاری و فقر قرار می گیرند، خانواده های که اعضای از خانواده شان مهاجرت نموده و در سایر کشورها صاحب شغل شده اند برای فامیل خود پول به دست میاورند، منبع مهم و اساسی درآمد خانواده خویش میباشند.

۳. ساخت آینده افغانستان و چالش های فراروی انکشاف بشری

بهبود و پیشرفت در عرصه انکشاف بشری یکی از دستاوردهای بسیار مهم افغانستان از بعد از سال ۲۰۰۱ بوده که در نتیجه کمک های بی سابقه بدست آمده است. سواد، شمولیت در مکاتب، دسترسی به خدمات اساسی از قبیل آب، حفظ الصحه و برق از دستاوردهای مهم این دوره بشمار میرود. تمام اینها در دوران قبل از انتقال بین سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به‌سرعت بالای رشد نمود.

کاهش کمک ها و افزایش جنگ در دوران انتقال در سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۱۴ گام های پیشرفت، مخصوصاً در بخش تعلیم و تربیه و صحت مادران را کند ساخت، نگرانیها وقتی بیشتر شد که شمولیت در مکاتب ابتدایه مخصوصا برای دختران و در مناطق روستایی کاهش یافت. حضور دختران در مکاتب بین سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۱۴ سالانه ۲ فیصد کاهش پیدا نمود در حالیکه در پسران ۰٫٦ فیصد تنزیل نمود. افزایش فقر و گسترش روزافزون نا امنی ها از عوامل عمده این مشکلات می باشد، این عوامل بطور متداوم تعلیم و تربیه نسلهای آینده و ظرفیت کشور برای ترقی و انسجام اجتماعی را تهدید می نماید.

روند صحت مادران در افغانستان رو به بهبود است اما به‌سرعت کمتر از گذشته بعلت بدتر شدن اوضاع در مناطق روستائی. درصدی زنان افغان که از مراقبتهای تخصصی قبل از ولادت و ولادتها توسط ماهرین صحی برخوردار اند ، بین سالهای ۲۰۰۷-۰۸ و ۲۰۱۳-۱٤ دوبرابر شدند.

در حالیکه این روند بیشتر بخاطر پیشرفت در مناطق روستائی صورت گرفته است، زنان هنوز هم در مناطق روستائی در دسترسی به خدمات صحی ولادی، در حالت بدتری قرار دارند و در سرعت پیشرفت در دسترسی زنان به این خدمات کاهش قابل ملاحظهء بین سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱٤ اتفاق افتیده است.

با وجود منازعات فزاینده و کاهش کمک ها، روند بهبود دسترسی به آب و برق در دوره انتقال در افغانستان ادامه یافت حتی باسرعتی بیشتر از آنچه که قبلاً مشاهده شده بود. با این حال، فاصله در دسترسی به خدمات اساسی در مناطق روستائی و شهری در افغانستان گسترده است. بگونه مثال، از هر ده خانوار در شهر هشت خانوار به خدمات حفظ الصحه دسترسی داشته در حالیکه این رقم در روستاها فقط سه خانوار از هر ده خانوار میباشد.

۴. شکنندگی و آسیب پذیری خانواده های افغان

طوریکه در گزارش قبلی تحلیل وضعیت فقر گفته شد، آسیب پذیری نسبت به حوادث یکی از چالشهای اجتماعی و اقتصادی افغانستان می باشد. ساختار ساده اقتصادی کشور، اتکای شدید بر زراعت برای امرار معیشت، جغرافیای پیچیده و خطرات احتمالی تغییرات اقلیمی، نبود شبکه های رسمی مصؤنیت، و تاریخ طولانی جنگ، همه به آسیب پذیری مردم افغانستان کمک می نمایند.

بحران اقتصادی و امنیتی که در دوره انتقال غیر قابل پیش بینی بود شواهد و علایم آسیب پذیری را افزایش داد و سبب شد تا خانواده ها در مقابل فقر قادر به مقابله نباشند. این امر نه تنها سبب شد تا میزان آسیب ها و صدمات به میزان وسیع بالا برود، بلکه وقوع آسیب های مشخص (شخصی و غیرعادی) خانواده ها به ارتباط رویدادهای همچون جراحت، امراض، ویا مرگ اعضای خانواده ها در سالهای بین ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۴ دوچند گردیده و از ۹٫۵ فیصد به ۱۸٫٦ فیصد افزایش یابد.

فقر و جنگ مشترکاً آسیب پذیری خانواده های افغان در مقابل رویدادها را شدیدتر می نمایند. خانواده های فقیر فقیرتر و خانواده های که در مناطق بیشتر جنگی زندگی می کنند به احتمال زیاد با میکانیزم های زیان بخش با مشکلات و آسیب ها مقابله می نمایند. در حالیکه این میتودها ممکن است افغان ها را جهت مقابله با آسیب ها در کوتاه مدت کمک نمایند، اما این میکانیزم ها در درازمدت زیانبار بوده و احتمال فرار از فقر را کمتر میسازد و بدین اساس چرخه فقر را در تمام نسل ها به دوران میآورند. محدودیت اسباب مقابله با خطرات، این خانوارها را مجبور به استفاده از روشهای مضر مقابله نموده که منجر به فروش مواشی وزمین و مانع رفتن اطفال به مکتب گردیده و مؤلدیت اقتصادی اینده آنها را کاهش داده، خانواده های فقیر را در دام عمیق فقر فرو میبرد.

۵. پیام های کلیدی

افغانستان بحران اقتصادی شدیدی را در جریان مرحله انتقال بین سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۱٤ متحمل شد که تاثیرات نا گواری بالای فقر و آسیب پذیری شهروندان داشته است. این وضعیت بخاطر وخامت اوضاع امنیتی، در سال های اخیر تشدید شده است. رشد اقتصادی افغانستان در جریان سال های اخیر بهبود یافته است.

رشد اقتصادی در سال های ۲۰۱٤، ۲۰۱۵، ۲۰۱٦؛ به ترتیب ۱٫۳؛ ۱٫۵؛ و ۱٫۲ گزارش شده است. پیش بینی های بانک جهانی نشان میدهد که رشد اقتصادی افغانستان به تدریج به ۵ فیصد تا سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. اما این میزان، پایین تر از زمان قبل از انتقال و پایین تر از ۸ فیصد که بخاطر اشتغال و استخدام کامل نیروی کار رو به رشد افغانستان نیاز است، میباشد. در همین حال، جنگ و حالت شکننده در کشور، تلاش های توسعه یی و فقرزدایی افغانستان را به چالش مواجه خواهد ساخت. روند و دریافت های دوره ای انتقال در این زمینه؛ معلومات خوبی به منظور مدیریت بهتر چالش های پیشرو، ارایه میکند. با در نظر داشت اینکه رشد اقتصادی افغانستان در سال های آینده به میزان قبل از دوره ای انتقال نخواهد رسید؛ موضوع کاهش فقر در افغانستان نیازمند راهکار های ذیل است:

- رشد اقتصـــادی فراگیرتر و وسیع البنیاد نســـبت به سال های گذشته، با تمرکز بر انکشـــاف زراعت و بهبود دسترسی به بازار ها و اتصال شهر ها و روستاها
- کمک به افغان ها خصـوصا جوانان بخاطر کاریابی. با نظر داشت اینکه سالانه در حدود ٤٠٠٠٠٠ جوان در بازار کار افغانســـتان وارد می شوند، لازم است همزمان با رشد استفاده از نیروهای کار، برای دستیابی به مجراهای قانونی مهاجرت اقتصـادی به بیرون تلاش شود.
- تمرکز مداوم روی پیشرفت در بخش معارف و صحت از طریق افزایش دسترسی به خدمات. چالش های اصلی عبارت خواهد بود از تامین خدمات در مناطق جنگ‌زده و از بین بردن نابرابری دســـترســـی به خدمات بین افراد فقیر و غیر فقیر و مناطق شـــهری و روستایی.
- کمک به خانواده های افغان در امر مقابله با شـــوک ها و کاهش آســـیب پذیری آنها در مقابل فقرِ ناشـــی از جنگ، آفات طبیعی و حادثات اقتصادی خارج از کنترل.

1 خانواده های فقیر بخاطر نداشـــتن امکانات مناســـب جهت مقابله با خطرات احتمالی زمانیکه با رویدادها و حوادث گرفتار می گردند، شـــدیداً با بیکاری و معاملات قرضی مواجه میشوند و ممکن است با میکانیزم های "خطرناک" مقابله با مشکل از قبیل فروش مواشی ویاسرمایه که ممکن است سودمندی و معیشت آنهارا در آینده متأثر نماید متوسل گردند، و یا سبب افزایش بکار انداختن اطفال که سبب فقر میان نســـلی می گردد و یا سبب کاهش مصـــارف و گرسنگی که به صحت و تجمع نیروی انسانی و سودمندی کار در آینده تاثیر گذار می باشد.

فصل اول
مرحله انتقال و روند اقتصادی جنگ و فقر

خلاصه: رشد اقتصـــادی در سال ۲۰۱۱ و سال ۲۰۱۴ بخاطر کاهش کمک های بین المللی، بدتر شدن وضعیت جنگ، و بی ثباتی و سراسیمگی کلی ناشی از انتقال سیاسی و امنیتی به شدت محدود گردید و در نتیجه، فیصـــــــدی مردم که زیر خط فقرزندگی می نمودند از ۳۵٫۸ فیصـد در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به ۳۹٫۱ فیصـد در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ افزایش یافت و نیز ۱٫۳ ملیون افغان بازهم در کام فقر فرورفتند. افزایش فقر بطور خاص در مناطق که از کمک های بین المللی دوران قبل از مرحله انتقال بیشـــتر مســـتفید شده بودند، مناطق روستایی و منطقه جنوب غربی بیشـــتر بود. به همان میزان که جنگ درسراسر کشـــور توسعه یافت، ارقام بیجاشدگان داخلی نیز بالارفته و فقر بنیادی و چالشهای معیشت خانواده های افغان را بیشتر ساخت.

روند اقتصادی کمک ها و جنگ

از آنجائیکه کاهش عمده رشد اقتصادی در مرحله انتقال صورت گرفت، کند شدن رشد و توسعه اقتصـادی بطور وسیع در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ عمدتاً بخاطر کاهش کمک های بین المللی و بدتر شدن فضـــــــای سرمایه گذاری بدلیل افزایش جنگ و بی ثباتی سیاسی صورت گرفت. رشد تولید ناخالص سرانه از ۱۰٫۹ فیصـد در سال ۲۰۱۲ به ۱٫۷- فیصـد در سال ۲۰۱۴ کاهش نمود که خیلی کمتر از اوسط سالانه ۷٫۷ فیصـــد در دوره قبل از انتقال بین سال ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ (شکل ۱) می باشد. سکتورهای غیر زراعتی در دوره انتقالی به شدت متضرر گردیدند. بطور خاص، رشد سکتور خدمات در سال ۲۰۱۴ در مقایسه با سال ۲۰۱۲ هفت برابر کمتر و کندتر بود، و توسعه ســکتور صــنایع چهاربرابر کاهش یافت. از دید مثبت آن، کدام ضربه عمده به تولیدات زراعتی درین زمان وارد نگردیده و نسبت به سطح محصولات ثبت شده در سال ۲۰۱۲ ثابت باقی مانده است.

شکل ۱: رشد تولیدات ناخالص داخلی سرانه و سکتورهای محصولات

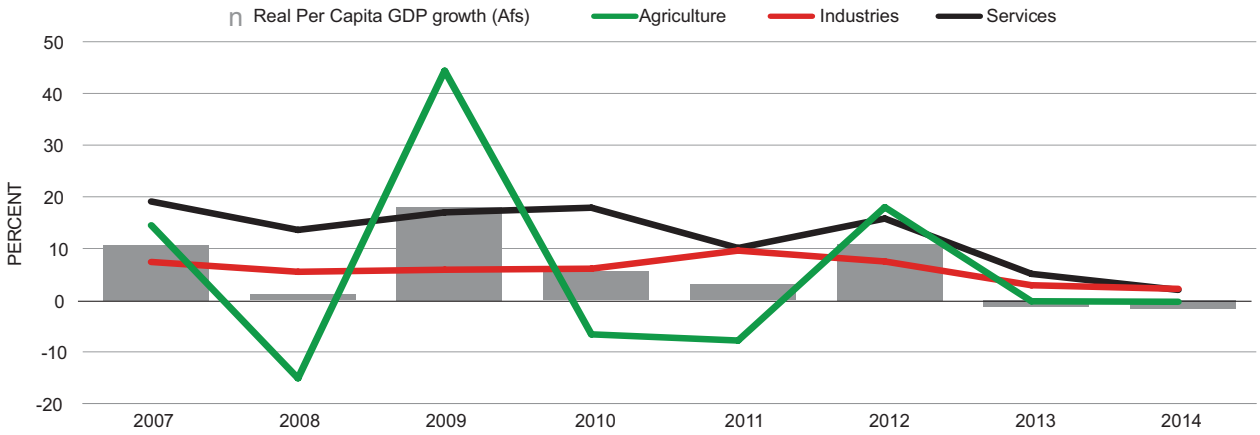

منبع: اداره مرکزی احصائیه، ۲۰۱۶

1

کاهش دوامدار کمک های بین المللی عامل عمده کاهش رشد و توسعه گردید. کاهش کمک های بین المللی با تقلیل نیروهای امنیتی بین المللی نیزهمراه بود اگر تنها به کمک های ایالات متحده امریکاه نگاه کنیم، مقدار پول کمکی که کانگریس برای بازسازی و عملیات نظامی در افغانستان اختصاص داده بود در سالهای بین ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ اکثراً به دلیل محدود شدن کمک ها در بخش امنیتی ۳۴ فیصد کاهش نمود. هرگاه کمک ها در بخش امنیتی و بازسازی را باهم جمع نماییم، تخصیص بودیجوی گانگریس در سالهای بین ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ به بیش از ۵۰ فیصد تقلیل یافت (شکل ۲).

در حالیکه دستیابی مستقیم به معلومات درباره مشخصات کاهش کمک ها در افغانستان ممکن نیست، میتوان گفت که مناطقکه بیشترین استفاده را در گذشته از کمک ها کرده بود[۲] – مانند؛ مناطق جنوب غربی و تاحد کمتر جنوبی و مناطق شرقی- مناطقی بودند که به شدت از اثر کمبود و کاهش کمک ها متأثر گردیدند.

شکل ۳: روند رویدادها و تلفات شهروندان از اثر جنگ

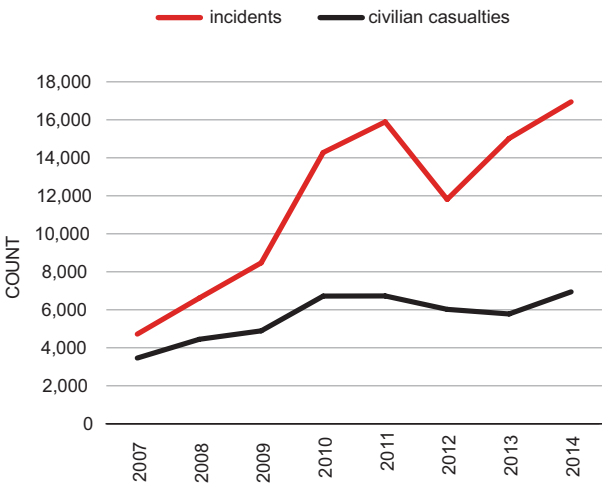

منبع: سیگار (۲۰۱۶)

شکل ۲: کمک مالی ایالات متحده امریکاه برای بازسازی افغانستان (تخصیصات)

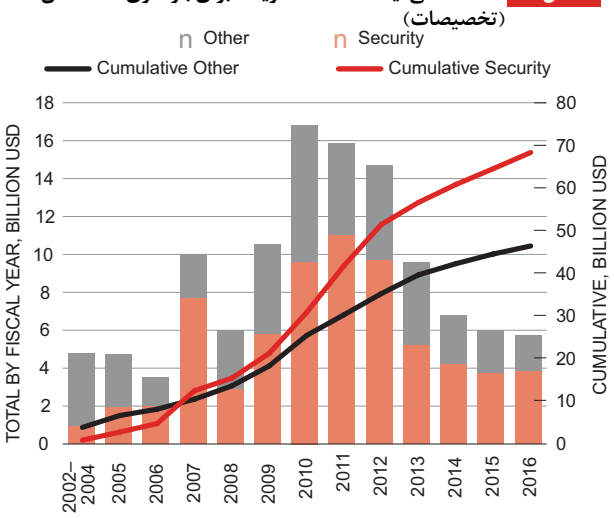

منبع: ارایه جزئیات توسط نویسنده باساس معلومات SIOCC

شکل ۴: ولسوالی های دارای بیشترین رویداد جنگ در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴

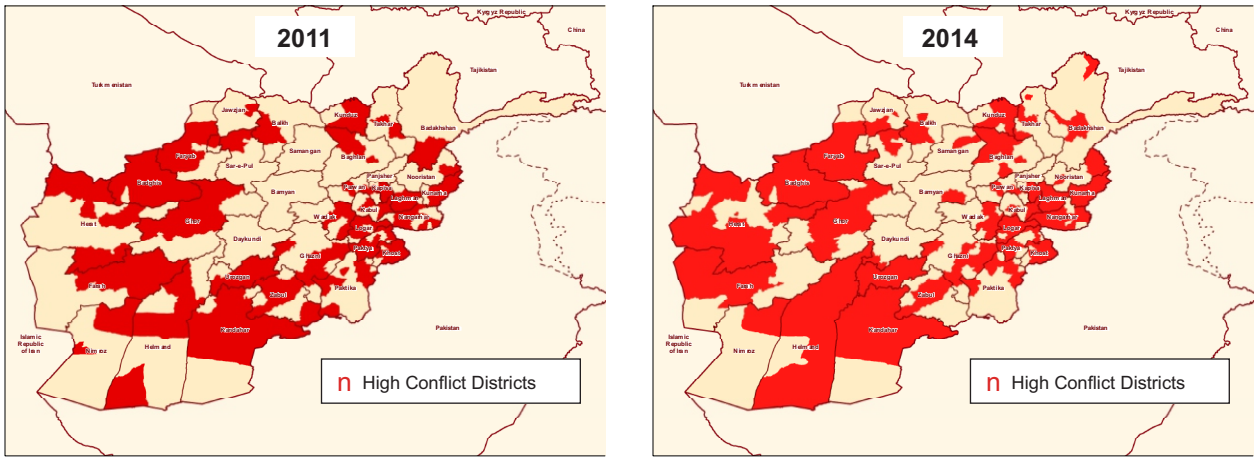

یادداشت: جنگ در یک ولسوالی زمانی شدید قلمداد میشود که رویدادهای ناامنی در آن بالاتر از حد میانگین ملی در سال ۲۰۱۱ باشد.
منبع: ارایه جزئیات توسط نویسنده به اساس معلومات SIOCC

۲ وزرات اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۱۵)

در عین حال وضـــعیت جنگ و نا امنی بدتر و وخیم تر گردید. بعداز کاهش کمک ها در ســـالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ که همزمان با تقلیل نیروهای بین المللی بود، جنگ در افغانســـتان در سال ۲۰۱۴ به حد بالای خود افزایش یافت و تعداد رویدادهای جنگ و تلفات غیر نظامیان[۳] به حدسرسام آور آن به ترتیب به ۱۶,۹۴۸ و ۶۹۴۶ رســـید (شـــکل ۳)[۴]. عوامل جنگ و ســـاحه جغرافیایی آن بمروزمان توسعه یافت. شـدت یافتن عملیات محاربوی به رهبری نیروهای نظامی بین المللی (که بنام "موج" یاد می شـد) جنگ را در ســـالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ افزایش داد، اما افزایش جنگ بعداز سال ۲۰۱۲ اکثرا بخاطر بیشـــــــتر شدن درگیری و جنگ بین اردو و پولیس ملی افغان و عناصر ضد دولتی صورت گرفت. جنگ در سراسر قلمرو افغانستان بیشتر گسترش یافت. در حالی که بیشـترین جنگ نیروهای نظامی بین المللی (بنام "عملیات موج") در سال ۲۰۱۱ از نگاه جغرافیایی در ولســـوالی های متمرکز گردید که درگیری های شدید در آنها کمتر رخ میداد، جنگ در سال ۲۰۱۴ به خارج از ولسوالی های معمولاً نا امن گسترش پیدا نمود[۵]. (شکل ۴).

وخامت اوضاع امنیتی باساس تجزیه و تحلیل و مشـــــاهدات خانواده ها نیز بدست میاید. باساس معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانستان، شریک سازی گزارش خانواده ها درباره " احساس نا امنی در ولسـوالی ها و محل اقامت آنها" در سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۴ به ۱۶ فیصد رسیده است که این رقم در سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به ۱۴ فیصـد میرسید[۶]. به همین منوال، معلومات بدست آمده از سروی مردم افغانستان که توسط بنیاد آسیا انجام شده نشـان می دهد که همزمان با افزایش رویدادها و تلفات در سال ۲۰۱۴ تعداد رویدادها و تلفات به بالاتر از آنچه که در مرحله قبل از انتقال بود، رسیده است. فیصـــدی خانواده های افغان که "در هراس و وحشـــت همیشـــگی بخاطر امنیت خودشان ویا امنیت فامیل شان زندگی میکنند" بمرورزمان افزایش یافته است. بدبینی درباره چشـــم انداز امنیتی در آینده احتمالاً به بدتر شدن برداشت خانواده ها از اوضاع امنیتی و کاهش سرمایه گذاری و توسعه کمک نماید.

شکل ۵: گزارش افغانها درباره نگرانی و اضطراب درباره مصؤنیت و امنیت خود و خانواده هایشان

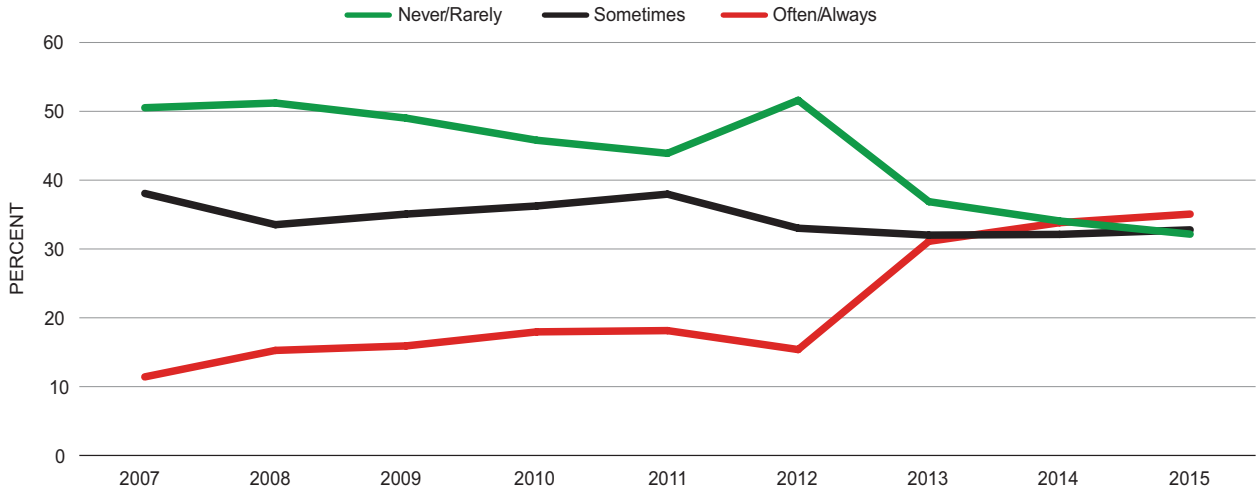

منبع: ارایه جزئیات توسط نویسنده با استفاده از معلومات بنیاد آسیا در "سروی مردم افغانستان".

۳ به اساس تعریف دفتر هماهنگی امور انسانی (۲۰۱۶)، یک رویداد/ حادثه ویا تلفات، زمانی ناشی از جنگ محسوب می گردد که برخواسته از ۱۰ نوع حادثه ذیل باشد: اختطاف، سانحه هوایی، درگیری مسلحانه، ترور و قتل، سوء قصد، انفجار ماین های کنار جاده ای، ارعاب، حوادث مربوط به انفجار ماین ها، حمله از راه دور و حمله انتحاری.

۴ معلومات تازه، وخیم شدن جنگ در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ را تایید می نماید. به اساس شاخص صلح جهانی در سال ۲۰۱۶، افغانستان بعد از کشورهای سوریه، سودان جنوبی، و عراق در رده چهارمین کشور جهان می باشد که دارای کمترین میزان صلح و آرامش در کل جهان می باشد.(بنیاد اقتصاد و صلح [۲۰۱۶] " شاخص صلح جهانی ۲۰۱۶")

۵ تنها در سال ۲۰۱۴ به تعداد ۷,۶ فیصد ولسوالی ها متاثر از جنگ نبوده است یعنی از حوادث و رویدادهای مربوط به جنگ متاثر نگردیده است.

۶ سروی وضعیت زندگی در افغانستان

وخیم شـدن اوضـاع امنیتی توأم با فروکش نمودن کمک های بین المللی تاثیرات منفی بالای رفاه و بهبود زندگی خانواده ها خواهد داشت. جنگ و درگیری های خانمان سوز دارای تأثیرات مخرب می باشد که بصورت مسـتقیم و غیر مسـتقیم[۷] زندگی افراد و خانواده ها را متأثر میسـازد. تاثیرات مسـتقیم شامل (۱) تغییرات در ترکیب خانواده ها به دلیل کشـتارها، مجروحیت ها و استخدام جنگجویان، (۲) تغییرات در وضعیت اقتصادی خانواده ها به دلیل از بین رفتن سرمایه ها و معیشت، و (۳) تاثیرات ناشی از بیجاشدگی و مهاجرت اجباری می شود. اما تأثیرات غیرمستقیم شامل تغییرات در دستیابی خانواده ها به بازار و ارتباط آنها با بازار، اشتغال، شبکه ها و نهادها می باشد. تأثیرات جنگ در جریان مرحله انتقال امنیتی به اثر شدت یافتن بی ثباتی سیاسـی و کاهش یافتن سـطح کمک های بین المللی بیشـتر وخیم گردید. طوریکه در گزارش قبلی تحلیل وضعیت فقر[۸] ذکر شد، کمک های فراوان بین المللی سبب شد تا در تاثیرات منفی جنگ بر رفاه و آسایش خانواده ها از طریق حمایت از ایجاد اشتغال در سکتور غیر زراعتی مخصـوصاً در ساحاتی که بیشـتر توسط جنگ آسیب دیده اند تعادل و توازن ایجاد گردد. کاهش مصـارف نظامی و کمک های بین المللی در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ سبب کم شدن فرصت های شغلی، بویژه در ساحات روستایی گردید، که بدین اساس سبب شد تا سلسله میکانیزم های موجود برای مقابله با خطرات احتمالی خانواده های متاثر از حوادث و رویدادها محدود گردد.[۹]

روند فقر

فقر در دوره انتقال بطور چشـمگیر افزایش یافته است. وضعیت بد اقتصـادی و امنیتی در افغانسـتان موجب گسـترش قابل ملاحظه فقر و ناداری گردیده است که فقر از ۳۵٫۸ فیصـد در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به ۳۹٫۱ در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ افزایش پیدا نموده است (شکل ٦). این عوامل یکبار دیگر بر آسیب پذیری شـدید خانواده های افغان در مقابل خطرات احتمالی افتیدن در دام فقر و در صورت قرارگرفتن در معرض خطرات و شوک ها، مهر تائید می گذارد.[۱۰] در واقع، با در نظر گرفتن توزیع و تقسیم رفاه در سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ منحیث مبنا، افزایش سریع فقر (۹ فیصـد) در جریان دوره انتقال مطابق با شوک مصـرفی منفی نسـبتاً کمتر - تقریباً ۴ فیصـد- میباشد.[۱۱] افزایش فقر سبب بدتر شدن برداشت خانواده های افغان از رفاه و آسایش گردیده است. در پرسـش در مورد وضـعیت زندگی افغانها در مقایسـه با سال گذشته، ۵۱٫۳ فیصـد خانواده ها درباره بدتر شدن وضعیت اقتصـادی خویش در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ در مقایسه با ۳۳٫۸ فیصد در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۱٦٫۷ فیصد در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ گزارش ارایه نموده اند.

شکل ٦: روند فقر

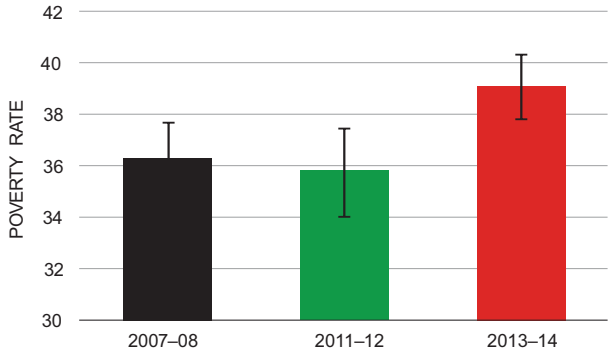

یادداشت: برآورد فقر در سال ۲۰۱۳-۱۴ با استفاده از شیوه SSI بدست آمده است. (به تبصره ۱ مراجعه کنید)

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از ارزیابی خطرات ملی و آسیب پذیری در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴

شکل ۷: گزارش خانواده ها در باره رفاه در مقایسه با سال قبل از سروی

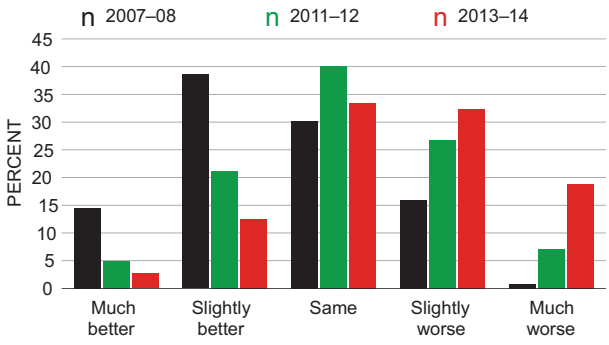

منبع: محاسبه توسط نویسنده با استفاده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳ -۲۰۱۴

۷ جستینو ۲۰۰۹، ۲۰۱۲
۸ فصل ۲ و فصل ۴ مراجعه نمائید.
۹ در سال ۲۰۱۱-۱۲ تقریباً نصف از جمعیت افغانستان (۵۵ فیصد) کمتر از ۱۲۰ فیصد زیر خط فقر مصرف می کردند که نشان میدهد ۲۰ فیصد اثرات منفی حوادث بر مصارف نیمی از جمعیت کشور را بطور بالقوه به دام فقر انداخته است.
۱۰ کاهش متناظر در تولید ناخالص داخلی فی نفر درین دوره ۱۰٫۵ فیصد بود.
۱۱ وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۱۵)

تبصره۱ سنجش و ارزیابی فقر در افغانستان

سنجش و ارزیابی فقر در افغانستان بر اساس شیوه ارزیابی هزینه نیازمندیهای اساسی (CBN) مطابق با استندردهای بین المللی صورت می گیرد. خط رسمی فقر برای افغانستان در سال ۲۰۱۰ با استفاده از معلومات خطرات احتمالی ملی و ارزیابی آسیب پذیری (NRVA) سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ تعیین گردید و جهت انعکاس دادن تغییرات قیمت در جریان زمان در سال ۲۰۱۱-۱۲ تجدید گردید. خط فقر مبتنی بر سنجش هزینه نیازمندیهای اساسی نشان دهنده ارزش پولی مصارف که در آن توقع می رود اعضای خانواده به نیازمندیهای غذایی و غیر غذایی خویش رسیدگی نمایند. به همین منوال، میزان سرشماری مردم فقیر و یا بطور ساده میزان فقر سهم مردمی را که مصارف شان زیر خط فقر می باشند را نشان می دهد.

سنجش تحول فقر در افغانستان مستلزم سنجش مقایسوی مصارف می باشد. به هرحال باساس پلان دوره ای نمونه، مصارف غذایی در سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۲۰۱۳-۱۴ مورد سروی قرار نگرفته است.

در نبود معلومات مربوط به مصارف غذایی، مسئله فقر در سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۲۰۱۳-۱۴ با در نظر داشت شیوه نسبت دادن سروی با سروی (SSI) تخمین شده بود. شیوه نسبت دادن سروی با سروی جهت تخمین و برآورد کردن معلومات مفقود شده (که درین مورد مصارف مجموعی خانوار) در سروی دیگر از طریقه (رگریشن) از معلومات موجود در یک سروی به وجود میاید، استفاده می نماید. بصورت مشخص تر، سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ مصرف سرانه را تخمین نمود و بعد از آن شیوه نسبت دادن سروی با سروی جهت تشخیص مصارف نامعلوم خانواده ها و دریافت میزان فقر در سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ استفاده گردید وبه اساس همین میتود، فقر در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ ۳۹,۱ فیصد برآورد گردیده است.

نتیجه اجرای میتود نسبت دادن سروی با سروی با استفاده از عین شیوه و نمونه مصرف جهت تخمین کردن مصرف و فقر در ارزیابی خطرات و آسیب پذیری ملی سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بیشتر اعتبار پیدا نمود که بدین اساس معلومات درباره مصرف واقعی و تخمین های مستقیم فقر موجود می باشد. شواهد نشان میدهد که میزان واقعی فقر در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ از نگاه آماری متفاوت از آنچه که توسط میتود نسبت دادن سروی با سروی بدست آمده، نمی باشد.

یادداشت: جهت مطالعه و تفصیل تخنیکی این میتود به اداره مرکزی احصائیه (2015) و Sherpa et al (2016) مراجعه نمائید.

در جریان دوره انتقال، مناطق روستایی از نظر رفاه و آسایش به شدت آسیب دیدند. وضعیت فقر در مناطق روستایی ۱۴ فیصد افزایش یافت طوریکه از ۳۸,۳ فیصد در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به ۴۳,۶ فیصد در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ تغییر پیدا کرد (شکل۸). از سوی دیگر، وضعیت فقر در مناطق شهری در طول این مدت به استثنای مهاجرت های که از ساحات روستایی به ساحات شهری صورت گرفت، دیگر کدام تغییر نکرد. بدتر شدن وضعیت زندگی در ساحات روستایی بیشتر بخاطر بدتر شدن وضعیت امنیتی و کاهش یافتن کمک های بین المللی که وابسته به تقلیل نیروهای امنیتی خارجی بود، صورت گرفت. در نتیجه، تقاضا برای کار در سکتور غیر زراعتی کاهش پیدا کرد، و اکثر شغل های که در سکتور خدمات در دوران قبل از انتقال[۱۲] ایجاد شده بود، از دست رفت و این امر سبب شد تا بیکاری افزایش یافته ورفاه وآسایش خانواده ها کمتر گردد.

شکل ۸: روند سرشماری مردم فقیر به اساس محل اقامت آنها

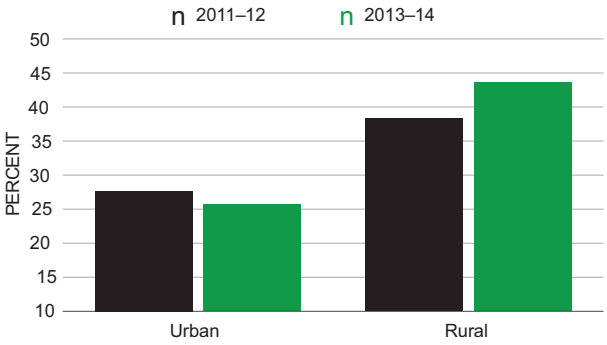

یادداشت: برآورد فقر در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ با استفاده از شیوه نسبت دادن سروی با سروی بدست آمده است. (به تبصره ۱ مراجعه کنید)

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از ارزیابی خطرات ملی و آسیب پذیری در سالهای ۲۰۰۷ - ۲۰۰۸، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۴

شکل ۹ روند سرشماری مردم فقیر به اساس منطقه

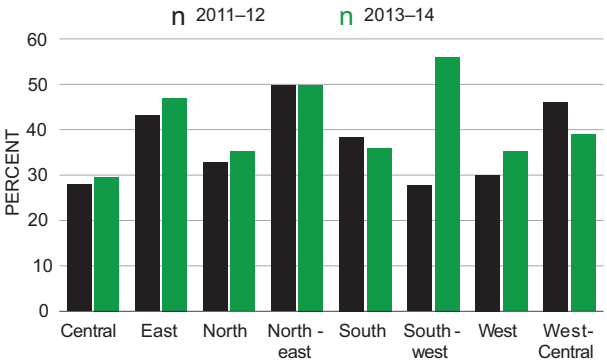

منبع: محاسبه توسط نویسنده با استفاده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۱ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴

۱۲ وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۱۵)

فقر در منطقه جنوب غربی بطور سرسام آور افزایش یافت، اما مشخصات فقر در دیگر مناطق تغییر نکرده است. تفاوت های جغرافیایی در بخش رفاه و آسایش از خصوصیت بارز مشخصات فقر در افغانستان می باشد. در گزارش قبلی تحلیل وضعیت فقر در افغانستان، بعضی مناطق - مناطق عقب مانده شرقی، جنوب شرقی و غرب مرکزی- در تجزیه و تحلیل ویرایش قبلی تحولات وضعیت زندگی در افغانستان منحیث مناطق به شدت آسیب پذیر از لحاظ فقر شناخته شده بود. در سالهای بین ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۱۴ درین مناطق کدام تغییرات مهم در وضعیت فقر به وجود نیامد و مردم این مناطق عقب مانده و نسبت به سایر مردم فقیر باقی ماندند. حوزه جنوب غرب از لحاظ خصوصیات در جمله مناطق استثنایی بشمار می رود که در آن وضعیت فقر از ۲۸ فیصد به ۵۶ فیصد افزایش نموده است.

(شکل ۹)

حوزه جنوب غرب که شامل ولایات چون نیمروز، هلمند[۱۳]، قندهار، زابل و ارزگان می گردد، در طول تاریخ شاهد جنگ های زیاد و کمک های فراوان بین المللی هم در بخش ملکی و هم نظامی بوده است. بدین اساس، قابل تعجب نیست که وضعیت فقر بیشتر در

شکل ۱۰: شواهد رشد و توسعه بین سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۱۴ موجود می باشند.

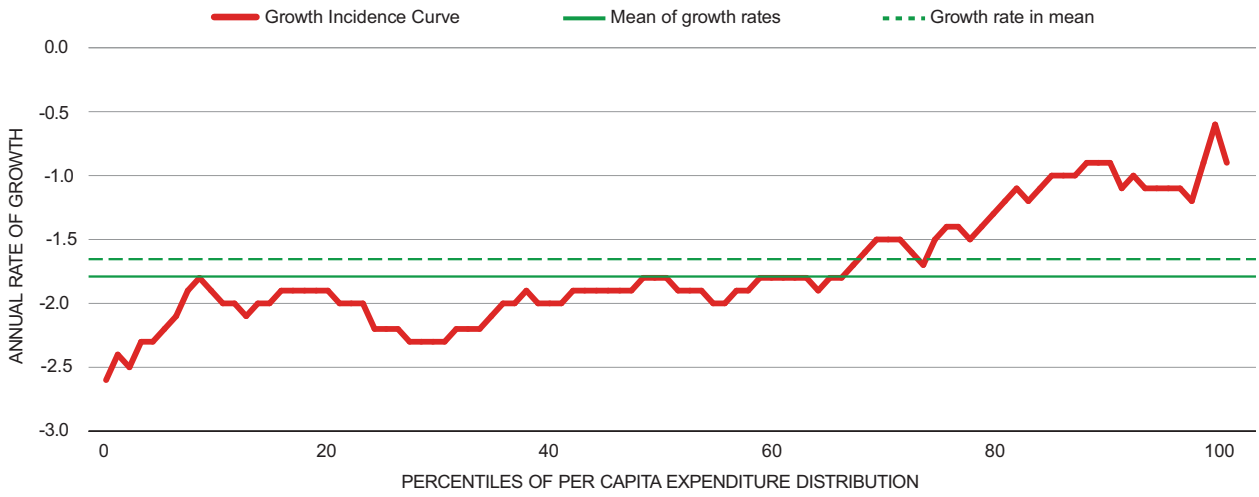

یادداشت: منحنی انتشار رشد (Growth Incidence curve) نشان دهنده نرخ رشد سالانه مصرف سرانه محاسبه شده بر اساس هر فیصدی درآمد، در بین دو زمان مختلف (۱۲-۲۰۱۱ و ۱۳-۲۰۱۴) میباشد.

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از ارزیابی خطرات ملی و آسیب پذیری در سال ۲۰۰۷- ۲۰۰۸، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴

۱۳ بدلیل موضوعات مربوط به کیفیت معلومات در سال ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۲، در مورد ولایت هلمند وجود کدام برآورد وجود ندارد.

وخیم شدن وضعیت زندگی در دوره انتقال مردم فقیر را به شدت متأثر ساخت . تغییرات در رفاه و آسایش در طول زمان تمام خانواده ها را بصورت مساوی متأثر نمی سازد. در مرحله قبل از انتقال زمانیکه رشد اقتصادی دوامدار بود، میزان آسایش ورفاه ۲۰ فیصد از سرمایه دارترین افغان ها - طوریکه با حد اوسط مصارف سرانه سنجش گردیده بود - ۹ فیصد رشد نمود، این در حالی صورت میگیرد که میزان آسایش ورفاه ۲۰ فیصد از فقیرترین مردم افغانستان مواجه به ۲ فیصد کاهش گردید. تصویر مشابه و در عین حال متضاد در مرحله انتقال به وجود آمد. در سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۱۴ میزان حد اوسط مصرف فی نفر بطور سالانه -۱,۷ فیصد تنزیل پیدا کرد، اما این تنزیل و کاهش در پایان جدول توزیع شدید تر بود (شکل ۱۲).

در حالیکه ۲۰ فیصد از فقیرترین افراد جمعیت درین دوره با ۴,۲ فیصد کاهش مصرف فی نفر مواجه شدند، میزان کاهش برای ۲۰ فیصد از سرمایه دار ترین افراد تنها ۲,۸ فیصد بود که این امر یکبار دیگر میزان بالای آسیب پذیری مردم فقیر را نسبت به رویدادها و آسیب ها تایید میدارد.[۱۴]

روند بیجاشدگی و مشخصات

افزایش جنگ ها در مناطق مختلف جغرافیایی تعداد بیجاشدگان داخلی را افزایش داد، طوریکه در شکل ۱۱ نشان داده شده است، تعداد بیجاشدگان داخلی در طول زمان در حال افزایش بوده است که بیشترین میزان آن در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ بوده است. مطابق اطلاعات تازه دفتر ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانهُحدود ۲.۹ میلیون افغان در داخل کشور بیجا شده اند که حدود ۲۲ درصد آنها تنها در سال ۲۰۱۶ از خانه های شان فرار کرده اند،[۱۵،۱۶]. برآوردها نشان می دهد که بطور اوسط در هر رویداد امنیتی (تلفات) که در یک ولسوالی اتفاق می افتید ۹ الی ۱۰ فرد دیگر اجباراً به جمع بیجاشدگان داخلی افزوده میشد[۱۷]. مشخصات روند بیجاشدگی در سراسر افغانستان نشان دهنده افزایش در توسعه جغرافیایی جنگ می باشد (شکل ۱۲). تقریبا یکی از سه فرد بیجا شده در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ در منطقه جنوب غرب بیجا شده اند، تعداد رو به افزایش افراد در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ در ولایت های جنوبی، جنوب شرقی وشرقی بصورت داخلی بیجا شده اند. باساس برآوردهای تازه تقریبا ۱,۲ ملیون نفر در سال ۲۰۱۶ در مراحل مختلف بجاشدگی قرار داشته و نیازمند کمک های انسانی در قلمرو افغانستان می باشند. طبق آمار دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه (OCHA)، بیجا شدگان داخلی در افغانستان به حدود ۲,۹ میلیون میرسد، که جمله ۲۲ فیصد آنها در سال ۲۰۱۶ خانه های خودرا ترک کرده اند.

شکل ۱۱: جمعیت بیجا شده، به تفکیک سال بیجاشدگی (به هزار)

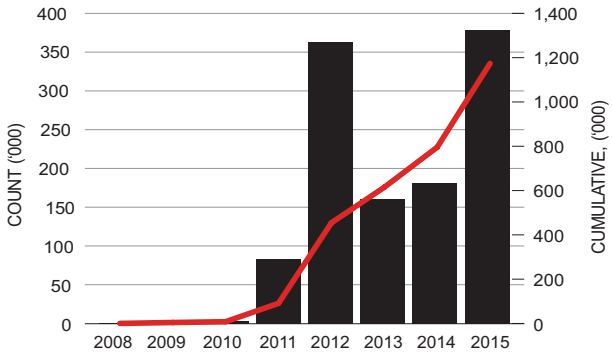

شکل ۱۲: تفصیل بیجاشدگی داخلی، به تفکیک منطقه سکونت اصلی و سال

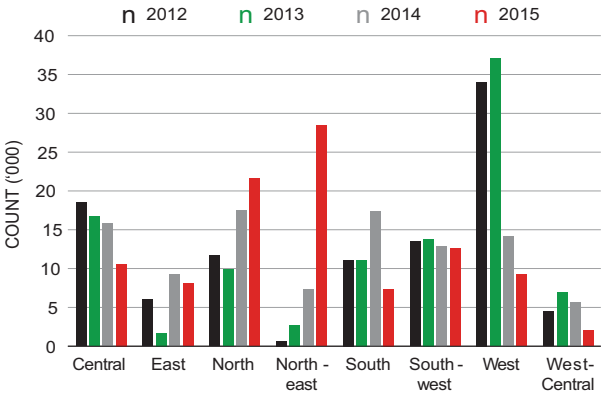

منبع: جزئیات توسط نویسنده به اساس معلومات کمیشنری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد

۱۴ به فصل ۴ مراجعه نمائید.

۱۵ به روز رسانی ارقام در ماه جنوری ۲۰۱۷ (نگاه کنید به: http://www.unocha.org/afghanistan)

۱۶ این معلومات باید منحیث نمونه مدنظر گرفته شود زیرا یک تعداد پیچیدگی ها و موانع در سنجش بیجاشدگی داخلی در محیط پویا بدلیل موجودیت چالش درباره حفظ معلومات تازه در باره نقل و مهاجرت های واقعی و عودت افراد و خانواده های بیجاه شده وجود دارد. به (Schmeidl۲۰۱۶) مراجعه نمائید. در فاصله ماه های جنوری و نوامبر ۲۰۱۳ به تعداد ۱۴۴,۴۵۵ تن، خانه های خویش را بخاطر جنگ ترک کرده اند. (دفتر سازمان ملل، افغانستان، ۲۰۱۶).

۱۷ نتایج مبتنی بر مادیول مربوط به تاثیرات مشخص سالانه در یک ولسوالی در سالهای ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۵نتایج مطابق با معلومات مربوط به خشونت و میزان جمعیت می باشد که نشان میدهد توسعه جنگ سبب مهاجرت اجباری شده است. (ماروریسن و می ۱۹۹۴، لانزانو- گراشیو ات ال، ۲۰۱۰)

مشکلات امنیتی اتخاذ تصمیم برای ترک مسکن و انتخاب سرنوشت را در شهرهای افغانستان که شاهد جذب تعداد رو به افزون بیجاشدگان می باشد متاثر می سازد. بیجاشدگی در شرایط جنگی بیشتر ازینکه ناشی از تصمیم داوطلبانه برای مهاجرت باشد از پیامد تهدید حملات وحشیانه می باشد، طوریکه در بالا تذکر یافت[۱۸]، عوامل فشار و مشکلات اقتصادی (تفاوت ها در دستمزد و اشتغال بین جایگاه اصلی و جایگاه مقصد) توأم با خشونت و نا امنی یکجا می باشد، خانواده های افغان "تفاوت های امنیتی" در جایگاه اصلی و جایگاه مقصد را مدنظر می گیرند. در افغانستان، چالشهای امنیتی و اقتصادی هردو مهاجرین اقتصادی و خانوادهای بیجاشده را مجبور میسازد تا به مراکز شهری بویژه به کابل پایتخت افغانستان پناهنده شوند[۱۹]. به اساس سند سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ (تبصره ۲)، ۴۸,۱ فیصد خانواده های بیجاشده ای داخلی و ۴۶,۶ فیصد خانواده های عودت کننده درزمان سروی در مراکز شهرها زندگی می کردند، این در حالی است که میزان ملی جمعیت شهری ۲۴,۱ فیصد می باشد.

تبصره۲ چالشهای معلومات بیجاشدگان باساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان

تجزیه و تحلیل بیجاشدگی داخلی و بین المللی در افغانستان از دیروقت تا اکنون بخاطر فقدان معلومات جامع و قابل اعتماد محدود بوده است. چندین تحقیق خورد عمدتاً کیفی و متمرکز بر ساحات شهری انجام شده است اما تفاوت های مربوط به شیوه تحقیق و نبود چارچوب مناسب برای انتخاب نمونه، امکان بدست آوردن تصویر دقیق و مشخصات گروه ها و خانواده های مورد نظر را دچار محدودیت نموده است.

سروی وضعیت زندگی در افغانستان که یک سروی ملی میباشد، میتواند تصویر واضح تر از وضعیت بیجاشدگان در افغانستان فراهم سازد.

به طور نمونه، سروی سالهای ۲۰۱۳-۱۴ زمینه را برای شناسایی عودت کننده گان بیرونی و بیجاشدگان داخلی از طریق ارجاع معلومات جمع آوری شده در بخش رویدادها و صدمات (مادیول ۹) و بطور خاص معلومات جمع آوری شده در دو مادیول جامع مهاجرت (مادیول ۱۲ و ۱۳) مساعد می سازد.

- مادیول ۹ بر "حوادث و رویدادها" تمرکز داشته و برعلاوه معلومات دیگر پیشینه بیجاشدن خانواده ها در داخل افغانستان و در سراسر قلمرو و سرحدات کشور جمع آوری مینماید. معلومات این مادیول شامل ولایات اصلی، ولایات و کشور بیجاشدگی، سال بیجاشدگی و عودت میشود.
- در مادیول ۱۲ تاریخچه مهاجرت های انفرادی، جمع آوری معلومات مربوط به محل سکونت (ولایت، کشور و مناطق شهری ویا روستایی) در سه نقطه از زمان: تولد، ۱۳۸۰ (سال آغاز جنگ ایالات متحده علیه طالبان) و دوسال قبل از سروی درج می باشد. در صورت که محل سکونت در هریک ازین موارد متفاوت از محل سکونت فعلی باشد، از پاسخ دهنده پرسیده می شود تا انگیزه مهاجرت خویش (اقتصادی، خانوادگی، جنگ/ خشونت، وغیره) را بیان نماید.
- مادیول ۱۳ بر اعضای خانواده که در ۱۲ ماه قبل از سروی خانواده خودرا ترک نموده اند متمرکز میباشد. و در درباره جنسیت، سن، محل زندگی مقصد (در داخل افغانستان و در کشورهای خارج از افغانستان) و دلایل مهاجرت (اقتصادی، خانوادگی، جنگ/خشونت، وغیره) هر فرد که در حال حاضر از خانواده دور میباشد، معلومات ارائه می نمایند.

جمع آوری معلومات از مادیول های مختلف فوق الذکر ،امکان بدست آوردن معلومات درباره مهاجرت ها و بیجاشدگان داخلی و برون مرزی را فراهم می سازد.

در حال حاضر بانک جهانی با اداره مرکزی احصائیه جهت جمع آوری معلومات درباره موضوعات مربوط به مهاجرت و بیجاشدگان در افغانستان همکاری می نماید. و در تجزیه و تحلیل معلومات وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۱۴ پیشرفت و بهبود در دو ساحه ذیل شناسایی گردید:

(۱) پرسشنامه برای سروی مؤثر جهت تلفیق تجزیه و تحلیل تاریخ مهاجرت انفرادی و مهاجرت خانواده ها؛ (۲) بهبود بخشیدن مادیول مهاجرت، بویژه مشخصات اعضای که از خانواده های شان دور می باشند؛ و (۳) بهبود طرح نمونه جهت بازتاب دادن خوب روند جاری شهری سازی و امکان شامل ساختن یک "بخش مربوط به بیجاشدگی" جداگانه در طرح نمونه.

---

۱۸ نگاه کنید به: زیکا و کیسکاتوس (۲۰۰۹)؛ ایبانیز (۲۰۱۴)

۱۹ جمعیت نفوس کابل از ۵۰۰,۰۰۰ تن در سال ۲۰۰۱ به ۳ ملیون در سال ۲۰۰۷ و بالاتر از ۴ ملیون در سال ۲۰۱۳ (سروی اجتماعی، اقتصادی و دیموگرافی کابل). عامل عمده رشد و توسعه کابل سبب عودت پناهندگان عودت کننده از پاکستان و ایران در سالهای بعد از سقوط طالبان و موج عظیم مهاجرت اقتصادی مهاجرین و جمعیت های بیجاشده از سایر ولایات می باشد، به اساس دیموگرافی اجتماعی و سروی اقتصادی کابل در سال ۲۰۱۳، تقریبا ۵ فیصد خانواده های که در ولایت کابل زندگی می نمودند (۱۷۰ هزار تن) بیجاشدگان داخلی بودند که از ولسوالی های به شدت مهاجر خیز افغانستان در دوران ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۳ میآمدند، در حالیکه ۳۱ فیصد خانواده ها (۱,۱ ملیون تن) مهاجرین عودت کننده ویا مهاجرین اقتصادی بودند که از کشورهای پاکستان و ایران بازگشت کرده بودند. بطور کلی، یکی از سه تن از ساکنان ولایت کابل مهاجرین بودند که از خارج و یا سایر ولایات افغانستان میآمدند. (اداره احصائیه مرکزی، ۲۰۱۶).

در میان افراد فقیر،افراد بیجاشده ای داخلی از همه بیشـــــتر و مخصـــــوصاً بلافاصله بعد از بیجاشدن آسیب پذیر می باشـند.جنگ و درگیری که سبب بیجاشـدن افغانها گردیده است بطور کلی با خطرات احتمالی فقر همراه می باشـد.از دست دادن سرمایه و منابع معیشـت، اختلال شبکه ها و از دست دادن سرمایه انسـانی همه عواملی اند که به تشـدید آسیب پذیری خانواده های اجباراً بیجاشده، در مقابل فقر کمک می نماید[۲۰]. در افغانســـتان، آسیب پذیری در مقابل فقر و شکنندگی فراگیر بوده و میزان فقر در میان خانواده های بیجاشـده ای داخلی بطور اوسـط در مطابقت با میزان فقر کل جمعیت قراردارد. این در حالی اسـت که، خطر بالای فقر در میان خانواده های بیجاشده ای داخلی بعداز کنترل محل سکونت (محل سکونت شهری در برابر محل سکونت روستایی)، مدت اقامت در محل فعلی سکونت و اینکه آیا آنها در گذشته بعداز بیجاشدن از خارج به وطن عودت کرده اند (بار دوم بیجاشـدگی)، به وجود میاید. هرگاه این عوامل مدنظر گرفته شود، به احتمال زیاد خانواده های بیجاشده ای داخلی بطور متوسط ۱۰٫۵ فیصد فقیر تر از سایر جمعیت افغانستان بوده و آسیب پذیری آنها بلافاصله بعد از بیجاشدن بیشتر می گردد.

چالشـهای بیجاشدگی داخلی در حال حاضر توسط عودت گسـترده و اجباری مهاجرین پناهنده از پاکســتان شدت یافته است. تغییرات در سیاست های منطقوی باعث شده است تا هزاران افغان از پاکســـتان، ایران و به پیمانه کمتری از اروپا عودت (اکثراً اجباری) نمایند. تنها در سال ۲۰۱٦، در حدود ۲۵۰ هزار مهاجرین غیر قانونی و ۳۷۰ هزار مهاجر قانونی از پاکســـتان به کشـــور برگشـتند و ۴٦۰ هزار پناهجوی غیر قانونی دیگر از ایران عودت نمودند[۲۱]. در حالیکه درباره مشـخصـات رفاه عودت کنندگان معلومات بسـیار کم وجود دارد، شواهد بین المللی موجود نشـان می دهد که عودت و اسکان مجدد آنها (چه در موقعیت های جدید و یا در محل های سکونت اصلی) اساساً مبتنی بر قابلیت دسترسی آنها به بازار و اشتغال می باشد[۲۲]. بارشد ضعیف اقتصـادی و بیکاری وسیع، این موج بزرگ از افراد و خانواده های عودت کننده احتمالاً فشـــــار زیادی را بر ظرفیت جذب عودت کنندگان در ساحات اسکان مجدد، رقابت های اقتصادی، تهدید ثبات اجتماعی و بالآخره بالا بردن میزان فقر وارد میسازد[۲۳].

۲۰ البانیز، قبل از ظهر، و مویا (۲۰۱۰)
۲۱ یوناما (۲۰۱۷)
۲۲ بانک جهانی (۲۰۱٦)
۲۳ بانک جهانی، کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد (۲۰۱٦)

فصل دوم
بحران اشتغال در افغانستان

خلاصه: کاهش رشد و توسعه اقتصادی و فشار دوامدار برخواسته از افزایش نفوس چالش، به چالش های کاریابی و وضعیت بازار کار افزوده است. در بین سال های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ در حدود ۲۲,٦ فیصد نیروی کار افغانستان بیکار بوده اند که از آن جمله، ۴٦٪ آنرا جوانان تشکیل میدهند .بیکاری جوانان مخصوصاً بیکاری جوانان ذکور یک نگرانی خاص می باشد زیرا امکان دارد آنها در جنگ و یا در موضوعات مربوط به مسایل اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند. در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ به تعداد ۵۰۰,۰۰۰ تن از جوانان طبقه ذکور بیکار بودند که اکثر آنها در مناطق روستایی (۷۲ فیصد)زندگی می نمایند و آنها یا فاقد تعلیم و تربیه بوده و یا اینکه دارای تعلیمات ابتدایی می باشند. بحران اشتغال در مناطق روستایی بیشتر بوده و کارگران که مهارت و سواد کافی ندارند، بیشتر متاثر شدند و سهم شان در سکتور خدمات نسبت به کارگردن با مهارت و با سواد کمتر است. وخامت اوضاع امنیتی علاوه بر اینکه بالای کاهش رشد اقتصادی و تقاضای کار تاثیر گذاشته است، بلکه موجب بیجا شدن اکثر شهروندان از روستا ها به شهر و بیرون از کشور، نیز شده است. مهاجرت منحیث یک استراتیژی مهم برای معیشت برای خانواده های افغان و همچنان کانال مهم برای رفع محدودیت های بازار کار افغانستان قلمداد می گردد.

چالشهای اشتغال در افغانستان

افغانستان تلاش دارد تا فرصت های کاری را بیشتر ایجاد نماید تا نیروی کارِ رو به رشد سریع را جذب و استخدام نماید. رکود اقتصادی افغانستان نگرانی ها را در مورد ازیاد بیکاری افزایش داده است. به همین ترتیب، میزان باروری در افغانستان بیشتر از ۵ طفل برای هر زن است[۲۴] و افغانستان سریع ترین رشد نفوس، بیشترین میزان وابستگی و رشد نسل جوان را در آسیای جنوبی دارد[۲۵]. (شکل ۱). مشخصات و ترکیب دموگرافی افغانستان چالشهای بزرگی را متوجه موضوعات مالی عامه و بازار کار کرده است. به خصوص میزان بالای وابستگی؛ پس انداز وسرمایه گذاری را شدیدن صدمه زده است و سبب محدود شدن مصارف عامه بالای خدمات اجتماعی مخصوصاً صحت و تعلیم و تربیه می گردد. ضرورت است که در هر سال تخمیناً به تعداد ۴۰۰,۰۰۰ شغل در بازار کار ایجاد گردد تا کارگران جدید صاحب شغل گردند که این مسئله در نبود رشد اقتصادی و در موجودیت بودیجه محدود برای سرمایه گذاری عمومی یک چالش مهم بشمار می رود.[۲٦]

۲۴ مطابق تازه ترین تخمین ها، نرخ کلی زاد و ولد در افغانستان ۵,۳ طفل به ازای هر زن است (سروی جمعیت شناختی و صحت، ۲۰۱۵). افغانستان و تیمور شرقی تنها کشورهای خارج از آفریقا است که در آن نرخ زاد و ولد بیش از ۵ طفل به ازای هر زن است (دفتر امور اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، ۲۰۱۵)

۲۵ مطابق آمار دفتر امور اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (۲۰۱۵)، افغانستان دارای سومین رقم بزرگ رشد نسل جوان پس از اوگاندا و چاد در جهان است، به گونه ای که بیش از یک پنجم جمعیت بین ۱۵ تا ۲۴ سال سن دارند. انتظار می رود جمعیت افغانستان دو برابر شده و از ۲۸,۴ میلیون در سال ۲۰۱۰ به ۵٦,۵ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰ برسد.

۲٦ طوریکه تخمین میشود، حتی با رشد خوشبینانه و سناریوهای رشد شدت کار، بازار کار افغانستان تا سال ۲۰۲۷ قادر به مقابله با رشد عرضه کار نخواهد بود (هولزمن، ۲۰۱٦).

شکل ۱۳: گروه جوانانکه در آسیای مرکزی و جنوبی زندگی می کنند

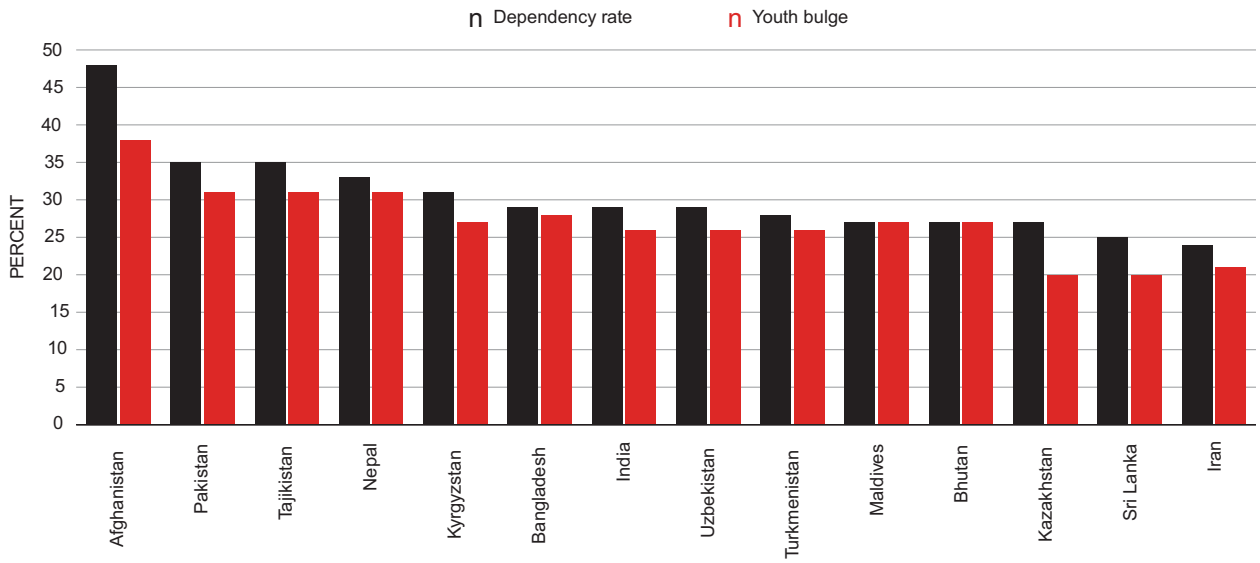

منبع: سند سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ (افغانستان)؛ اداره امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل(2015)

تبصره۳ تعریف شاخص های بازار کار

شاخص های بازار کار که در این فصـــل استفاده شده است، تعاریف رسمی است. انحراف جریی در تعاریف رسمی به این منظور معرفی شده است تا مقایسه دوسروی را میسر سازد. (به ضمیمه ۲ مراجعه نمائید).

جمعیت در سن کار: تمام اشخاص دارای سن ۱۴ و بالاتر

نیروی کار: تمام اشخاص در سن کار که فعال و پرتلاش باشند، بطور مثال دارای اشتغال و بدون اشتغال.

میزان مشارکت نیروی کار: نیروی کار منحیث یک حصه از جمعیت در سن کار

اشخاص دارای اشتغال: تمام اشخاصیکه داری سـن کار باشـند و در دوران مدت کاری یک هفته ای در اشـتغال با مزد و یا اشـتغال خودی حد اقل برای هشت ساعت مشغول به کار باشند.

اشخاص دارای شغل نیمه وقت: تمام اشـخاص که دارای سـن ۱۴ و بالاتر از آن که در دوران مدت کاری یک هفته ای فاقد اشـتغال بوده اما حداقل ۴۰ ساعت کار کرده اند.

یادداشت: تعریف رسمی شامل ضرورت دستیابی و موجودیت کار/ تمایل به کار در ساعات اضافی نیز می گردد.

بیکار و فاقد اشتغال: تمام اشخاص که دارای سن کاربوده و در دوران کاری یک هفته ای (۱) بدون کار بوده ویا کمتر از هشت ساعت کار کرده اند و یا دو هفته (۲) در جستجوی کار باشند.

کار بدون سود: تمام اشخاصیکه در سن کار که فاقد کار بوده و یا دارای شغل نیمه وقت باشند.

اشتغال غیر رسمی: تمام اشخاص در سن کار که: (۱) دارای اشتغال شخصی باشند (۲) کارگر روزمزد و (۳) سهم در تمویل خانواده

مطابق با تازه ترین برآوردها، ۱٫۹ ملیون افغان فاقد شـغل می باشـند که جوانان وزنان در این میان شـدیداً با بحران اشـتغال مواجه می باشند. "بیکاری" و "فقر اقتصـادی" بزرگترین مشـکلی است که توسط افغانها در اکثر نظرسنجی های که به تازگی انجام شده است، شناسایی شده اند.[۲۷] شواهد، نظر مردم درمورد وضعیت نا بســـــامان بازار کار را تقویت می نماید. به اساس ارقام سروی وضعیت زندگی در افغانسـتان؛ ۲۲٫۶ فیصـد نیروی کار افغانسـتان در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ فاقد اشتغال بودند. از هر چهار نفر، یک نفر در بازار کار مشارکت دارند. به عبارت دیگر، در حدود ۱٫۹ میلیون شهروند.

۲۷ نگاه کنید به: بنیاد آسیا (۲۰۱۳ – ۲۰۱۶)، سروی مردم افغانستان. به آدرس http://asiafoundation.org/where-we-work/afghanistan/survey/ مراجعه نمائید.

یا مصروفیت کاری کمتر از ۸ ساعت در هفته دارند و یا هیچ مصروفیت کاری ندارند و در جستجوی کارهستند. بیکاری و عدم اشتغال بطور خاص در میان جوانان[۲۸] (۲۸,۹ فیصد) وزنان (۳٦,۸ فیصد) شدیدتر می باشد. تقریباً نیم از افراد بیکار در سطح ملی، زیر سن ۲۵ سال (۴۵,٦ فیصد) می باشند که این امر، تلاش افغانستان در راستای ایجاد اشتغال برای نیروی کار در حال افزایش میباشد و در عین حال دست و پنجه‌زدن با بحران اقتصادی که در مرحله انتقال رخ داده بود، می باشد.

بیکاری در افغانستان پدیده ای پیچیده ای است، به گونه ای که تفاوت های زیادی بین مناطق روستایی و شهری وجود دارد. رسیدگی به مشکل بیکاری نیازمند آگاهی از میزان و عمق مشکل و همچنان مشخصات طبقه بیکار، می باشد. با توجه به سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ تقریباً به تعداد ۸۷۷ هزار جوان فاقد اشتغال بودند که دو بر سوم ۲/۳ حصه آنرا جوانان ذکور تشکیل میدادند. حدود ۵۰۰ هزار (۴/۵) این جوانان بیکار ذکور میباشند که در ساحات روستایی زندگی مینمودند (شکل ۲). تفاوت های قابل ملاحظه ای در سویه های تحصیلی این جوانان وجود داشته است. جوانان ذکور فاقد اشتغال در مناطق شهری، به احتمال زیاد آموزش دیده می باشند که ۵۴ فیصد آنها دارای تعلیمات ثانوی ویا بالاتر از آن می باشندمتباقی آنها شامل مناطق روستایی می گردد که از آن جمله ۵۴ فیصد جوانان بیکار ذکور دارای آموزش های رسمی نبوده و در حدود ۳۷٪ آن بیسواد میباشند.

شکل ۱٤: بیکاری و عدم اشتغال جوانان به اساس جنسیت و محل سکونت

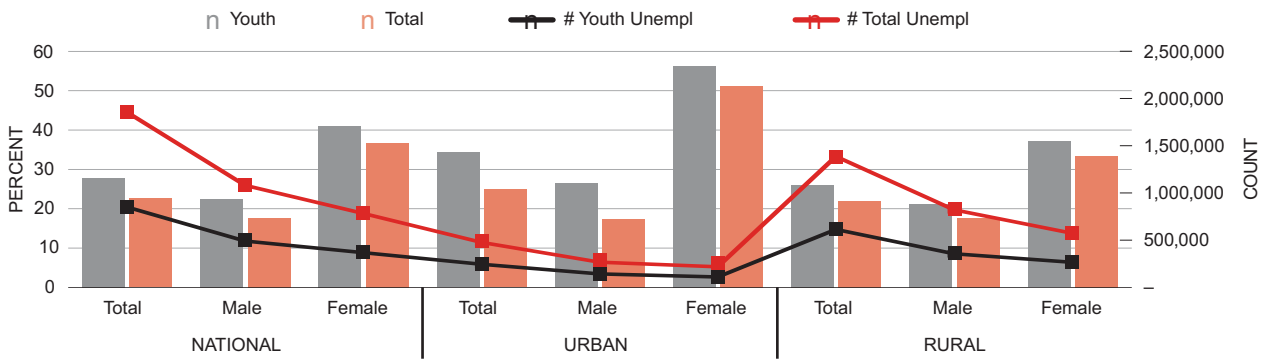

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از سند سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴

شکل ۱۵: مشخصات تعلیم و تربیه جوانان ذکور بیکار به اساس محل سکونت

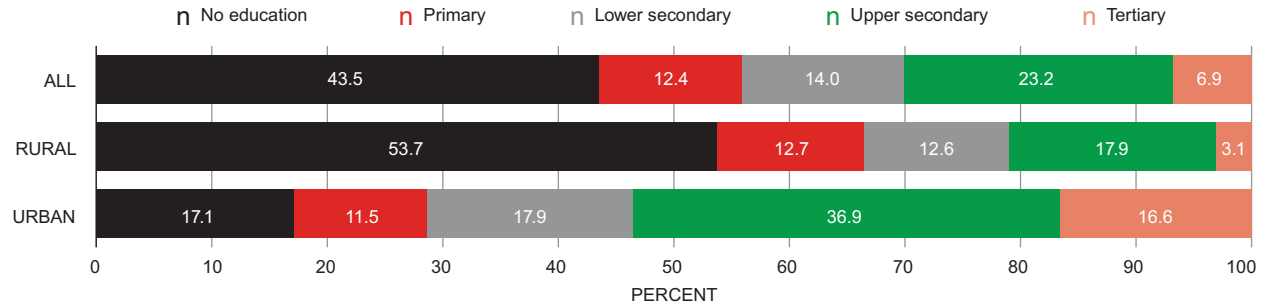

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از سند سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴

۲۸ به اساس تعریف جهانی سازمان ملل متحد، جوانان افرادی اند که در سنین بین ۱۵ الی ۲۴ قرار دارند. بمنظور هماهنگ ساختن تعریف جوانان توسط سازمان ملل متحد با تعریف افغانستان از سن کاری (افراد دارای سن ۱۴ و بالاتر)، ما به این نتیجه میرسیم که جوانان کسانی اند که دارای سنین بین ۱۴ الی ۲۴ باشند.

ثبات اجتماعی- اقتصادی افغانستان با چالش بیکاری رابطه مستقیم دارد. دریافت های اخیر نشان میدهد که افزایش جوانان بیکار، با اتفاقات مثل خشونت ها، منازعات، دزدی و امثال آن، ارتباط مستقیم دارد. یعنی به هر پیمانه ای که بیکاری افزایش یابد، به همان پیمانه خشونت ها و فعالیت های مخالفین بیشتر میشود. برگشت تعداد زیاد از عودت کنندگان بیکار از کشور های ایران و پاکستان به مشکل بیکاری و در نتیجه بی ثباتی، افزوده است.

تبصره۴ نفوس، محرکه های بازار کار و منازعات،

شواهد جهانی نشان میدهد که به احتمال زیاد کشور ها زمانی جنگ را تجربه میکنند که به تنش ها و فشار های اجتماعی که افغانستان همین اکنون در تلاش حل آن است، مواجه باشند. این تنش ها و فشار ها میتواند شامل موارد ذیل باشند : حمایت خارجی از شورشیات در داخل کشور، عبور و مرور غیر قانون در مرز ها، فساد گسترده و شدید، رقابت های منفی قومی و ارتکاب تبعیض از سوی دولت. خصوصیت جمعیتی افغانستان و کمبود اشتغال، به افزایش نگرانی ها در مورد ثبات، کمک نموده است.

تعداد زیادی از تحقیقات اخیر، بیکاری جوانان و افزایش جنگ و شورشگری را مرتبط دانسته اند. یکی از تحقیقات که بصورت عمیق تعدادی زیادی از جنگ ها و درگیری ها را که در بین سال های ۱۹۵۰ و ۲۰۰۰ اتفاق افتاده اند، به مطالعه گرفته است. نتیجه این پژوهش نشان میدهد که ارتباط مستقیم بین افزایش بیکاری جوانان و وقوع جنگ ها وجود دارد (Urdal،۲۰۰۴). یک تحقیق دیگر در مورد جنگ های سال ۱۹۹۰ نشان میدهد که کشور های که فیصد جوانان در حدود ۴۰ یا بیشتر از باشد؛ احتمال وقوع جنگ ها و درگیری داخلی دوبرابر بیشتر از کشور های است که میزان جوانان در چنین حد نیست (Cintcotta e al.,۲۰۰۳). این پژوهش هم چنان نشان میدهد که ارتباط بین موجودیت جوانان بیکار و وقوع جنگ و درگیری هازمانی تقویه میشود که اقتصاد کشور ها به رکود مواجه شوند و جوانان بیکار باقی بمانند (Urdal،۲۰۰۴). کشور های با فیصدی زیاد جوانان که جنگ های داخلی را تجربه کرده اند، میزان بیکاری طبقه جوان چندین مرتبه بیشتر از بزرگ سالان گزارش شده است (Cintcotta e al.,۲۰۰۳) . کشور های که بیشترین فیصدی جوانان بیکار را دارند؛ بیکاری ساختاری احتمالا باعث افزایش افراط گرایی سیاسیِ افراد جوان میشود (Nichiporuk,۲۰۰۰). افزایش نیروی جوان و بیکار ممکن برای سازمان های هراس افگنی و تروریستی کمک کند تا جوانان در کشور های آسیب پذیر، جذب و سرباز گیری نمایند.(Lia,۲۰۰۵;Urdal,۲۰۰۶)

تبصره۵ موضوعات قابل مقایسه و تجزیه و تحلیل روند

تغییرات در پرسشنامه سروی وضعیت زندگی در افغانستان در سالهای ۲۰۰۷-۰۸، ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۴ تجزیه و تحلیل روند بازار کار در افغانستان را پیچیده ساخته است. تفاوتهای عمده در پرسشنامه سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ شناسایی شده بود که در آن (۱) به اساس طرزالعمل خوب بین المللی، مدت فراخوانی و دعوت برای جمع آوری معلومات درباره وضعیت بازار کار از "یک ماه قبل از سروی" که در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ مورد استفاده قرار گرفته بود "یک هفته قبل از سروی" تغییر نمود (۲) تعداد و میزان دقت پرسشهای تحقیقاتی به ارتباط اشتغال بطور فاحش کاهش یافت که این امر منجر شد به ناچیز شمردن مشارکت اصناف مختلف نیروی کار با وابستگی ضعیف تر بازار کار مخصوصاً طبقه جوان، بزرگسالان وزنان.

در حالیکه در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ مدت دعوت و فراخوانی جمع آوری معلومات که مربوط به سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ بود به "یک هفته قبل از سروی" تغییر نمود تمام پرسشهای تحقیقاتی که اساساً در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ برای جمع آوری معلومات در باره اشتغال مورد استفاده قرار گرفته بودند دوباره معرفی گردید تا مشکلاتی که در تخمین مشارکت نیروی اصناف مختلف کارگران حاشیه ای سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ رفع گردد.

در نیتجه این تغییرات تجزیه وتحلیل روند بازار کار بسیار محدود می گردد و ب بطور معنی دارصرفاً به جمعیت بالغان ذکور (در سنین بین ۲۵ سال و ۵۰ سال) منحصر گردید که بخشی از جمعیت دارای قوی ترین میزان مشارکت در بازار کار را که بدون درنظرداشت سال سروی تقریباً به ۱۰۰ فیصد میرسد را تشکیل می دهد.

روند بازار کار

به نظر میرسد، وضعیت بازار کار هر روز نسبت به قبل وخیم تر میشود. (تبصره ۲) میزان بیکاری جوانان به سطح ملی در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ به سه برابر از ۴ فیصد به ۱۲,۹ فیصد افزایش یافته است.[۲۹] بیکاری و عدم اشتغال مخصوصاً در مناطق روستایی بیشتر شده است . به اساس آمار ثبت شده، بیشترین دست آورد های توسعه یی درزمان قبل از مرحله انتقال، دراین مناطق صورت گرفته بود (شکل ۴). بسیاری از دست آورد های که خاصتا در مناطق روستایی در مرحله انتقال بین سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۱۷ بدست آمده بود، پایدار نبوده است.

بعد از آنکه درزمان قبل از انتقال، بیکاری و عدم اشتغال روستایی از ۲۰,۴ فیصد به ۹,۷ فیصد کاهش یافت؛ دوباره ۲۶ فیصد افزایش یافت.

شکل ۱۶: روند بیکاری و عدم اشتغال، نیروی کار بالغان ذکور (۲۵، ۵۰)

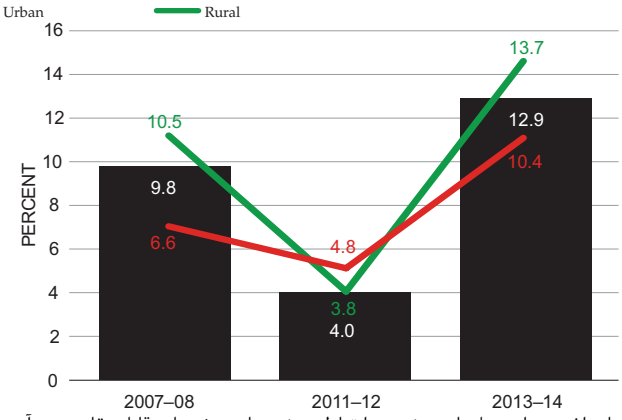

شکل ۱۷: روند اشتغال نیمه وقت، نیروی کار جوان ذکور

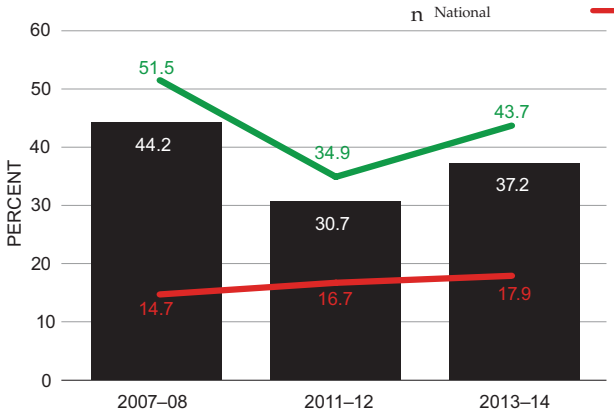

یادداشت: برای معلومات بیشتر به ارتباط بحث درباره موضوعات قابل مقایسه، به آدرس وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان و منابع سالهای (۲۰۱۵) و (۲۰۱۶) مراجعه نمائید.

وضعیت وخیم بیکاری نیمه وقت، منجر به افزایش بیکاری در کل شده است. یافتن وظیفه نه تنها که به مراتب مشکل شده است حتا اگر مهیا هم شود، خطر نیمه وقت بودن آن بیشتر است. کار نیمه وقت (کسی در یک هفته قادر به حداقل ۴۰ ساعت کار نباشد) در حدود ۲۱ فیصد افزایش یافته است. کار نیمه وقت از ۳۰,۷ در سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به ۳۷,۲ در سال های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ افزایش یافته است.[۳۰] در سال های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ از هر دو جوان ذکور، یکی آن بخاطر اینکه اصلاً دارای اشتغال نبوده اند یا و دارای اشتغال نیمه وقت بوده اند، قادر به یافتن اشتغال سودمند نگردیده است.

افزایش بیکاری و عدم اشتغال با از بین رفتن شغل مخصوصاً در مناطق روستایی همراه بوده است. کند شدن رشد و توسعه، سبب جلوگیری از ایجاد شغل های جدید جهت جابجایی نیروی کار در حال افزایش درافغانستان بوده است اما کاهش نیروهای نظامی، تقلیل کمک ها، و نا امنی زیاد موجب شد تا طبقه ذکور جوانان در آستانه قبل از مرحله انتقال، وظیفه های خویش را از دست دهند. طوریکه در شکل ۱۸ نشان داده شده است، در سالهای بین ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به تعداد ۴۷۱ هزار شغل ایجاد شده بود که در سالهای بین ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۱۴ به تعداد ۳۶۷ شغل از دست رفت. به طور کلی، از هر ۱۰ شغل از دست رفته، ۹ آن در مناطق روستایی بوده است. بحران شغلی مناطق روستایی و وخیم شدن وضعیت امنیتی، خانواده های افغان را مجبور به مهاجرت به مناطق شهری جهت جستجوی کار و مصؤنیت وظیفوی نموده است. با وجود پایین بودن میزان باروری، جمعیت شهر ها بین سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۳-۲۰۱۴ در حدود ۱۰ فیصد (۶۱۲ هزار) افزایش یافته است. در حال که رشد جمعیت روستا ها در همین مدت تنها ۲,۲ فیصد بوده است. مهاجرات از روستا ها به شهر ها بصورت قابل ملاحظه ای در افزایش بیکاری در شهر ها تاثیر داشته است.

۲۹ در حالیکه قابل قبول بودن تجزیه و تحلیل گزایش ممکن است ضعیف باشد، لازم به یادآوریست که روند مشابه زمانی بروز می نماید که به مسئله بیکاری جوانان ذکور نظر نمائیم. بطور خاص، بیکاری جوانان در سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۰۸ از ۲۰,۲ فیصد به ۱۰,۵ فیصد در سال ۲۰۱۱ و به ۲۷,۹ فیصد در سال ۲۰۱۳- الی ۲۰۱۴ افزایش نموده است.

۳۰ اگر معلومات مربوط به موجودیت و اراده برای کار در ساعات اضافی که در سروی ۲۰۱۱-۱۲ وضعیت زندگی در افغانستان و سروی ۲۰۱۳-۱۴ وضعیت زندگی در افغانستان جمعیت آوری شده است، توجه گردد، یک روند مشابه شکل می گیرد. با استفاده از این تعریف، بیکاری-نیمه وقت از ۱۷,۹ به ۲۱,۲ فیصد افزایش یافت.

شکل ۱۸: تغییرات در اشتغال باساس سکتور، جوانان ذکور (۲۵ -۵۰)

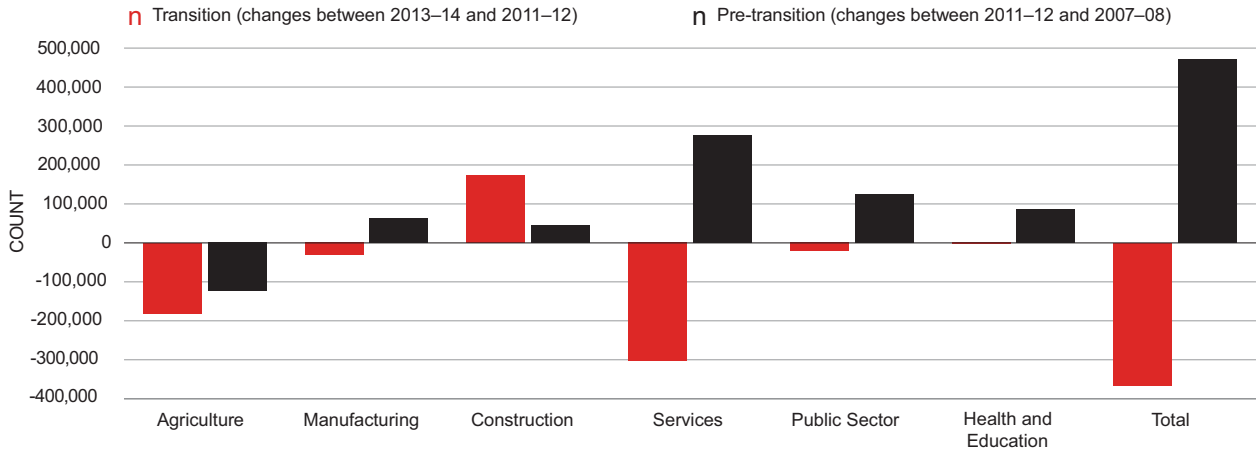

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤، سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ارزیابی خطرات و آسیب پذیری ملی سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸

انتقال باعث شد تا فرصت های کاری در سکتور خدمات بیشتر صدمه ببیند. قبل از مرحله انتقال در سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۸ الی ۲۰۱۱-۲۰۱۲ اشتغال جوانان ذکور در سکتور خدمات ۳۳ فیصد افزایش یافته بود. اما دوره انتقال سبب کاهش شغل بطور متعادل در سکتور خدمات گردید، طوریکه میزان اشتغال درین سکتور نسبت به سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ کاهش پیدا کرد[۳۱] (شکل ۲). سکتور ساختمانی تنها سکتوری بود که در دوران مرحله انتقال ، اشتغال در آن بطور دوامدار رشد و توسعه نموده بود، در حالیکه اشتغال در سکتور زراعت بطورعموم در حال کاهش بود.

میزان بحران اشتغال در سراسر افغانستان یکسان نمی باشد. بحران شغلی بطور نامتناسب مناطق روستایی را نسبت به مناطق شهری بیشتر متأثر ساخت، اما بعضی مناطق روستایی بیشتر از مناطق دیگر متضرر گردیدند. میزان بیکاری و عدم اشتغال جوانان ذکور بیشتر در ذون غرب مرکزی افزایش یافت که در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ این میزان از ٦,۸ فیصد به ۳۷,۷ در سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤ افزایش نمود. میزان بیکاری و عدم اشتغال جوانان ذکور در مناطق غرب، شمال و شمال شرق نیز بالاتر از حد اوسط ملی بوده است. بطور کلی، بیکاری و عدم اشتغال بیشتر در مناطق عقب مانده شمال شرق، شرق و غرب مرکزی افزایش یافت که در مجموع در مرحله انتقالی ۳۸ فیصد شغل از دست رفته است.

شکل ۱۹: میزان بیکاری و عدم اشتغال به اساس منطقه، جوانان ذکور (۲۵، ۵۰)

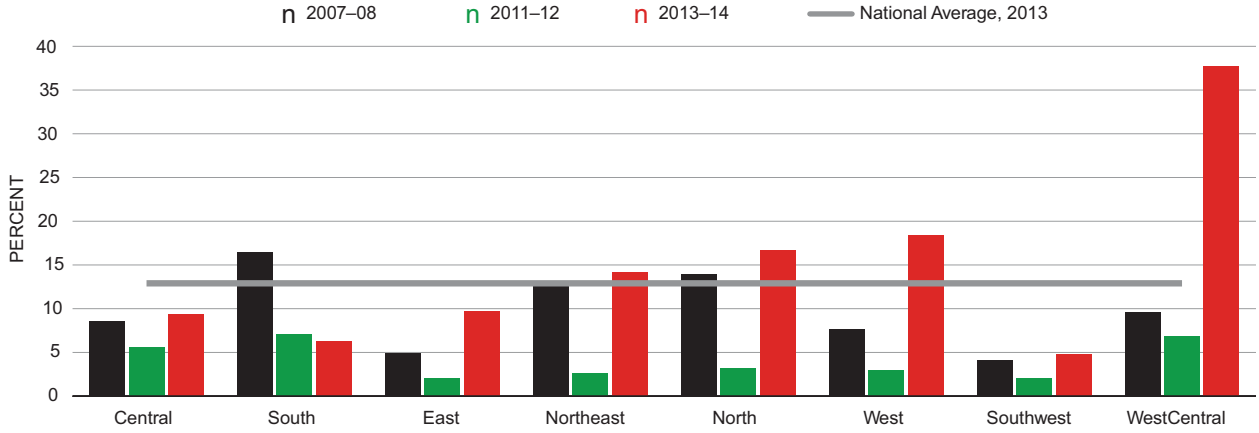

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤، سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ارزیابی خطرات و آسیب پذیری ملی سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸

۳۱ در جریان مدت بین ۲۰۰۷ الی ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۲، اشتغال در سکتور خدمات تقریباً به مقدار ۲۷,۳ کاهش یافت.سکتور خدمات در سال ۲۰۱۱ به تعداد ۸۰۸ هزار کارگر جوان ذکور را در مقایسه با ۱,۱۱ ملیون ۸۳۵ کارگر در سال ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۲ و سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۰۸ برای کار استخدام کرده بود.

بحران بیکاری کارگران دارای مهارت کم و بی سواد را بیشتر از همه متاثر و متضرر نموده است. چهار تن از هر پنج شغل که در مرحله انتقالی شغل خوش را از دست دادند افرادی دارای مهارت کم بودند، چنانچه این امر در موضوع مربوط به کاهش اشتغال در نیروی کار بی سواد توضیح داده شد. اشتغال کارگران جوان ذکور بی سواد در حدود فیصد ۱۵,٤٪ کاهش یافته است طوریکه از ۱,۹ ملیون تن در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ به ۱,٦ ملیون در سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤ رسیده است. میزان بیکاری و عدم اشتغال جوانان بی سواد تقریبا ٤ برابر از ۳,۸ فیصد به ۱٤,۵ فیصد افزایش یافته است.[۳۲] روند منفی اشتغال جوانان ذکور با سواد نسبت به جوانان بی سواد کمتر بوده است. در حالیکه در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ جوانان بی سواد ۵۷ فیصد جمعیت بیکار ذکور را تشکیل میداد اما این رقم در سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤ به ٦٦,۳ فیصد افزایش یافت. این نتایج یکبار دیگر ثابت میسازد که اقشار فقیر به گونه ای شدیدتر از دیگران نسبت به رویدادها و حوادث آسیب پذیر می باشند.

جنگ، نتایج بازار کار و نقل و جابجایی جمعیت

رابطه بین بیکاری و جنگ پیچیده می باشد، در مورد تاثیر گذاری وضعیت بد امنیتی بالای کندی رشد اقتصادی ابهامات وجود دارد اما هیچ شواهدی وجود ندارد که افراد که در مناطق جنگی زندگی میکنند، واقعن بیکار باشند. در واقعیت بر اساس سروی های خانه وار، بر عکس آن درست میباشد. یعنی مناطق که در آن درگیری بیشتر است، بیکاری در آن مناطق کمتر دیده شده است.[۳۳] برای این نتیجه غیر معمول میتوان دو توضیح ارایه نمود: در مناطق که درگیری وجود دارد، شهروندان از آن مناطق یا به جبر و یا بخاطر مشکلات اقتصادی مهاجرت میکنند. موضوع دوم، درگیری و جنگ بعضی اوقات فرصت های کاری جدید مرتبط به اقتصاد جنگ را برای باشندگان ایجاد میکند. این فرصت های کاری میتواند اشتراک مستقیم در درگیری ها و یا فعالیت های مربوط به حضور جنگجویان، باشند.

بیجاشدگی اجباری با آسیب پذیری بازار کار ارتباط مستقیم دارد. خانواده های بیجاشده ای داخلی با چالشهای زیاد مواجه می شوند که اولین چالش در یافت شغل در مناطق مقصد و محل سکونت ثانوی می باشد. طوریکه اکثر بیجاشدگان داخلی از مناطق روستایی به مراکز شهری و نسبتا امن، نقل مکان می نمایند، یافتن کار با وجود نداشتن مهارت مورد نیاز برای معیشت شهری مشکل می باشد. به اساس شواهد موجود، بزرگان خانواده های بیجاشده ای داخلی به احتمال زیاد دارای اشتغال آسیب پذیر و در نتیجه باعث اشتغال نیمه وقت میشود.[۳۴]

علاوه بر بیجاشدگی اجباری، جنگ نیز باعث میشود تا خانواده ها به منظور کاهش خطرات، به مهاجرت اقتصادی بپردازند. جنگ و درگیری افغان ها را مجبور ساخته است تا هم در داخل و هم در خارج مهاجرت نمایند، اما آنها بر مهاجرت اعضای ذکور خانواده برای تامین نیازمندیهای اقتصادی نیز تکیه کرده اند تا با بحران های اقتصادی مقابله کرده و خطرات بالای اقتصاد مربوط به معیشت خویش را مدیریت نمایند.[۳۵] بطور کلی، ۳,۴ فیصد خانواده های افغانستان در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ گزارش داده اند که یک عضو از اعضای آنها خانواده را در سال گذشته بمقصد جستجوی اشتغال در جای دیگر ترک کرده است.[۳٦] دریافت ها نشان می دهد که خانواده های که در مناطق محل سکونت خویش بیشتر احساس نا امنی می نمایند بیشتر آنها مهاجرین هستند که بخاطر مسایل اقتصادی مهاجرت کرده اند، اما افزایش خشونت ها، احتمال داشتن یک عضو از اعضای خانواده منحیث مهاجر را کاهش می دهد. این امر ممکن است بدلیل نیازمندی زیاد به محافظت از خانواده ویا بخاطر مجبور شدن تمام اعضای خانواده به مهاجرت بوده باشد.

---

۳۲ در نتیجه این روند متفاوت بین کارگران جوان ذکور با سواد و بی سواد، سهم کارگران باسواد در اشتغال از ۳۹,۲ فیصد درسال ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۲ به ۴۲ فیصد در سال ۲۰۰۱۳ الی ۲۰۱۴ افزایش یافت.

۳۳ نتیجه برای دسته بندی های مختلف جنگ خوب بوده و شامل تمام زیرمجموعه های نیروی کار (مجموع، ذکور، جوانان ذکور، بالغین ذکور) می گردد.

۳۴ با توجه به وضعیت سواد، محل سکونت شهری ویا ولایت، بزرگان خانواده ها ٤ فیصد احتمالا دارای شغل نیمه وقت بوده ویا صاحب شغل های آسیب پذیر باشند. طوریکه در میان فقیر ترین اقشار جامعه افغانی مشاهده می گردد، خطر بیکاری واضح برای بیجاشدگان داخلی کمتر می باشد زیرا آنها فاقد منابع لازم برای دسترسی به اهداف شان اند.

۳۵ برای مطالعه تفصیل گفتگو درباره رویداد ها و حوادث آسیب زننده و آسیب پذیری در افغانستان به فصل ۴ مراجعه نمائید.

۳٦ این اعداد صرفا شاخص جریانات مهاجرت به خارج در سال قبل از سروی می باشد نه شاخص مجموع هزاران خانواده ای که حد اقل یک عضو آنها در جای دیگر کار می نماید.

شکل ۲۰: مشخصات سنی مهاجرین اقتصادی انفرادی

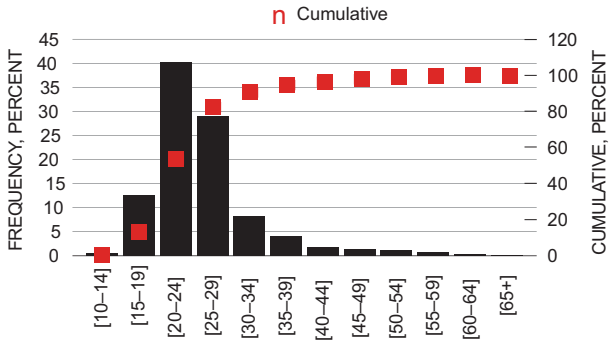

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤

شکل ۲۱: سهم جمعیت روستای در میان مهاجرین خارجی و جمعیت کلی افغانستان

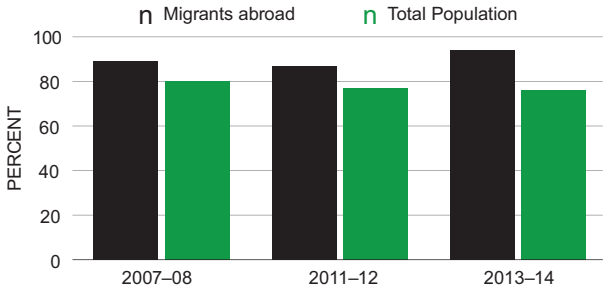

منبع: محسبات نویسنده با استفاده از سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤، سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ارزیابی خطرات و آسیب پذیری ملی سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸

مهاجرین اقتصـــادی افغانســـتان اغلباً جوانان ذکور مربوط به مناطق روستایی می باشند. معلومات در مورد افغان های که در جســـتجوی اشتغال در خارج از کشـــور می باشند محدود می باشد. معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانســـتان تنها معلومات غیرمســـتقیم درباره سن، جنیســـت و موقعیت مهاجرین فراهم می نماید که این معلومات از طریق خانواده های آنها که در افغانســـتان زندگی می نمایند بدست میآیند[۳۷]. معلومات موجود از تازه ترین سروی (۲۰۱٤-۲۰۱۳) بیانگر موج تازه مهاجرت می باشد. با وجود این هم، معلومات موجود از روند و مشـــخصـــات مهاجرت اقتصـــادی گذشته ما را کمک می نماید تا چالشـــهای فعلی و آینده را بدانیم. مهاجرت اقتصادی دلیل نورم های فرهنگی پدیده ای است که مربوط به طبقه ذکور و جوانان می باشد. طوریکه در شکل ۸ نشان داده شده است، ۵۳,۳ فیصـــد مهاجرین اقتصـــادی که مناطق خویش را در سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤ ترک کرده اند از طبقه جوانان می باشند،[۸۳] فیصـد آنها دارای سن کمتر از ۳۰ سال می باشند، و ۹۰ فیصـد آنها دارای سن کمتر از ۳۵ سال هســـتند. علاوه براین، مهاجرین که در صدد یافتن اشتغال در خارج از کشـــور می باشند بطور نامتناسب و فزاینده مناطق روستایی را ترک کرده اند که بیانگر وخامت اوضاع اقتصادی و امنیتی در مناطق روستایی افغانستان می باشند (شکل ۹).

طوریکه توقع می رود مهاجرت با بیکاری و عدم اشتغال در افغانستان افزایش پیدا می نماید . طوریکه در شکل ۱۰ نشـان داده شده است، مهاجرت اقتصـــادی یک پدیده جدید نمی باشد بلکه روند بیکاری داخلی را بیشـــتر بازتاب می دهد، زیرا مردم زمانی محل سکونت خویش را ترک می نمایند که در آن محل شغل کمتر وجود داشته باشد. قابل یادآوریســـت که وضعیت اقتصـــادی و امنیتی به پیمانه ای زیاد در سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤ در مقایســـــه با سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بدتر بوده است. تعداد مهاجرین در سال ۲۰۱۳-۲۰۱٤ حدود ٤۰ فیصد کمتر از سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بود. این امر به احتمال زیاد بدلیل کاهش فرصت های مهاجرت داخلی و یا به کشورهای خارجی و بدلیل افزایش مشـکلات دستیابی به منابع و امکانات ترک کشـور، می باشد.[۳۹] طوریکه در شکل ۱۱ نشـان داده شده است، ۱۲ و ۱۸ فیصـد مهاجرین در سال ۲۰۱۳-۱٤ به مقصـد کشـورهای عضـو سازمان همکاری اقتصـادی و توسعه (OECD) و کشـورهای عربی خلیج کشور را ترک کردند. در حالیکه به ترتیب تنها ۴ و ۱۳ فیصد مهاجرت در سال ۲۰۰۷-۰۸ درین کشورها صورت گرفته بود.

۳۷ به تبصره ۲ مراجعه نمائید.

۳۸ با مطالعه معلومات درباره افغانهای که در چند ماه اول سال ۲۰۱٦ در مسیر راه آنها بطرف اروپا به یونان رسیده اند مشخصات مشابه بدست میاید که اکثریت نسبی آنها جوانان مجرد ذکور می باشند. (خدمات مشترک تعیین مشخصات بیجاشدگان داخلی)

۳۹ تجزیه و تحلیل نشان میدهد که مهاجرت اقتصادی یک استراتیژی است که بیشتر برای خانواده های نسبتا دارای سرمایه بیشتر که احتمالا منابع زیادتر برای حمایت از مهاجرت دارند قابل دسترسی می باشد. شواهد بین المللی نیز نشان میدهد که در حالیکه مهاجرت سبب کاهش فقر می گردد، اما افراد فقیر کمتر حاضر به مهاجرت گردیده یا به کشورهای مهاجرت می نماید که خطر عودت آنها کمتر باشد زیرا آنها فاقد فرصت ها ویا منابع می باشد (منابع پولی و انسانی). به ویب سایت بانک جهانی و کمیشنری عالی سازمان ملل برای امور پناهندگان مراجعه نمائید.

سطح تعلیم و تربیه تعیین کننده خوب کشور مقصد برای مهاجرت می باشد[۴۰]. با توجه به جمعیت ذکور دارای سنین ۱۵ الی ۳۵ سال، مهاجرین چه از مناطق روستایی و یا شهری دارای تعلیم و تربیه کمتر می باشند. گزینه ها و شبکه های مهاجرت ممکن است برای کارگران دارای مهارت کمتر که بطرف کشور ایران و یا کشورهای عربی خلیج حرکت می نمایند بیشتر قابل دسترس باشد[۴۱]. اما از سوی دیگر، مهاجرین که به مقصد های فراتر ازین کشورها مهاجرت می نمایند به احتمال زیاد آموزش دیده، می باشند. گزینش کشور مقصد احتمالاً مصارف سفر (ترانسپورت، قاچاق بران، زمان و غیره) ارتباط دارد، همچنان مربوط به مهارتها و ارتباطات لازم جهت بدست آوردن معلومات درباره انجام سفر و یافتن اشتغال بعد از رسیدن به کشور مقصد می باشد. ۴۴ فیصد از مهاجرین در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ که به مقصد کشورهای غیر از ایران، پاکستان و یا شبه جزیره عربی سفر کرده اند دارای تعلیمات ثانوی و یا لیسانس بوده اند.[۴۲] این مسئله از شواهد بدست آمده از خدمات مشترک تعیین مشخصات[۴۲] بیجاشدگان داخلی می باشد که نشان می دهد افغانهای ذکور که در اوایل سال ۲۰۱۶ به یونان رسیدند اکثرا جوانان مجرد دارای تحصیلات عالی بوده اند.

شکل ۲۲: روند مهاجرت انفرادی

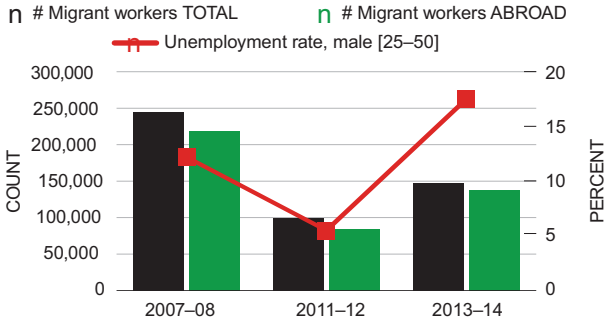

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴، سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ارزیابی خطرات و آسیب پذیری ملی سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸

شکل ۲۳: کشورهای مقصد مورد انتخاب کارگران مهاجر به اساس سال سروی

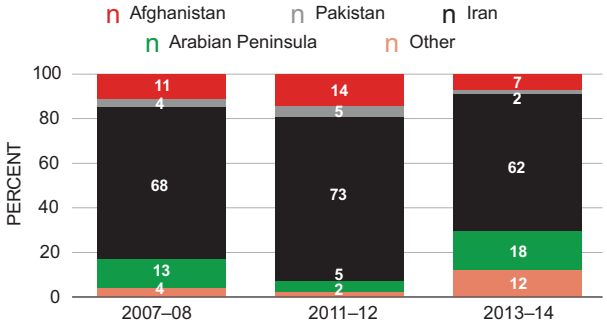

منبع: محاسبات نویسنده با استفاده از سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴، سروی وضعیت زندگی سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ارزیابی خطرات و آسیب پذیری ملی سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸

جدول ۱: عواید ماهوار کارگری در افغانستان و پولهای که از خارج فرستاده میشوند

	متوسط	میانه
زراعت	۵۹۳۰	۴۸۰۰
تولیدات	۷۴۹۶	۷۰۰۰
ساختمانی	۶۵۱۶	۵۶۰۰
خدمات	۹۹۲۷	۸۰۰۰
سکتور عمومی	۱۴۳۶۸	۱۲۰۰۰
صحت و تعلیم و تربیه	۴۹۰۲	۷۰۰۰
پول فرستاده شده از خارج	۸۵۸۱	۵۸۳۳
مجموع (به استثنای پول خارجی)	۸۵۲۹	۷۰۰۰

یادداشت: عواید کار برای کارگران دارای سن (۱۴، ۳۵) مدنظر گرفته شده است تا با مشخصات آماری مهاجرین مطابقت نماید.
منبع: محاسبات نویسنده به اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴

شکل ۲۴: توزیع پول فرستاده شده از خارج به اساس کشور ارسال کننده

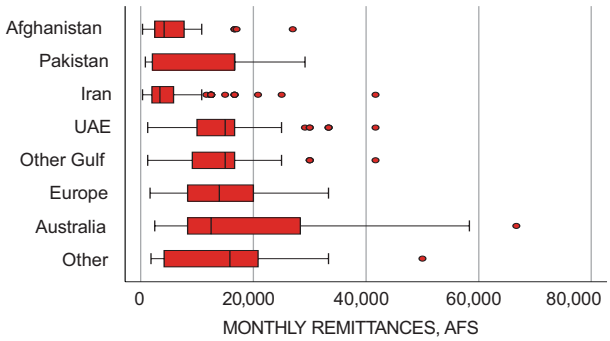

یادداشت: ارقام نشان دهنده یک تبصره و یک ویسکر پلات (whisker plot) می باشد. تبصره از ۲۵ فیصد شروع و به ۷۵ فیصد ختم می گردد. خط وسط تبصره نشاندهنده خط نصف می باشد. دو خط دو طرف تبصره به قیمت های حداقلی و حد اکثری توسعه پیدا می کند که خطوط کناری را شامل نمی گردد. نقطه ها نشان دهنده خطوط کناری می باشد.
منبع: محاسبات نویسنده باساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴

۴۰ متاسفانه، معلومات مربوط به تعلیم و تربیه و نتایج اشتغال مهاجرین که بصورت انفرادی مهاجرت می نمایند صرفاً در سال ۲۰۰۷ الی سال ۲۰۰۸ جمع آوری شده بود که امکان ندارد تا به تغییرات مربوط به مشخصات مهاجرین دست پیدا کرد.
۴۱ در سال ۲۰۰۷ الی ۲۰۰۸ مهاجرین در خارج اکثرا منحیث کارگر روز مره (۸۲ فیصد) استخدام میشدند و کارمندان دارای معاش در سکتورهای خصوصی استخدام می گردید (۱۲ فیصد).
۴۲ موسسه خدمات مشترک تعیین مشخصات بیجاشدگان داخلی که خدمات خویش را در داخل نهادها انجام میدهد در سال ۲۰۰۹ در جنوا (ژینو) ایجاد گردید که جهت حمایت تخنیکی دولت، نهادهای که در راستای خدمات انسانی و انکشافی کار می نماید و معلومات خویش را درباره جمعیت بیجاشده ای داخلی بهبود می بخشند. برای دسترسی به معلومات بیشتر، به ویب سایت http://www.jips.org/en/home مراجعه نمائید.

پولهای که از خارج فرستاده میشـوند در معیشـت فامیل های افغان نقش مهم دارند. ارقام مربوط به پولهای که از خارج فرستاده میشـوند، اهمیت مهاجرت انفرادی اقتصـادی برای استراتیژی های معیشـت خانواده های افغان را تایید می نماید. معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانستان سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ نشان می دهد که چهار تن از پنج مهاجر برای فامیل های خویش در افغانسـتان پول ارسال می نمایند. این معلومات تنها شامل مهاجرین میباشد که افغانسـتان را یکسـال قبل از سروی ترک کرده اند و معلومات نشـان میدهد که اکثریت عمده مهاجرین قادر بودند تا برای تامین معیشـت خانواده های خویش در افغانسـتان بسـیار زود صاحب اشتغال شوند. پول های که به کشور فرستاده میشوند نظر به کشور مقصد، متفاوت می باشند که بازتاب دهنده تفاوت ها در مشخصات تعلیم و تربیه مهاجرین و دست مزد های مربوط به هر کشـور می باشد. بطور اوسط، پولهای که از خارج فرستاده میشـوند به اساس حد اوسط عاید ماهوار یک کارگر ۳۵ ساله افغان، در افغانسـتان در هر ماه تقریبا ۸۶۰۰ افغانی می باشد. با این وجود، کمک به خانواده ها از طریق پول که از خارج فرستاده میشـوند مهم می باشد. بطور متوسط، ۷۰ فیصـد عواید خانواده ها از طریق پول های است که در نتیجه کار مهاجرین درخارج به آنها فرستاده می شوند. بنابراین، به هر پیمانه ای که گزینه مهاجرت کاهش پیدا می نماید، خانواده های افغان بطور فزاینده با مشکل مدیریت و مقابله با خطرات احتمالی اقتصادی مواجه می شوند.

فصل سوم

نتایج انکشاف بشری و دسترسی به خدمات: پیشرفت در معرض خطر

خلاصه: افغانستان طی سالهای گذشته، پیشرفت های قابل توجهی در بخش انکشاف بشری و دسترسی به خدمات اساسی مانند تعلیم، صحت، و دسترسی به آب و برق داشته است. با وجود این، افزایش درگیری ها و چالش هایی که فراراه ارائه ی خدمات به ویژه در مناطق روستایی وجود دارد، سرعت پیشرفت در طول دوره انتقال (سالهای بین ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱) را نسبت به دوره قبل ازآن (سالهای بین ۲۰۰۷-۰۸ و ۲۰۱۱-۱۲) کاهش داده و نابرابری در دسترسی به خدمات گسترش یافته است. همچنان، این شگاف در طول دوره ی انتقال، بین افراد غنی و افراد فقیر، دختران و پسران و ساکنان مناطق شهری و روستایی افزایش یافت، به ویژه در مواردی مانند دسترسی به تعلیم که این امر بیانگر ماهیت مخاطره آمیز پیشرفت حاصل شده و چالش هایی است که پیش رو قرار دارند.

روند نتایج تعلیمی در دوره ی انتقال:

نتایج تعلیمی در افغانستان در دوره انتقال باسرعت پیشرفت کمتری رشد نموده است. با وجود پیشرفتها طی دهه گذشته، افغانستان هنوز پایین ترین نتایج تعلیمی را در جنوب آسیا دارد. افغانستان هنوز هم کمترین دستآورد را در بخش تعلیم نسبت به دیگر کشور های کمتر توسعه یافته در جهان دارد. علی رغم زمینه های خوب برای بهبود وضعیت، سرعت پیشرفت فرایند تحصیلی در طول دوره ی انتقال به گونه چشمگیری کاهش یافته است. طور یکه در شکل ۲۵ نشان داده شده است، نرخ رشد سالانه ی سطح سوادزنان، تعداد سالهای تعلیمی ومیزان حضوردر مکاتب ثانوی نسبت به دوره ی پیش از انتقال کاهش چشمگیر داشته است. در سال ۲۰۱۳-۱۴، تنها ۲۰٫۳ درصدزنان افغانستان در سن بالاتر از ۱۵ باسواد هستند.[۴۳] حد اوسط سالهای تعلیمی یک افغان در سن بالاتر از ۱۸ حدود ۲٫۸ [۴۴] است و تنها ۳۷ درصد متعلمین در مکاتب متوسطه حضور می یابند. موضوعی که بیشتر نگران کننده است، سیر معکوس آمار حضور متعلمین در دوره ابتدائیه در جریان دوره ی انتقال است که بین سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ سالانه ۱٫۲ درصد کاهش یافته است در نتیجه میزان حضور کودکان که در سن شمولیت در مکاتب ابتدایی قرار دارند، در سالهای ۲۰۱۳-۱۴ (۵۴٫۴ درصد) ۱٫۲ درصد نسبت به سالهای ۲۰۱۱-۱۲ (۵۵٫۸ درصد) کمتر بوده است.

دختران از لحاظ تعلیمی بیشتر عقب مانده اند. کاهش آمار تعداد متعلمین مکاتب ابتدائیه در سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ تا حد زیاد نتیجه ی کاهش حضور دختران درین دوره تعلیمی می باشد. درواقع، در حالی که فیصدی حضور پسران و دختران در دوره ی بعد از انتقال کاهش یافته است، حضور سالانه دختران درمکاتب ابتدائیه با کاهش ۲٫۲ درصدی مواجه بوده در حالیکه این کاهش برای پسران ۰٫۶ درصد می باشد. (شکل ۲۶) با آنکه آمار کنونی بیانگر حضور پایین تر دختران (۴۵٫۴ درصد) نسبت به پسران (۶۲٫۴ درصد) است، در نتیجه ی معکوس شدن سرعت پیشرفت نیز تعداد بیشتر دختران از تحصیل باز می مانند؛ بین سالهای ۲۰۰۷-۰۸ و ۲۰۱۱-۱۲، سرعت رشد حضور دختران در مکاتب ابتدایی بیشتر از پسران بوده است اما بین سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴، این رقم برای پسران باسرعت کمتری کاهش داشته و همین امر سبب گسترش شگاف جنسیتی شده است.

---

۴۳ میزان سواد مردان در افغانستان 50.2 درصد و میزان سواد برای حد اوسط افراد بالاتر از ۱۵ سال ۳۵٫۴ درصد است.

۴۴ تعداد سال های تعلیمی مردان 18 ساله و بالاتر از آن سه برابر زنان می باشد در سال های 14-2013 حد اوسط سال های تعلیمی زنان ۱٫۴ درصد بود در حالی که این رقم برای مردان ۴٫۲ درصد می باشد.

شکل ۲۵: نرخ رشد سالانه نتایج منتخب تعلیمی

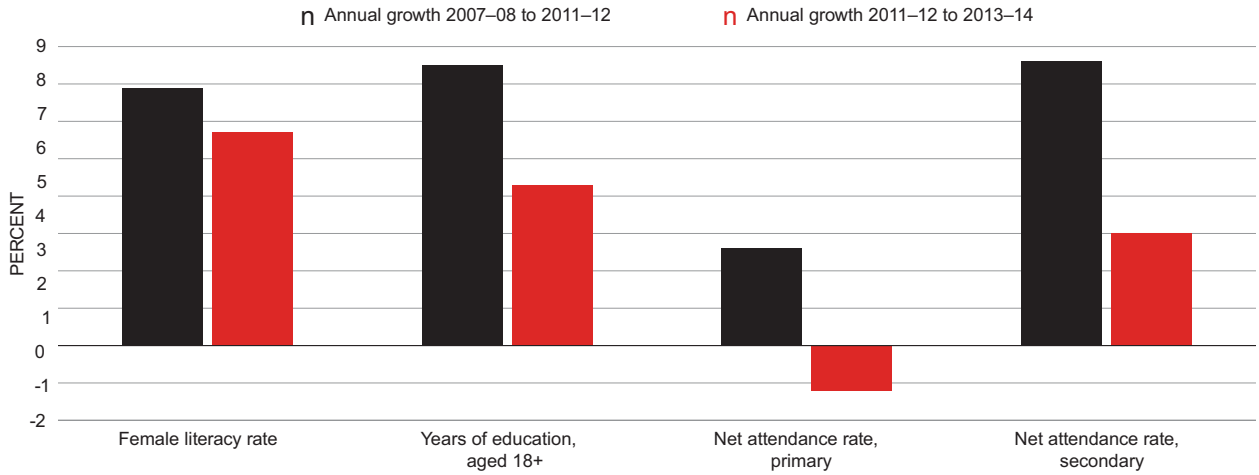

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۰۸، سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴

شکل ۲۶: روند حضور در مکاتب ابتدائیه، بر اساس جندر

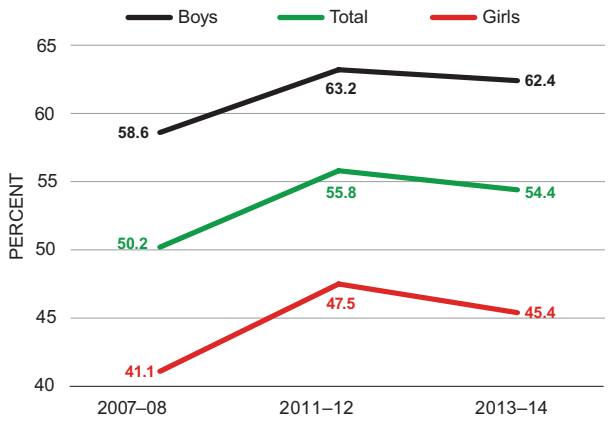

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۰۸، ۲۰۱۱-۱۲ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۳-۱۴

شکل ۲۷: روند حضور در مکاتب ابتدائیه، بر اساس محل سکونت

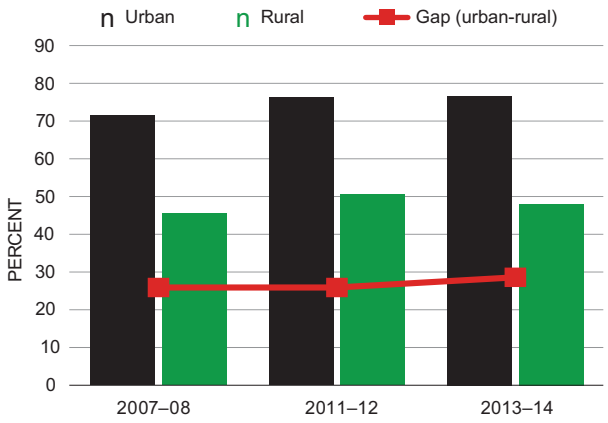

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۰۸، ۲۰۱۱-۱۲ و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۳-۱۴

علاوه بر دختران، حضور در مکاتب ابتدایی در مناطق روستایی با کاهش شدیدی مواجه بوده است. همانطور یکه در شکل ۲۷ نشان داده شده، دوره ی انتقال بیانگر کاهش حضور متعلمین مکاتب ابتدایی در مناطق روستایی و افزایش شگاف بین آمار حضور متعلمین در مکاتب مناطق شهری و روستایی می باشد. در سالهای ۲۰۱۳-۱۴ حدود هشت کودک از هر ده کودک درمناطق شهری در مکاتب ابتدایی حضور داشتند، درحالیکه این آماربرای کودکان روستایی پنج نفر از ده نفر بوده است.همانطور که قبلا ذکر شد کاهش حضور در مکتب در مناطق روستایی عمدتاً ناشی از عدم حضور دختران در مکاتب است. میزان حضور برای دختران در مناطق روستایی از ۴۱ درصد در سالهای ۲۰۱۱-۱۲ به ۳۷٫۳ درصد در سالهای ۲۰۱۳-۱۴ کاهش پیدا نموده است. در حالیکه، این آمار برای پسران با کاهش کمتری مواجه بوده و از ۵۸٫۹ درصد به ۵۷٫۴ درصد سیر نزولی داشته است. علاوه بر این، شکاف در حضور در مکاتب بین مناطق شهری و روستایی برای پسران نسبت به دختران کمتر بوده است .

جنگ و درگیری ها مانع حضـــور کودکان به ویژه دختران در مکاتب بوده است. وخامت اوضاع جنگ وافزایش نا امنی در مناطق روستایی باعث شده تا روند حضـــوردر مکاتب ابتدایی در طول دوره ی انتقال منفی گردد. همانطور یکه در شکل ۲۸ نشـــان داده شده است، ولایات که در آن حوادث ناشی از جنگ و درگیری بین سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ بیشـــتر اتفاق افتیده، شاهد کاهش نرخ حضـــور در مکاتب ابتدایی بوده، در حالیکه در ولایات که در آنها جنگ و درگیری کمتری گزارش شده است روند مخالف مشـــاهده می شود. جنگ و درگیری ها بیشترین تـاثیر را بر حضـور دختران در مکاتب دارد. درسالهای ۲۰۱۳-۱۴، به ازای هر ده پسر، هفت دختردر مکاتب ابتدایی درمناطق حضـــور یافتند که جنگ و درگیری کمتری وجود داشته، اما درمناطقیکه خطر جنگ و ناامنی بالا در آنها بالا بوده، حضـور دختران نسـبت به پسرـان پنج نفر در برابر ده نفر بوده است.[۴۵] همانطوریکه در شکل ۲۹ نشـان داده شده، نسـبت حضـور دختران بر پسران در مکاتب ابتدائی درولایات دارای فیصدی بالا جنگ و درگیری، کمتر می باشد (جهت حرکت حباب های بزرگ رو به سمت پایین گراف است). همچنان، درسالهای ۲۰۱۱-۱۲- نســـبت به سالهای ۲۰۱۳-۱۴ در ولایاتی که آمار جنگ و درگیری در آنها بالا است (حباب های بزرگ)، حضور دختران نسبت به پسران در مکاتب ابتدایی کاهش یافته است. (حباب های روی خط ۴۵)

شکل ۲۸: تغییرات در منازعه و میزان حضور در مکاتب ابتدائیه، ۲۰۱۱-۱۲ تا ۲۰۱۳-۱۴

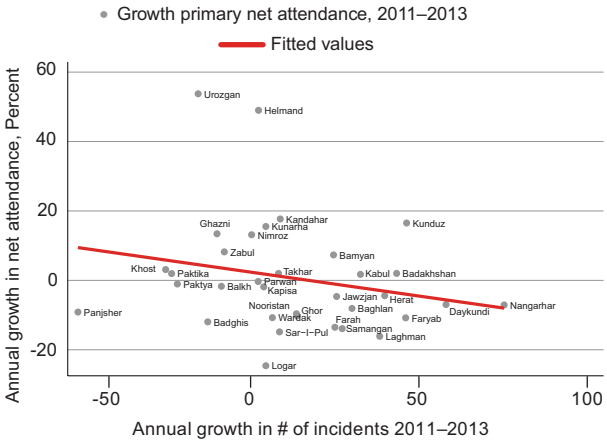

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس نتایج سطح ولایتی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و معلومات SIOC.

شکل ۲۹: تغییرات در جنگ و نسبت حضور دختران در مقایسه با پسران در مکاتب ابتدائیه، بر اساس ولایت

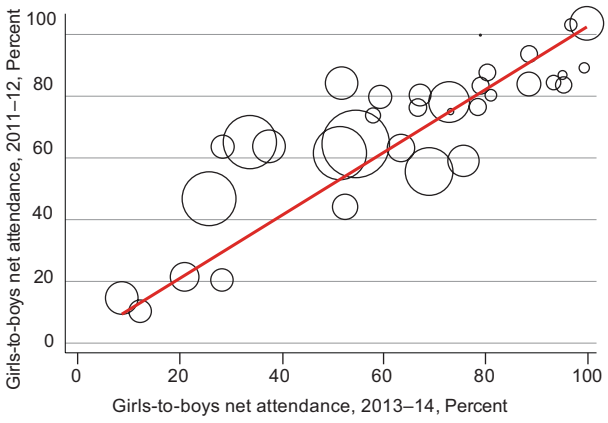

یادداشت: اندازه حباب نشان دهنده ی شدت جنگ در سالهای 2013-14 است، حباب های بزرگتر بیانگر میزان بالای حوادث در ولایت است.
منبع: محاسبات نویسنده بر اساس نتایج سطح ولایتی سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و معلومات SIOC.

نه تنها جنگ، بلکه افزایش فقر نیز دردوره ی انتقال به کاهش آمار حضـور در مکاتب ابتدائیه منجر شده است.[۴۶] میزان حضـور کودکانی که در خانواده های فقیرزندگی می کنند درمکاتب ابتدایی بطور قابل توجهی پایین تر از کودکانی اســـت که در خانواده غیر فقیرزندگی می کنند. در سالهای ۲۰۱۳-۱۴، ۶۱٫۵ درصد کودکان در خانواده های غیر فقیر در مکاتب ابتدایی حضـــور داشتند اما این درصد برای کودکان فقیر ۴۸٫۲ می باشد (شکل ۳۰).[۴۷] اختلاف در آمار حضـــــــور کودکان فقیر و غیر فقیر در مکاتب ابتدایی همچنان از ٦ درصد درسالهای ۲۰۱۱-۱۲ به ۱۴ درصد، در سالهای ۲۰۱۳-۱۴ افزایش یافته است این آمار بطور اوسط سـالانه سه درصد کاهش در حضـور کودکان خانواده های فقیر را بین سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ نشـان می دهد. همزمان با آن، حضـور کودکانی که در خانواده های غیر فقیرزندگی می کنند سالانه تقریباً ۱ درصد افزایش یافته است.

۴۵ تفاوت در حضور دختران نسبت به پسران در مکاتب متوسطه شدیدتر می باشد. در مناطقکه دارای رخدادهای جنگی کم تر استند، نسبت حضور دختران به پسران پنج به ده نفر است اما در مناطقی که دارای آمار جنگی بالا استند، تنها دو متعلیم دختر به ازای ده متعلم پسر در مکاتب حضور داشته اند.

۴۶ چنانچه در فصل ۴ گفته شد، خانوارها – و خصوصا خانوارهای فقیر – ممکن است با قطع سرمایه گذاری انسانی یعنی خارج ساختن اطفال از مکاتب، به شوک درآمد منفی پاسخ دهند.

۴۷ در مقایسه با دختران و پسران غیر فقیر، میزان تفاوت حضور دختران و پسران فقیر در مکاتب ابتدائیه، تقریبا مشابه اند؛ در دوره ۲۰۱۳-۱۴، پسران فقیر نسبت به غیر فقیر ۱۳٫٦ فیصد احتمال حضور در مکاتب ابتدائیه را داشتند، در حالی که تفاوت حضور دختران ۱۲٫۸ درصد بوده است.

کودکان در خانواده های فقیر بطور خاص با موانع تحصیلی رو به رو هستند و فاصله بین حضور کودکان در خانواده های فقیر و غیر فقیر در مکاتب ابتدایی بطور چشمگیری افزایش یافته است. در سالهای ۲۰۱۳-۱۴، تفاوت آمار حضور بین فقیرترین و ثروتمندترین خانواده های افغان بیشتر ازسالهای ۲۰۱۱-۱۲ بوده است. میزان حضور کودکانی که در جمع ۴۰ درصد پایین توزیع جمعیت قرار دارند در حال کاهش است، در حالیکه این میزان برای کودکان ۴۰ درصد دارای اقتصاد بالا باسرعت ثابت رو به افزایش بوده است. آمار دقیق حضور کودکان که در ۲۰ فیصد، فقیرترین خانواده هازندگی می کنند، در سالهای بین ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ حدود ۷٫۲ درصد کاهش داشته است، افزایش فاصله رفاهی در بخش تعلیم باعث تعمیق و انتقال فقر و نابرابری به نسل های آینده در طول زمان خواهد شد.

شکل ۳۰: میزان حضور در مکاتب ابتدائیه، بر اساس وضعیت رفاه

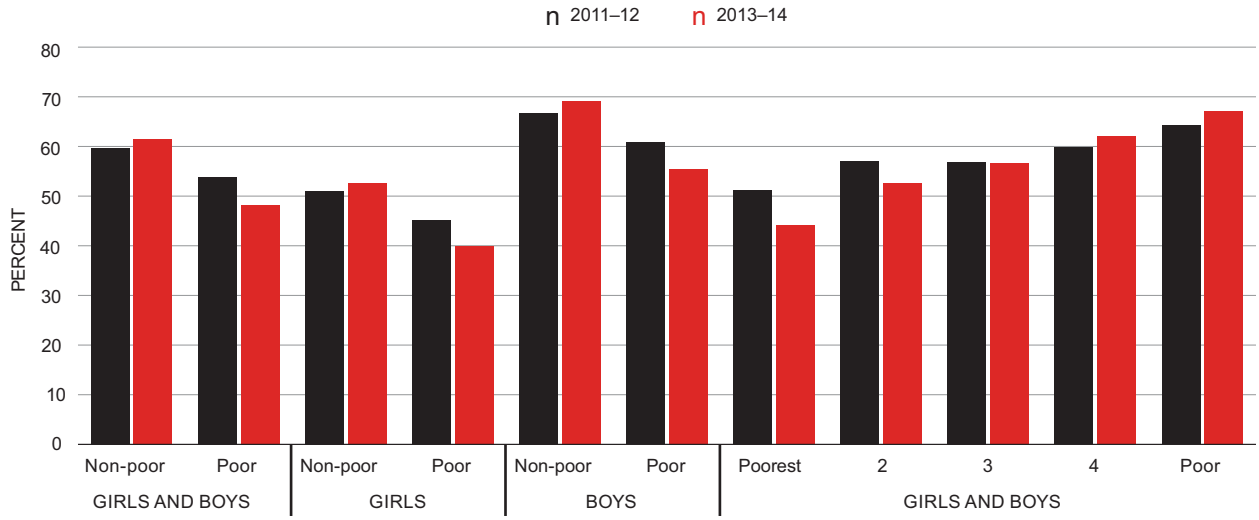

یادداشت ها: رقم یک پنجم (quintiles) بر اساس توزیع سرانه مصرف درهر سال سروی تعیین شده است.
منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

روند نتایج صحت مادران

وضعیت صحت مادران در افغانستان روند رو به بهبود داشته اما دردوره ی انتقال باسرعت کمتری رشد نموده است. توسعه خدمات حفظ الصحه اولیه در طول زمان، بطور قابل توجهی به بهبود نتایج صحت مادران کمک کرده است: فیصدی زنانیکه مراقبت های تخصصی پیش اززایمان[۴۸] وولادتهای که توسط ماهرین صحی انجام میشود بین سالهای ۲۰۰۷-۰۸ و ۲۰۱۳ دوبرابرشده است (شکل ۳۱). درسالهای ۲۰۱۳-۱۴ حدود ٦٢٫٦ درصدزنان مراقبت های پیش اززایمان را دریافت کرده اند در مقایسه باآمار ۳۰٫۴ درصدی در سالهای ۲۰۰۷-۰۸. درسالهای ۲۰۱۳-۱۴ ،ولادت حدود ۴٦ درصدزنان توسط ماهرین صحی انجام شده، در حالیکه این آمار درسالهای ۲۰۰۷-۸ حدود ۲۱٫۹ درصد بوده است. روند بهبود صحت مادران در سالهای بین ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ نسبت به دوره ۲۰۰۷-۰۸ و۲۰۱۱-۱۲ سرعت کندتری داشته است، برای مثال؛ درصدزنانیکه توسط ماهرین صحی ولادت نمودند، در سالهای بین۲۰۰۷-۰۸ و ۲۰۱۱-۱۲ سالانه حدود ١٦٫٦ درصد افزایش داشته است، اما این میزان در سالهای بین ۲۰۱۱-۱۲ و۲۰۱۳-۱۴ کندتر شده و به حدود ٦٠٩ درصد کاهش یافته است.

۴۸ مراقبت های قبل از زایمان شامل مراقبت هایی می شود که یک زن در دوران بارداری با هدف حصول اطمینان از سلامتی خود و کودکش در حین ولادت دریافت می کند

شکل ۳۱: روند نتایج صحت مادران

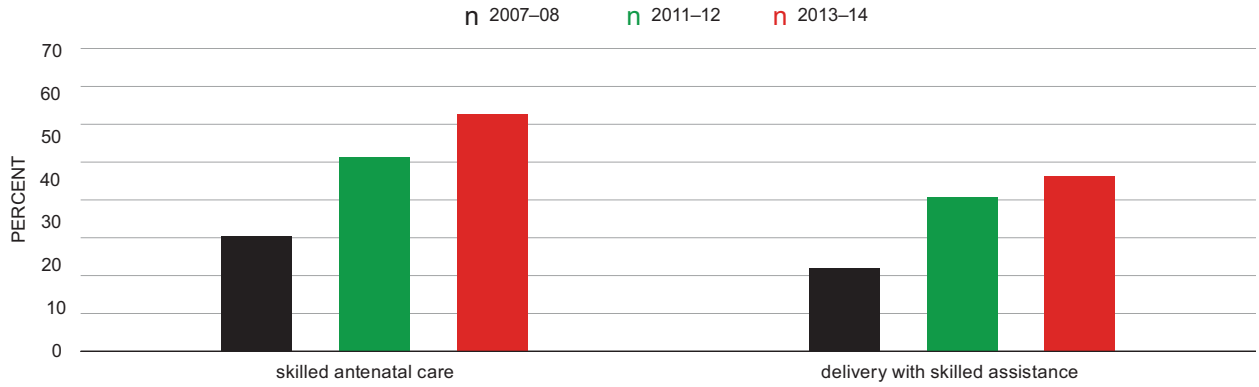

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۰۸، سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

شکل ۳۲: روند دسترسی به مراقبت های تخصصی قبل از ولادت، بر اساس محل سکونت

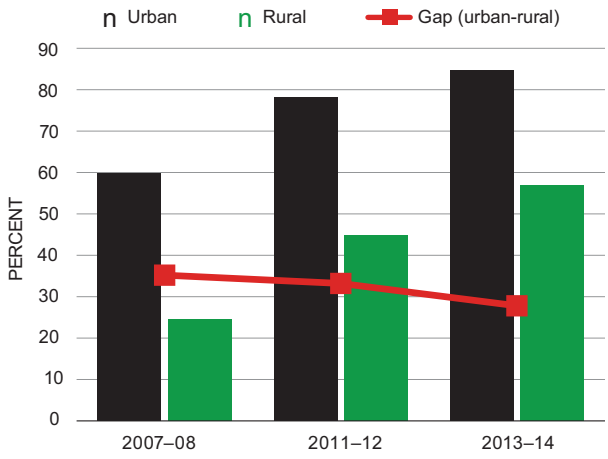

شکل ۳۳: روند ولادت با حضور قابله های ماهر بر اساس محل سکونت

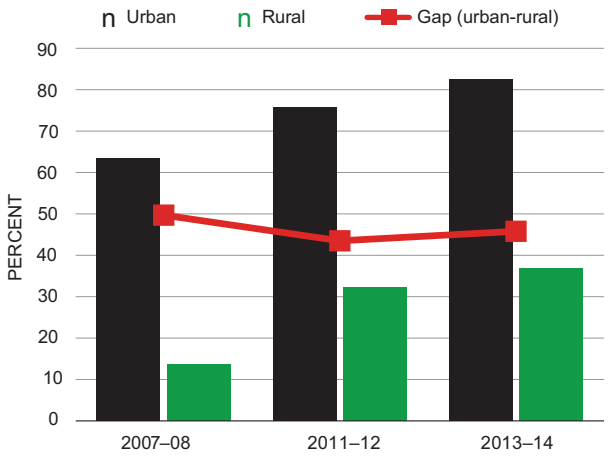

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۰۸، سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

اختلاف فاحش بین میزان خدمات صحی ولادی در مناطق شهری و روستایی همچنان باقیست. درسالهای ۲۰۱۳-۱۴ حدود ۸۴٫۶ درصدزنان در مناطق شهری بمراقبت های تخصصی پیش از زایمان دسترسی داشته اند در حالی که در مناطق روستایی این میزان ۵۶٫۸ درصد تخمین گردیده است، همینطور با گذشت زمان این اختلاف شهری-روستایی از ۳۵٫۲ درصد در سالهای ۲۰۰۷-۰۸ به ۳۳٫۲ درصد درسالهای ۲۰۱۱-۱۲ کاهش یافته است (شکل ۳۲). همینگونه،زنان افغان درمناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیش از دو برابر شانس دریافت مراقبت های تخصصی را دارا می باشند. درسالهای ۲۰۱۳-۱۴ حدود ۸۲٫۵ درصد اززنان در مناطق شهری از مراقبت های تخصصی بهره گرفته اند در حالیکه این رقم برای زنان مناطق روستایی ۳۶٫۸ درصد بوده است. اختلاف در میزان ارائه ی مراقبت های تخصصی در مناطق شهری و روستایی در دوره انتقال توسعه یافته است، و از ۴۳٫۵ درصد در سالهای ۲۰۱۱-۱۲ به ۴۵٫۸ درصد در سالهای ۲۰۱۳-۱۴ بالا رفته است. (شکل ۳۳).

مطابق روند نتایج تعلیمی،سرعت پیشرفت در مناطق روستایی سیر نزولی داشته است که نشان دهنده ی چالش هایی فرا روی ارائه ی خدمات بدلیل جنگ و بدتر شدن اوضاع امنیتی می باشد.

شکل ۳۴: روند دسترسی بمراقبت های تخصصی قبل از ولادت، بر اساس وضعیت فقر

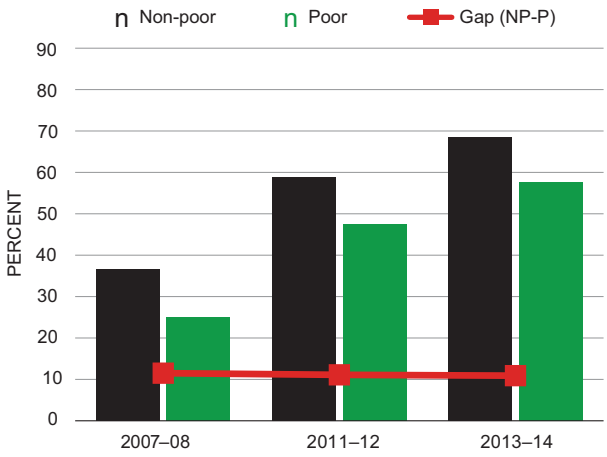

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۰۸، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

شکل ۳۵: روند ولادتها توسط ماهرین صحی، بر اساس وضعیت فقر

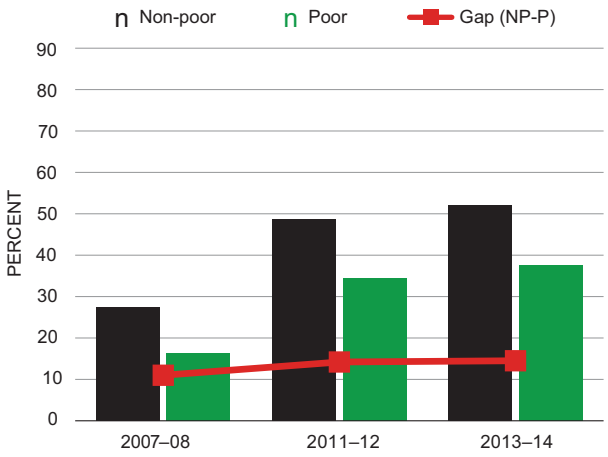

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۰۸، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

با وجود پیشرفتها، زنان فقیر دسترسی کمتری به خدمات صحی ولادی در مقایسه با زنان پولدار دارند. طوریکه در شکل ۳۶ نشان داده شده، ۲۰ درصد فقیرترین زنان افغان در معرض پائین دسترسی به خدمات صحی ولادی قرار داشته و احتمال دلادت آنها توسط متخصصین صحی به حد نصف ۲۰ درصد پولدارترین زنان افغان میباشد. در سالهای ۲۰۱۳-۱۴، از هر ۱۰ زن از ۲۰ درصد زنان پولدار افغان، ۷ زن خدمات تخصصی صحی قبل از ولادت دریافت نمودند، در حالیکه تنها یکی از دو زن ۲۰ در صد فقیرترین زنان افغان به چنین خدماتی دسترسی داشتند. در حالیکه تا اندازه ی پیشرفت در حصه کاهش فاصله در دسترسی زنان فقیر و پولدار به خدمات صحی قبل از ولادت بدست آمده، اختلاف در دسترسی ماهرین صحی هنگام ولادت بین زنان فقیر و پولدار در طول زمان پا برجا باقی مانده؛ میان سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴، دسترسی به خدمات صحی قبل از ولادت برای ۲۰ درصد فقیرترین زنان افغان رشد ۹ درصدی داشته و برای ۲۰ درصد پولدارترین زنان افغان فقط ۵ درصد رشد نموده است؛ اما این در حالیست که میزان رشد در ولادتهای با حضور متخصصین صحی ۲٫۶ درصد برای زنان ۲۰ درصد بالا و پائین جدول توزیع گزارش شده است.

شکل ۳۶: نتایج صحت مادران به تفکیک (quintile) (یک پنجم / بیست فیصد) مصرفی، ۲۰۱۳-۱۴

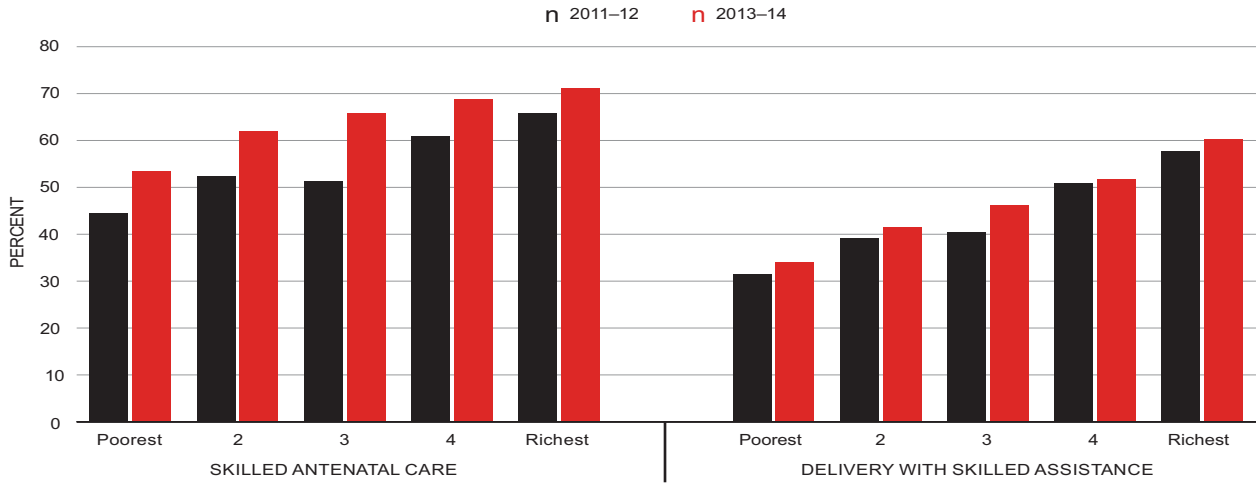

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۰۸، سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴، دسترسی به خدمات صحی قبل از ولادت برای ۲۰ درصد فقیرترین زنان افغان رشد ۹ درصدی داشته و برای ۲۰ درصد پولدارترین زنان افغان فقط ۵ درصد رشد نموده است؛ اما این در حالیست که میزان رشد در ولادتهای با حضور متخصصین صحی ۲٫٦ درصد برای زنان ۲۰ درصد بالا و پائین جدول توزیع گزارش شده است.

روند دسترسی به خدمات اساسی

بهبود دسترسی به خدمات اساسی مانند آب و برق از موارد عمده موفقیت در افغانستان محسوب می شود با وجود منازعات فزاینده و کاهش کمک ها، روند بهبود دسترسی به آب و برق در دوره انتقال در افغانستان ادامه یافت حتی باسرعتی بیشتر از آنچه که قبلاً مشاهده شده بود (شکل ۳۷).

دسترسی افغان ها به آب آشامیدنی سالم از ۲٦٫٦ درصد درسالهای ۲۰۰۷-۰۸ به بیش از دو برابر یعنی ٦۴٫۸ درصد درسالهای ۱۴-۲۰۱۳ افزایش پیدا نمود. همچنان، دسترسی به برق از ۴۱٫٦ درصد در سالهای ۲۰۰۷-۰۸ به حدود ۹۰ درصد درسالهای ۲۰۱۳-۱۴ افزایش یافته است، علاوه بر آن در سالهای ۲۰۱۳-۱۴ حدود ۳۹ درصد از مردم به امکانات حفظ الصحه دسترسی پیدا کردند.[۴۹]

شکل ۳۷: روند دسترسی به خدمات اساسی

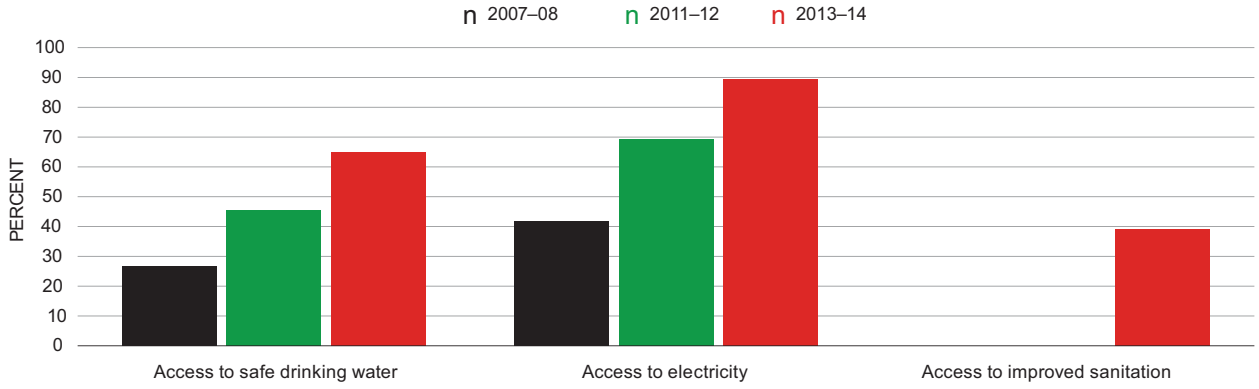

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۲۰۰۷-۰۸، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱٤.

با ادامه پیشرفت درزمینه دسترسی به خدمات، باید توجه بیشتری به کاهش اختلاف در میزان رسیدگی به خدمات در مناطق شهری و روستایی اختصاص داده شود. در سالهای ۲۰۱۳-۱۴، تعداد نه(۹) خانوار ازهر ده(۱۰) خانوار شهری در افغانستان به آب آشامیدنی سالم دسترسی داشتند، اما این رقم در مورد مناطق روستایی تنها شش خانوار از هر ده خانوار می باشد (شکل ۳۸) .اختلاف بین مناطق روستایی و شهری در دسترسی به آب بین سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ از ۳۲٫۹ درصد به ۳۴٫۵ درصد افزایش یافته است ،افزایش اختلاف بین مناطق شهری و روستایی در دسترسی به آب ناشی از پیشرفت چشمگیر این خدمات در مناطق شهری بین سالهای ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ است در حالیکه طی این سال ها وضعیت مناطق روستایی تغییری نکرده است،علاوه بر آن در سالهای ۲۰۱۳-۱۴ از هر ده خانوار شهری هشت خانوار به امکانات حفظ الصحه دسترسی داشتند در حالیکه این درصد برای خانوارهای روستایی تنها سه خانوار از هر ده خانوار بود در مورد دسترسی به برق، ساکنان مناطق روستایی تقریباً هم سطح با مناطق شهری پیش رفته اند. درسالهای ۲۰۱۳-۱۴ حدود ۹۹ درصد از ساکنان مناطق شهری به برق دسترسی داشتند، رقمی که در سالهای ۲۰۰۷-۰۸، ۹۰ درصد بوده است در همین حال، دسترسی به برق در مناطق روستایی تقریبا بین سالهای ۲۰۰۷-۰۸ و ۲۰۱۳-۱۴ از ۳۰٫۵ درصد به ۸٦٫٦ درصد در حدود سه برابر افزایش یافته است (شکل ۳۹). این روند بهبود تا حد زیادی ناشی از افزایش دسترسی به انرژی خورشیدی در مناطق روستایی ازسالهای ۲۰۰۷-۰۸ بدینسو میباشد.

۴۹ پرسشنامه سروی ۲۰۱۳-۱۴ وضعیت زندگی در افغانستان تغییری را در پرسش مربوط به تسهیلات توالت های عمومی مطرح کرد. این تغییر روش، ما را از مقایسه بهبود صحت عمومی در طول زمان باز می دارد، تنها تعریف جدید مطابق با استانداردهای بین المللی که توسط برنامه مشترک نظارتی اداره جهانی صحت و اداره یونیسف تعریف شده است، در این گزارش گنجانده شده است.

شکل ۳۸: روند دسترسی به آب آشامیدنی سالم، به تفکیک محل سکونت

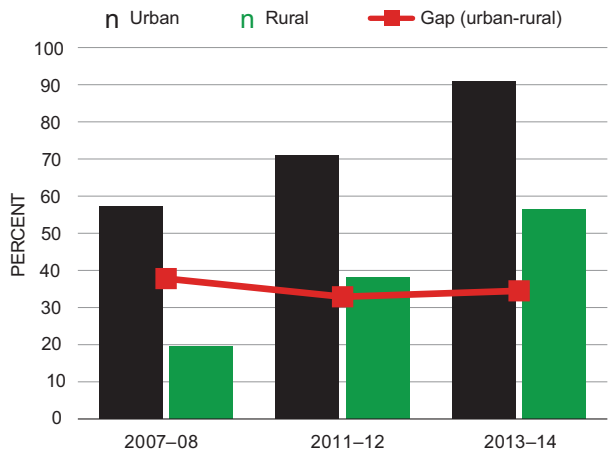

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۰۸-۲۰۰۷، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

شکل ۳۹: روند دسترسی به برق، به تفکیک محل سکونت

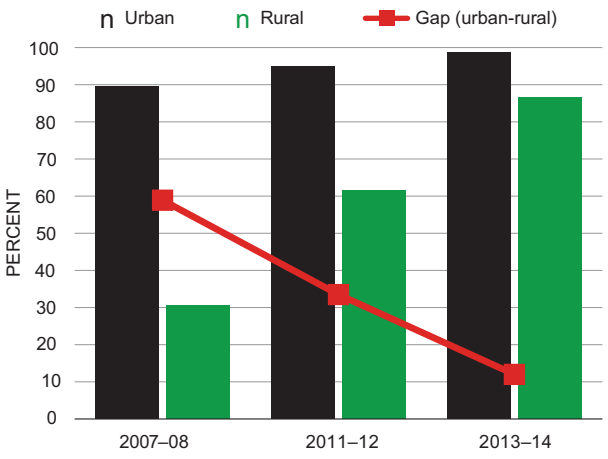

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۰۸-۲۰۰۷، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

شکل ۴۰: روند دسترسی به آب آشامیدنی سالم، به تفکیک وضعیت فقر

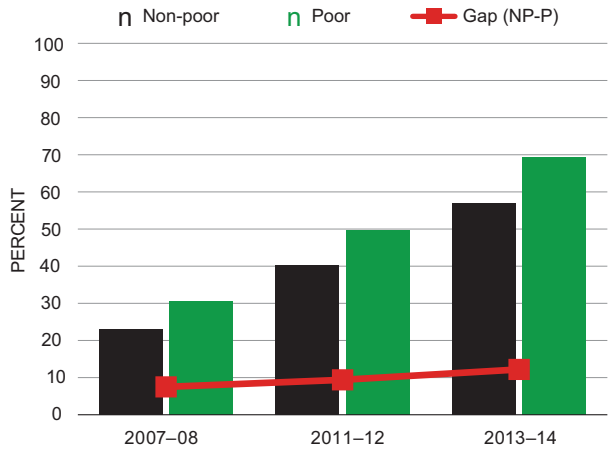

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۰۸-۲۰۰۷، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

شکل ۴۱: روند دسترسی به برق، به تفکیک وضعیت فقر

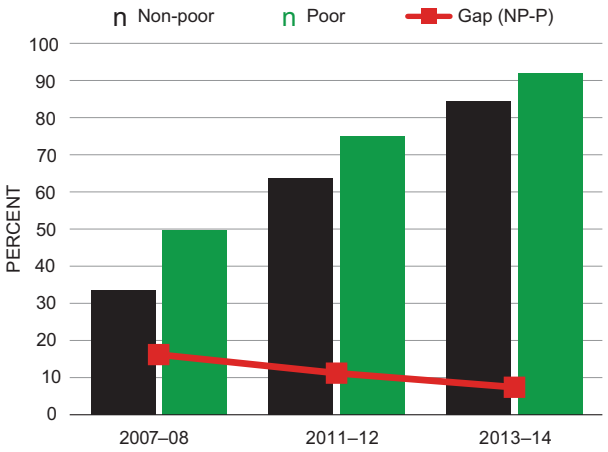

منبع :محاسبات نویسندگان بر اساس معلومات ارزیابی ملی خطر و آسیب پذیری ۰۸-۲۰۰۷، و سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

فاصله بین مناطق روستایی و شهری در میزان دسترسی به آب آشامیدنی سالم منعکس کننده ی محرومیت افراد فقیر و غیر فقیر است. افزایش روند ارائه ی خدمات آب آشامیدنی بیشتر به نفع قشر مرفه جامعه بوده، شکاف بین افراد فقیر و غیر فقیر از ۷٫۵ درصد در سالهای ۰۸-۲۰۰۷ به ۱۲٫۲ درصد در سال ۱۴-۲۰۱۳ افزایش یافته است (شکل ۴۰). درسالهای ۱۴-۲۰۱۳، حدود ۵۷ درصد از مردم فقیر به آب آشامیدنی سالم دسترسی داشتند،درحالیکه میزان دسترسی مردم قشر متوسط (و بالاتر) به آبآشامیدنی سالم ۶۹٫۲ درصد بوده است. سطح دستری به امکانات حفظ الصحه (سیستم فاضلاب) برای افراد فقیر و غیر فقیر نسبت به سایر خدمات عمومی پایین تر است. درسالهای ۱۴-۲۰۱۳ حدود ۲۹٫۵ درصد از مردم فقیر به امکانات حفظ الصحه دسترسی داشتند، در حالی که این میزان برای افراد غیر فقیر ۴۶٫۵ درصد بوده است.

از سوی دیگر، بهبود وضعیت دسترسی به برق در مناطق روستایی به کاهش سطح اختلاف افراد فقیر کمک کرده است. مطابق با آمار گذشته، با گسترش دسترسی به برق بصورت پوشش خارج از شبکه در مناطق روستایی، ساکنان مناطق روستایی از نظر دسترسی به نعمت برق هم سطح با مناطق شهری شده اند. اختلاف بین مناطق فقیرنشین و متوسط (و بالاتر) در سالهای ۲۰۰۷-۰۸ از ۱۶٫۲ درصد به ۷٫۴ درصد درسالهای ۲۰۱۳-۱۴ کاهش یافته است (شکل ۴۱). درسالهای ۲۰۱۳-۱۴ حدود ۸۴٫۵ درصد از ساکنان مناطق فقیرنشین به برق دسترسی داشتند در حالیکه این آمار در مناطق متوسط (و بالاتر) ۹۱٫۹ درصد بوده است.

فصل چهارم
خطر و آسیب پذیری خانوار ها در میان جنگ[۵۰]:

خلاصه: زندگی مردم افغانستان همواره با آسیب پذیری و خطر بالا همراه بوده است. هرچند بسیاری از انواع آسیب پذیری ها برای مردم افغانستان معمول و عادی محسوب می شوند، اما ساکنان مناطق فقیر نشین روستایی در معرض شوک های متعدد قرار دارند و احتمال بیشتری وجود دارد که از استراتیژی های مقابله ای مضر استفاده کنند. این استراتیژی های مقابله در دراز مدت اغلب منجر به نابودی مؤلدیت فیزیکی و بشری می گردد که ممکن است به چالشی بنام " دام فقر" در خانواده های بسیار آسیب پذیر کمک کند. آسیب پذیری مردم افغانستان بدلیل اوضاع بی ثبات کشور، خشونت، جنگ ودرگیری تشدید گردیده و استفاده از استراتیژی های مقابله ی مضر نه تنها با توجه به وضعیت رفاهی بلکه با توجه به شدت جنگ و درگیری ها به شیوه های متفاوتی صورت می گیرد. خانواده هاییکه در مناطق جنگ زده در افغانستان زندگی می کنند بطور اوسط بیشتر در معرض شوک و آسیب پذیری هستند و دسترسی آنها به برنامه های حمایت های اجتماعی- مانند برنامه انتقال پول یا کار در برابر غذا - بسیار کم است، بویژه در مناطقی که شدت جنگ و درگیری در آنها بالا است.

آسیب پذیری دربرابر شوک ها و استراتیژی های مقابله

اکثریت مطلق خانواده های افغان در معرض خطرات بالا و آسیب پذیری قرار دارند. تجزیه و تحلیل معلومات سالهای ۲۰۱۳-۱۴، یافته های قبلی وقوع شوکهای شدید وآسیب پذیری خانواده های افغان را تایید می کند[۵۱]. وقوع شوک ها گسترده بوده و اثرات دوامدار روی رفاه و فقر دارن. بی ثباتی اقتصادی و مالی، بیماری و مرگ، حوادث طبیعی، و رویدادهای سیاسی بر رفاه افراد، خانواده ها و گروه های اجتماعی افغانستان تاثیر میگذارد. این شوک ها خطرات خاصی را برای کسانیکه زیر خط فقر یا نزدیک خط فقر زندگی می کنند و کسانیکه زندگی آسیب پذیر نسبت به شوک خاصی دارند (به عنوان مثال، خانواده های روستایی که در مواجه با تغییرات اقلیمی غیر منتظره قرار میگیرند) به همراه دارد.

وقوع فراوان شوکهازمینه آسیب پذیری را بالا برده و همچنان وقوع برخی از خطرات رو به افزایش است. یک بخش بسیار بزرگ از مردم افغانستان (۸۸ درصد) گزارش داده اند که حداقل با یک شوک[۵۲] در سال مواجه هستند و این درصد در سالهای بین ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴ افزایش یافته است (شکل ۴۲). بویژه احتمال بروز شوک های اجتماعی (همگام (**covariate**) بسیار بالا و در حدود ۸۴ درصد است، در مقابل، احتمال بروز شوک های خانگی (ویژه) در حد پائینتر ۳۱ درصد است، که این نیز یک رقم بالا از نظر معیارهای بین المللی محسوب می شود[۵۳]. بروز شوک های ویژه خانگی بین سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ تقریباً افزایش ۹ درصدی داشته است و طبق گزارشات دلیل آن عمدتاً دو برابر شدن شوک های مربوط به جراحت ها، بیماری ها یا مرگ اعضای خانواده می باشد (از ۹٫۵ درصد به ۱۸٫۶ درصد) که در اثر افزایش جنگ و درگیری رخ می ده.

---

۵۰ این فصل تا حد زیادی برگرفته از: غرپادی، وای؛ جاستینو، پی؛ مورتون، ام؛ پاپ، ال . بی؛ و ریدایلی اس (آینده). تصمیمات خانوارهای در معرض ریسک و نا امنی در افغانستان، است.

۵۱ وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۱۵).

۵۲ شوک بمعنی قرار گرفتن در معرض یک رویداد است که در ۱۲ ماه قبل از سروی، روی زندگی خانوارها اثرات منفی گذاشته است.

۵۳ شوک ویژه (خاص خانواده) به شوکی اطلاق می گردد که تنها بر خانواده تاثیر می گذارد و به محیط خارج از آن مربوط نیست، مانند مرگ، جراحت و یا بیکاری. در مقابل، شوک همگام (شوک سطح اجتماعی) بر کل اجتماعی که خانواده در آن قرار دارد، تاثیر گزار است. این نوع صدمات شامل ٦ گروه اصلی می شود: قیمت ها، زراعت، امنیت، بیماری های واگیر، آب آشامیدنی، و خطرات طبیعی.

در واقع، در حالیکه در سطح ولسوالی ها و هیچ ارتباط مستقیمی بین تعداد شوک های خاص خانگی و تعداد حوادث ناشی از جنگ وجود ندارد[۵۴] اما طبق گزارشات، خانواده هایی که آواره شدند ۱۰ درصد بیشتر در معرض جراحت ها، بیماری ها یا مرگ یکی از اعضای خانواده قرار داشته اند. علاوه بر این، خانواده هاییکه طبق گزارشات محلی (گزارشات دریافتی ازخودشان) مناطق خودرا به عنوان مناطق نا امن معرفی کردند، احتمال بیشتری دارد که درمعرض شوک های ویژه قرار بگیرند. قرار گرفتن در معرض شوک های متعدد (سه بار یا بیشتر) نیز فراگیر می باشد، اما طی سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۴ تعداد خانواده هایی که در معرض شوک های متعدد (سه بار یا بیشتر) نیز فراگیر می باشد، اما طی سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۴ تعداد خانواده هایی که در معرض شوک های متعدد قرار می گیرند کاهش نسبی داشته است (از ۵۳ به ۵۱ درصدرسیده) و دلیل آن عمدتاً پایین بودن تعداد شوکها مربوط به آب (هم آب آشامیدنی وهم زراعتی)،شرایط مربوط به فصل زمستان و قیمت هاست (شکل ۴۳).

شکل ۴۲: وقوع شوک، ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴

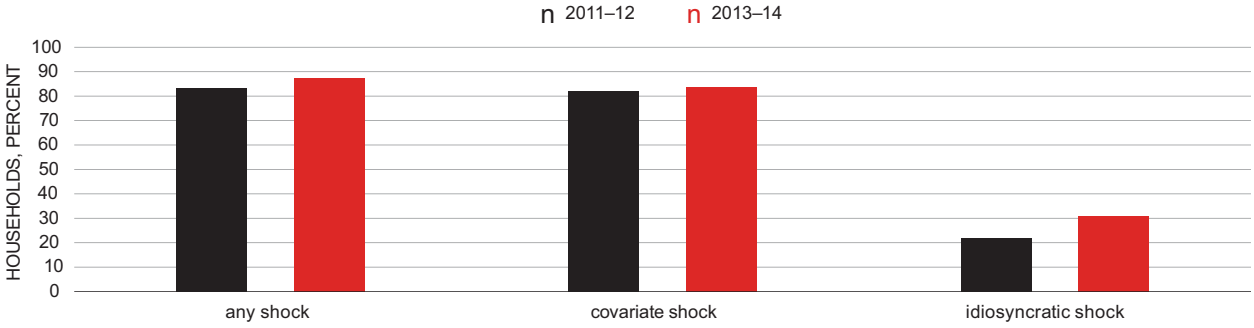

منبع: محاسبات نوسندگان بر اساس معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

شکل ۴۳: مواجه با شوک، دسته بندی بر اساس نوع، دوره ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴

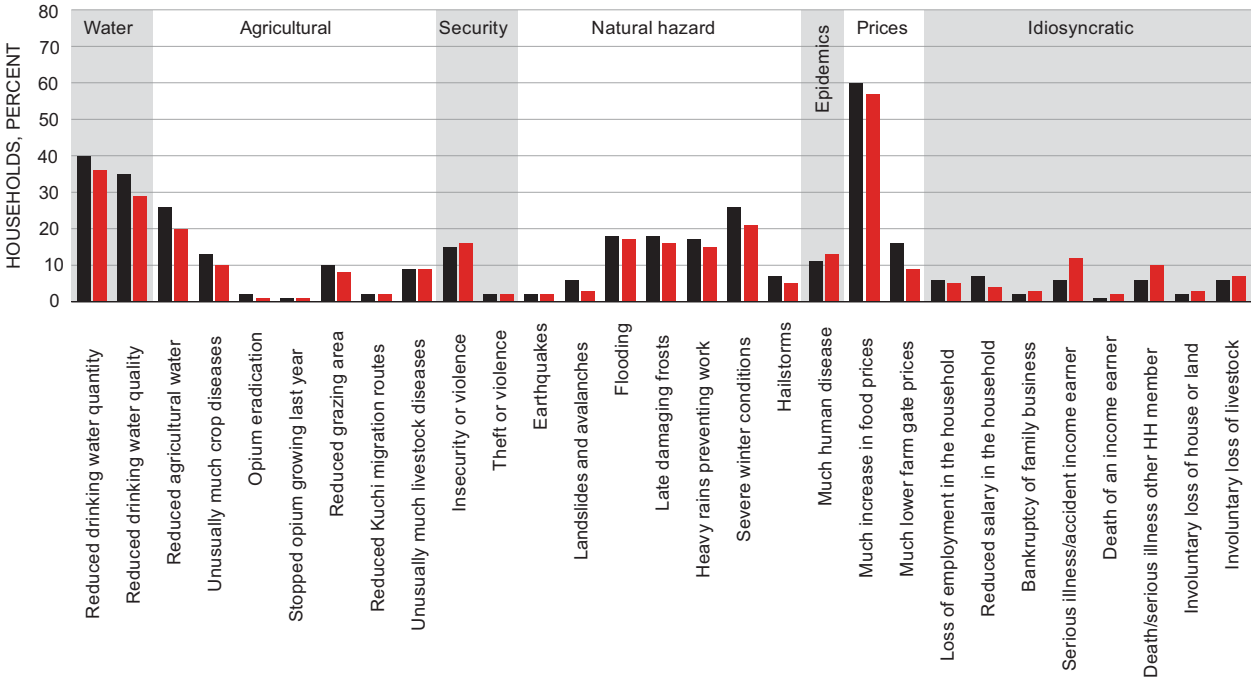

منبع: محاسبات نوسندگان بر اساس معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

۵۴ آواره شدن و مهاجرت اجباری خانواده های متاثر از شوک ویژه ممکن است بتواند عدم ارتباط بین حوادث و تعداد وقوع این نوع شوک را توجیه نماید. همانطور که در فصل یک توضیح داده شد، هر حادثه امنیتی (تلفات) بطور متوسط سبب آواره شدن ۹ نفر از هر ده نفری است که از محل سکونت اصلی شان بیجا می شوند.

شدت و ماهیت خطرات در مناطق مختلف افغانستان متفاوت است. چنانچه در نسخه قبلی تحلیل وضعیت فقر بیان شد، در سالهای ۲۰۱۱-۱۲، خانوارهایی که در مناطق عقب مانده ولایات غرب مرکزی، شمال شرق، وشرق زندگی می کردند بیشترین میزان شوک ها را تجربه کردند و مخصوصاً در اثر حوادث طبیعی آسیب دیدند. این وضعیت در دوره ۲۰۱۳-۱٤ تغییری نکرده است (شکل ۴۴). تحلیل معلومات سالهای ۲۰۱۳-۱۴ نیز بیانگر آن است که میزان وقوع و نوع شوک ها در مناطق مختلف، متفاوت بوده است. در حالیکه شوک ناشی از قیمت در بیشتر مناطق وجود داشته است، خانوارها در مناطق عقب مانده بیش از دیگران در معرض شوک ها که بیشتر ناشی از حوادث طبیعی میباشد، قرار دارند.[۵۵] بر خلاف دوره ۲۰۱۱-۱۲، در دوره ۲۰۱۳-۱۴، شوک های ویژه (idiosyncratic shocks) در دو منطقه (غرب و جنوب) جز شایعترین شوک ها بوده است و خانوارها میزان هشدار آمیزی از ابتلا به امراض مسری را در مناطق شرقی گزارش داده اند، خانواده ها در مناطق غربی بیشترین حد شوک های ویژه را گزارش کرده اند؛ ۳۷ فیصد از خانواده ها درین منطقه مجروحیت، بیماری یا مرگ اعضای خانواده را گزارش داده اند.[۵٦]

۵۵ شیوع شوک های ناشی از حوادث طبیعی عمدتا به دلیل اتفاقات ناگوار مرتبط با زمستان است، همانند زمستان های سخت، یخبندان و سیلاب.
۵٦ مطابق گزارش کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، منطقه غرب میزبان بیشترین خانواده های بیجا شده در دوره ۲۰۱۱-۱۴ بوده است (بصورت مجموعی).

شکل ٤٤: نمایه شوک ها بر اساس منطقه، ۲۰۱۳-۱٤

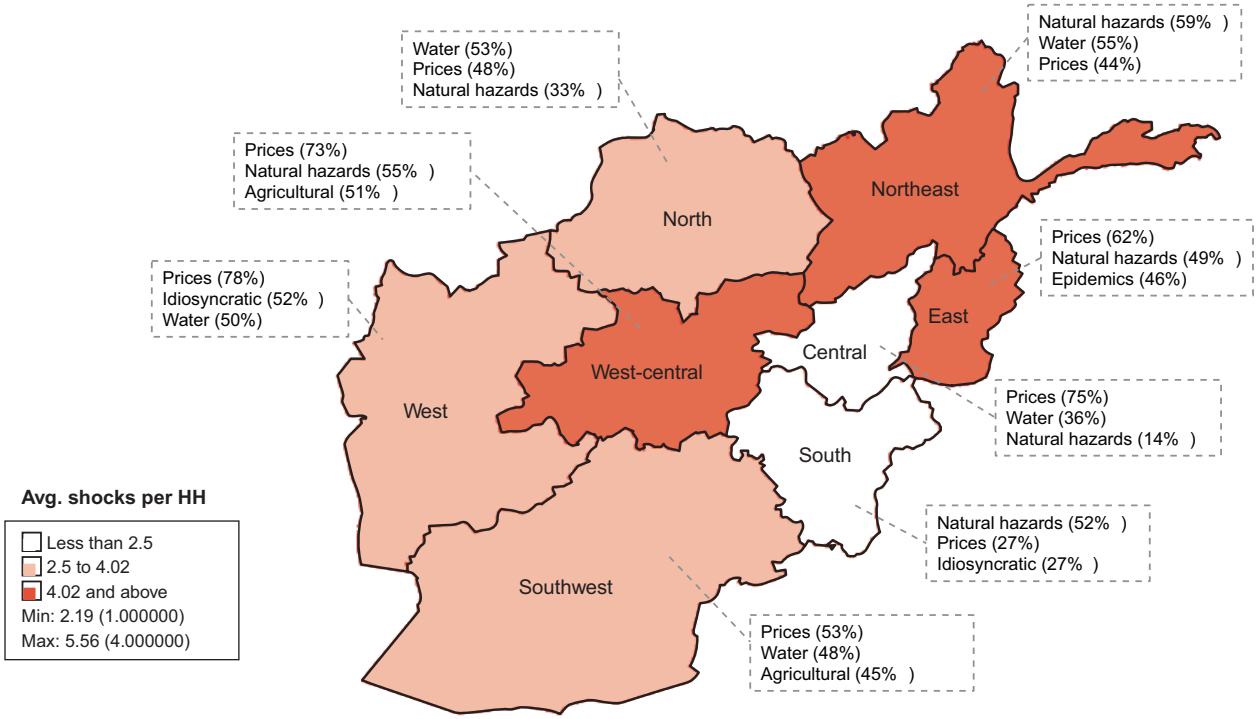

منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۳-۱٤

شکل ٤٥: تعداد متوسط شوک ها بر اساس quintile مصرفی، ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱٤

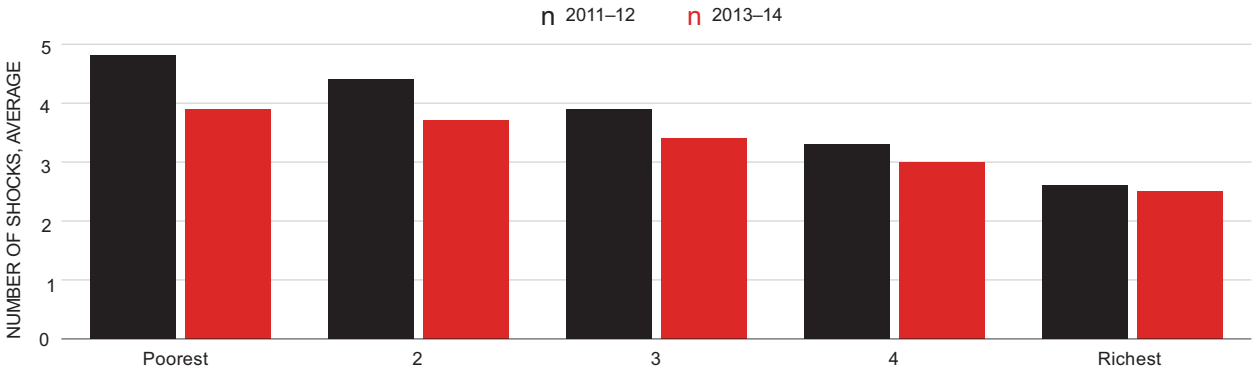

منبع: محاسبات نوسندگان بر اساس معلومات سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۱-۱۲ و ۲۰۱۳-۱۴.

فقیر ترین خانوارها در برابر شوک ها آسیب پذیر تر اند. چنانچه در گزارش قبلی تحلیل وضعیت فقر بیان شد که آسیب پذیری در برابر شوک و فقر با هم پیوند تنگاتنگ دارد. آسیب پذیری در برابر شوک بر اساس تعامل بین وجود خطرات و توانایی مقابله با آنها تعیین می شود. خانوارهایی که در معرض شوک قرار دارند اما از ابزارهای مقابله با آنرا بودن اینکه رفاه شان را تحت تاثیر قرار دهد، استفاده میکنند، در برابر شوک و فقر از آسیب پذیری اندک تر برخوردار اند. اما بر عکس، خانوارهای فاقد ابزارهای لازم برای کاهش و مقابله با خطرات در معرض مواجهه با شوک های بیشتر قرار دارند و در برابر فقر احتمالی یا فقر شدید آسیب پذیر تر اند، و اگر آنها در مناطقی که بیشتر در معرض شوک قرار دارند زندگی کنند، آسیب پذیری شان افزایش می یابد.[۵۷] چنانچه در شکل ٤٥ نشان داده شده است، ۲۰ فیصد فقیر ترین افغان ها در برابر شوک آسیب پذیر تر اند و در دوره ۲۰۱۳-۱٤ بصورت متوسط با ٤ شوک مواجه شده اند در حالیکه ۲۰ فیصد ثروتمند ترین افغان ها بصورت متوسط تنها با ۲٫۵ شوک مواجه شدند. مواجهه با شوکهای متعدد و مشکلات ذکر شده در مجموع تاثیرات زیادی روی تصامیم ورفاه خانوارها دارد.

فقیر ترین افغانها بیشتر متکی به آن دسته از استراتیژی های مقابله اند که روی ظرفیت تولیدی فعلی و آینده و وضعیت فقر آنها تاثیر منفی دارد. سه چهارم افغان هایی که در دوره ۲۰۱۳-۱٤ با شوک مواجه شدند، از شیوه های مقابله با شوک استفاده نموده اند که بعداً مجبور شدند پیامدهای آن را تحمل کنند. با وجود این، همه استراتیژی های مقابله در تاثیرگذاری روی کاهش اثرات شوک ها با هم برابر نیستند. بخصوص، استراتیژی هایی مانند کاهش مصرف غذایی، نفی سرمایه گذاری در بخش سرمایه انسانی یا دارایی های مولد، بیش تر احتمال دارد که روی وضع زندگی خانوارها پیامدهای "مضر" دوامدار داشته باشند.[۵۸] تحلیل معلومات ۲۰۱۳-۱٤ تایید می کند که خانوارهای فقیر تر بیشتر احتمال دارند که از این نوع استراتیژی های مضر مقابله استفاده کنند. چنانچه در شکل ٤٦ نشان داده شده، حدود ٤۰ درصد از بیست درصد فقیر ترین خانواده های افغان درزمان مواجهه با شوک، متکی به میکانیزم های مضر مقابله اند، در حالیکه تنها ۲٤ درصد از مجموع بیست درصد ثروتمندترین خانوارهای افغان دست به این کار می زنند. اگر به کارگیری استراتیژی های مضر مقابله که توسط افغان های فقیر (۳۸ فیصد) و غیر فقیر (۲۹ فیصد) استفاده می شود سنجیده شود، الگوهای مشابهی بدست می آید.

شکل ٤٦: استفاده از استراتیژی های مضر مقابله، بر اساس وضعیت رفاه

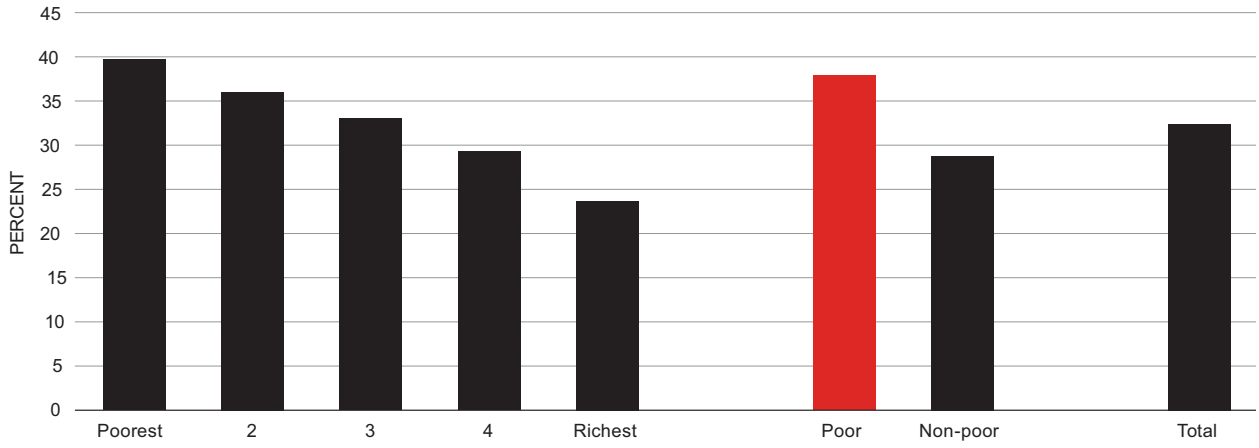

یادداشت: مشروط به تجربه شوک

منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۳-۱٤

۵۷ وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۱۵)

۵۸ استراتیژی های ذیل برای مقابله با شوک ها، "مضر" قلمداد می شود، یعنی مانع رفاه دراز مدت خانوارها می شود: کاهش کمیت یا کیفیت مواد تغذیه ای، کرایه یا گرو زمین ، فروش دارایی ها، زمین یا مواشی ماده تولید مثل کننده، خارج کردن اطفال از مکتب، افزایش کار کودکان، و به عروسی دادن اطفال.

شوک ها و منازعه

خشـــــونت و نا امنی خطر بیشـــــتر و فزاینده را متوجه خانوارهای افغان می سازد. منازعه و ناامنی بعد مهمی از آسیب پذیری خانوارهای افغان تشـکیل میدهد. تقریبا ۱۷ فیصـــد خانوارها گزارش داده اند که در دوره ۲۰۱۳-۱٤ در معرض شوک ناشی از ناامنی قرار داشته اند،رقمی که در سالهای ۲۰۱۱-۱۲، ۱۵ فیصد بود. وقوع شوک های امنیتی در شمال شرق (۲٦ فیصد)، غرب (۲۵ فیصد) و جنوب غرب (۲٤فیصد) بیشتر از مناطق دیگر بوده است و بیش از همه خانوارهای روستایی را متأثر ساخته است (۲۰ فیصـد، در برابر ۷ فیصـــــــد خانوارهای شهری) (شکل ٤۷). وقوع شوک های امنیتی که توسط خانواده های افغان گزارش شده است عمدتاً با وقوع حوادث جنگ که توسط دفتر امنیت و ایمنی سازمان ملل متحد (UNDSS) گزارش شده است، همخوانی دارد. بخصـــــوص مناطق و ساحات که خانوارها در آن شوک های امنیتی بیشـتر را گزارش کرده اند، مشـابه ساحات است که بیشـتر خانوارها در مناطق پر منازعه متمرکز اند.

شکل ۴۷: وقوع شوک های امنیتی گزارش شده توسط مردم و منازعه واقعی

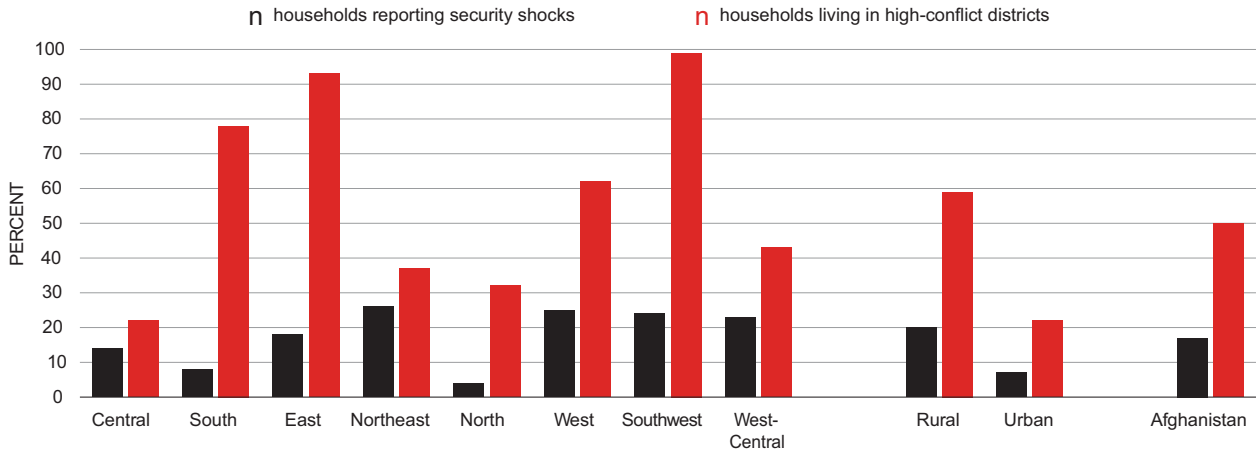

یادداشت: خانوارهایی که در مناطق پر منازعه زندگی می کنند به آن عده از خانوارها گفته می شود که در مناطق دارای نرخ منازعه بیش از حد متوسط یعنی یک حادثه امنیتی به ازای هر ۱۰۰۰ باشنده در سال ۲۰۱٤، زندگی می کنند.
منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان ۲۰۱۳-۱٤، و مرکز معلومات و عملیات های امنیتی دفتر امنیت و ایمنی سازمان ملل متحد (UNDSS-SIOC)

جنگ آسیب پذیری خانوارها را تشدید می بخشد و خانوارهای که در مناطق پر منازعه‌زندگی می کنند در معرض شوک های بیشتر قرار دارند. مطابق معلومات سروی ۲۰۱۳-۱۴ وضعیت‌زندگی در افغانستان، ۵۳ درصد خانوارها در مناطق پر منازعه سه شوک (غیر امنیتی) یا بیشتر از آن را گزارش کرده اند در حالیکه این‌رقم در مناطق کم منازعه ۴۳ درصد بوده است. با این حال، خانوارهای که در مناطق پر منازعه‌زندگی می کنند، بصورت متوسط، شوک های بیشتر غیر امنیتی (۳٫۳ شوک) را گزارش کرده اند، در مقایسه با کسانیکه در مناطق کم منازعه‌زندگی می کنند (۳٫۰ شوک). نوع شوک بر اساس شدت منازعات نیز متفاوت است. خانوارهای که در مناطق پر منازعه‌زندگی می کنند احتمال بیشتر دارد که شوک های زراعتی، حوادث طبیعی، امراض واگیر و مسری و همچنان شوک های امنیتی را تجربه کنند (شکل ۴۸). وقوع بیشتر بیماری های انسانی می تواند نشانه ضعف ارائه خدمات صحی در مناطق پر منازعه باشد در حالیکه وقوع شوک های زراعتی می تواند اختلال در چرخه تولید و کارکرد بازار را بازتاب دهد که ناشی از جنگ و منازعات است. جالب این است که مناطق پر منازعه و نا امن با وقوع بیشتر شوک های ویژه ارتباط ندارد، علت آن شاید جابجایی (بیجا شدن) گزینشی خانوادهابه دلیل گریز از همین نوع شوک ها باشد.

قرار داشتن در معرض منازعات و نا امنی ها بیشتر با اتکا بر استراتیژی های مضر مقابله وسرمایه گذاری کمتر در بخش سرمایه انسانی، بخصوص در خانوارهای فقیر، پیوند دارد. چنانچه در شکل ۴۹ نشان داده شده است، خانوارهای افغانی که در مناطق پر منازعه‌زندگی می کنند بدون در نظرداشت وضعیت فقر شان در مقایسه با کسانیکه در مناطق کم منازعه‌زندگی می کنند، احتمال بیشتر دارد که از استراتیژی های مضر مقابله با حوادث کار بگیرند. منازعات و نا امنی ها همچنان با این واقعیت پیوند دارد و احتمال اینرا بیشتر میسازد که کودکان دوره ابتدائیه (نشان داده نشده) و دوره متوسطه (بخصوص دختران) به مکتب نروند و استفاده از کودکان پسر برای کار نیز احتمال بیشتر دارد.

شکل ۴۸: وقوع شوک به تفکیک شدت منازعات و نوع شوک، ۲۰۱۳-۱۴

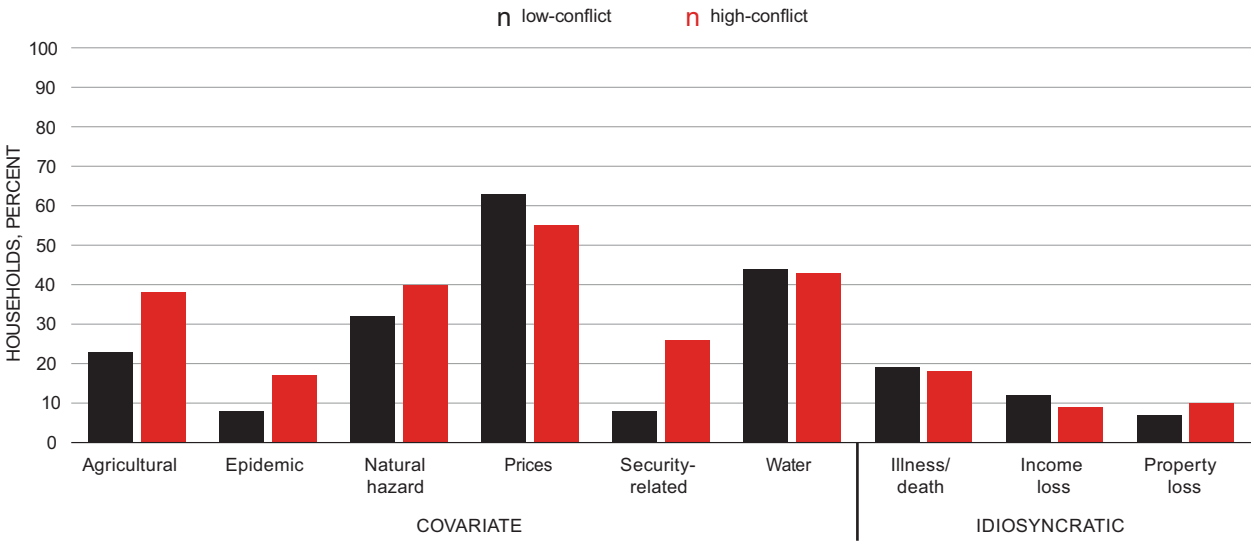

یادداشت: منازعه کم شدت مناطقی را نشان می دهد که دارای حوادث جنگی اندک (پایین تر از حد متوسط)، یعنی یک حادثه امنیتی به ازای هر ۱۰۰۰ باشنده است. منازعه پر شدت مناطقی را نشان می دهد که دارای حوادث جنگی بالا (بالا تر از متوسط)، یعنی یک حادثه امنیتی به ازای هر ۱۰۰۰ باشنده است ،تعداد رخدادهای جنگی در یک منطقه مربوط به دوره ۱۲ ماه پیش از سروی است.
منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس سروی وضعیت فقر در افغانستان ۲۰۱۳-۱۴، و گزارشات مرکز معلومات و عملیات امنیتی.

شکل ۴۹: استراتیژی مضر مقابله به تفکیک شدت منازعات و وضعیت فقر:

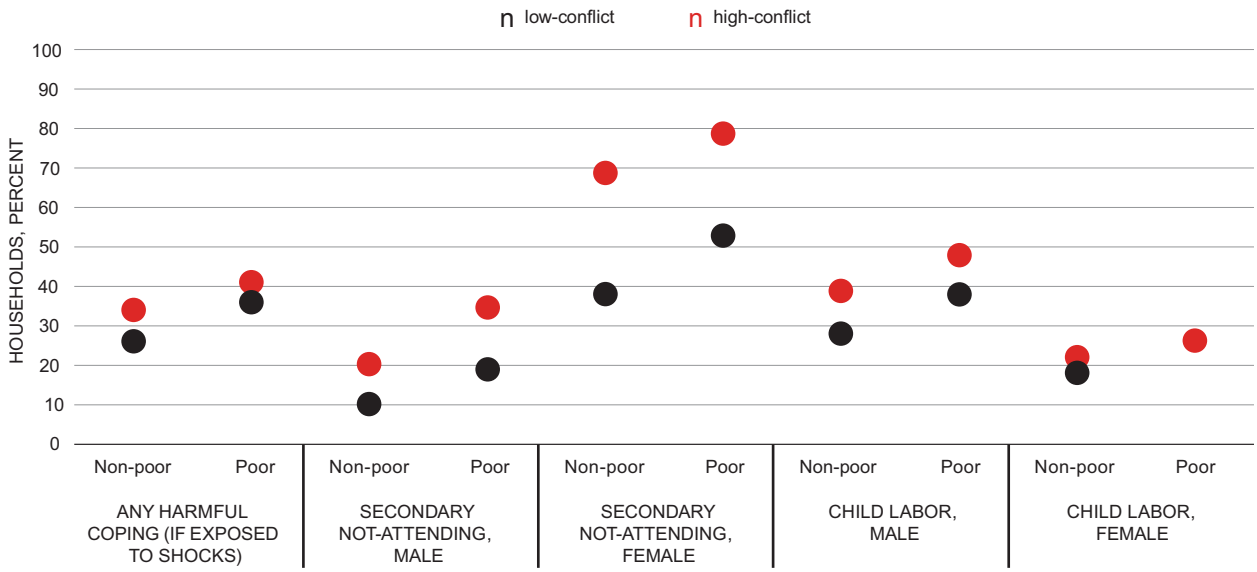

یادداشت: منازعه کم شدت مناطقی را نشان می دهد که دارای حوادث جنگی اندک (پایین تر از حد متوسط)، یعنی یک حادثه امنیتی به ازای هر ۱۰۰۰ باشنده است. منازعه پر شدت مناطقی را نشان می دهد که دارای حوادث جنگی بالا (بالا تر از متوسط)، یعنی یک حادثه امنیتی به ازای هر ۱۰۰۰ باشنده است. تعداد رخدادهای جنگی در یک منطقه مربوط به دوره ۱۲ ماه پیش از سروی است.

منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس سروی وضعیت فقر در افغانستان ۲۰۱۳-۱٤ و گزارشات مرکز معلومات و عملیات امنیتی.

دسترسی به مصئونیت اجتماعی

قرار داشتن افغانها در معرض خطرات متعدد، ضرورت بر داشتن سیستم مصئونیت اجتماعی بخصوص برای خانواده های فقیر تر و روستایی را تقویت میبخشد. ماهیت همزمانی شایع ترین شوک ها مؤثریت حمایت محلی و شبکه های غیررسمی ایمنی را کاهش می دهند زیرا سایر اعضای خانواده یا اجتماع که کمک کننده اند، نیز در معرض خطر میباشند. بر علاوه بی ثباتی و تعدد شوک ها، پیش بینی خطرات را برای خانواده ها و حکومت دشوار میسازد. بصورت عموم، شناسائی ابزارهایی که می تواند کمک منظم و قابل پیش بینی ارائه کند و آسیب پذیرترین خانوارها را سنجش کند و هدف قرار دهد اهمیت زیادی دارد. منابع مالی حکومت اغلب محدودتر از آن است که بتواند مصئونیت همگانی فراهم سازد. قطع نظر از ابزار (ها)، داشتن یک سیستم مؤثر و قوی برای شناسایی و ارائه مزایا به آسیب پذیرترین خانوارها اساس یک استراتیژی مؤثر مصونیت اجتماعی را تشکیل می دهد.

مصارف عامه در بخش کمک های اجتماعی افغانستان در مقایسه با استندردهای بین المللی بسیار پایین بوده و تا اندازه زیادی وابسته به کمک غیر قابل اعتماد منابع تمویل کننده میباشد. برنامه های اصلی مصئونیت اجتماعی شامل پرداخت پول نقد از طریق کارهای عامه غیر منظم، اعانه/رنامه های بشردوستانه (غذا و پول در برابر کار) و سایر برنامه های کوچک آگاهی یا کمکهای بشردوستانه است. بخش اعظم مصارف افغانستان در بخش مصئونیت اجتماعی با پرداخت پول نقد (بشکل معاش تقاعد) برای مجروحان جنگی، خانواده افراد کشته شده در جنگ و اشخاص دارای معلولیت، اختصاص دارد. از باب مقایسه، سایر کشورهای در حال توسعه و جنگ زده مصارف عامه بیشتری را به شبکه های مصئونیت اجتماعی مانند پرداخت پول نقد به افراد فقیر یا آسیب پذیر یا کارهای عامه کاربر (labor-intensive) اختصاص می دهند.

شکل ۵۰: مجموع مصارف (داخل بودجه) در بخش کمک های اجتماعی منحیث بخشی از تولید ناخالص داخلی

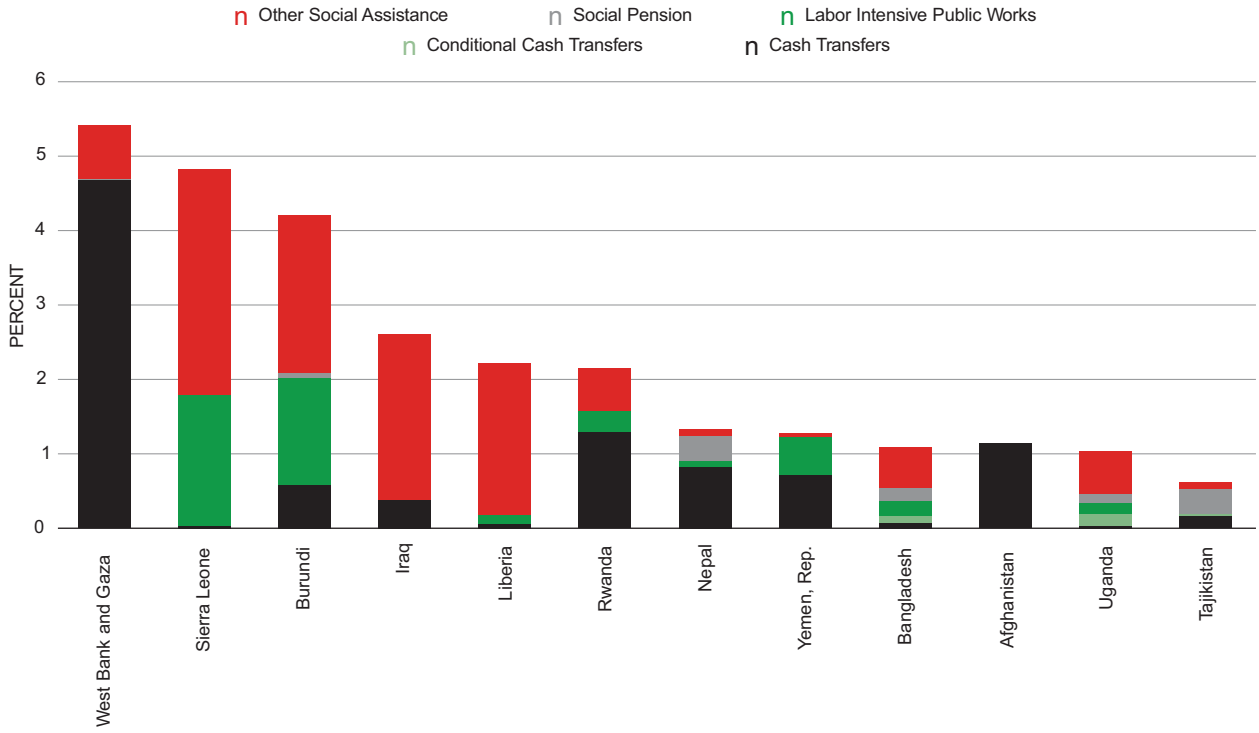

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس دیتابیس ASPIRE بانک جهانی از تاریخ ۳۱/۰۳/۲۰۱۶.
برای افغانستان: محاسبات نویسندگان بر اساس گزارش مصارف برنامه شهدا و معلولین افغانستان

مصـئونیت اجتماعی در افغانســتان بخش اندکی را تحت پوشش قرار می دهد و به گونه ی موثر فقیرترین و آسیب پذیرترین خانوارها را مورد هدف قرار نمیدهد. در دوره ۲۰۱۳-۱٤ تنها ٦ فیصد همه خانوارهای افغان در برنامه مصئونیت اجتماعی مانند: غذا در برابر کار، پول در برابر کار، یا هر نوع فعالیت درآمدزا شامل بودند[۵۹] (شکل ۵۱). نه تنها ساحه پوشش مصـــــونیت اجتماعی اندک است، بلکه مشمولیت امتیازات نیز بسیار اندک حالت تصاعدی دارد، ۸ فیصـد همه خانوارهای فقیر از مصـئونیت اجتماعی رسمی بهره مندند، در مقایسه با ٦ فیصد غیر فقیر برعلاوه ۸ فیصـد یک پنجم (quintile) فقیرترین خانوارها تحت پوشش میکانیزم های مصـئونیت اجتماعی قرار دارند، در مقایسه با ۵ فیصد یک پنجم ثروتمندترین ها. همچنان سیستم مصـونیت اجتماعی افغانسـتان برای حمایت از خانوارهای در معرض شوک مناسب نیست در حقیقت چنانچه در شکل ۵۲ نشان داده شده است، احتمال دریافت مصئونیت اجتماعی رسمی از سوی خانوارهایی که شوک تجربه نکرده اند، در مقایســه با خانوار هایی که یک شوک یا بیشــتر از آن را تجربه کرده اند، کمتر نیست.

شکل ۵۱: دسترسی به مصونیت اجتماعی، به تفکیک وضعیت رفاه، ۲۰۱۳-۱۴

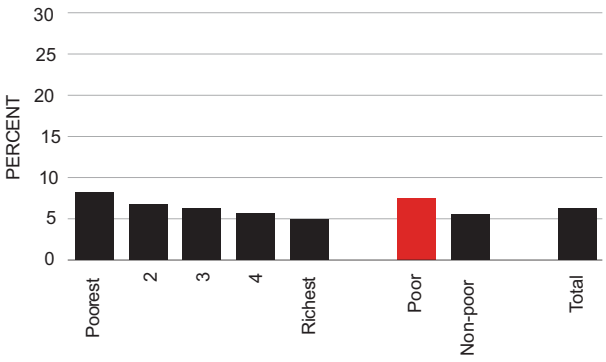

منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان، ۲۰۱۳-۱٤.

شکل ۵۲: دسترسی به مصونیت اجتماعی به تفکیک وقوع شوک، ۲۰۱۳-۱٤

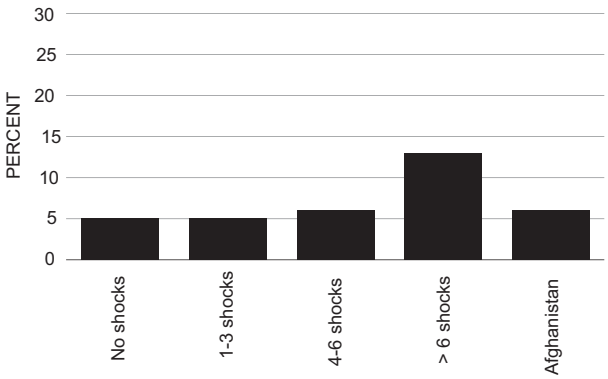

منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس سروی وضعیت زندگی در افغانستان، ۲۰۱۳-۱٤.

دسترسی به مصئونیت اجتماعی در مناطق که جنگ و نیازمندی بیشـتر است، پایین تر میباشد. چنانچه انتظار میرود، پوشش مصئونیت اجتماعی در مناطق پر منازعه بسـیار پایین تر بوده (شکل ۵۳)، که این قضـیه در خصـوص افغان های فقیر بیشـتر صدق می کند؛ ۱۳ فیصـــد فقرا در مناطق کم منازعه تحت پوشش یکی از اشکال برنامه های مصـــئونیت اجتماعی قرار دارند در حالیکه تنها ۳ فیصد فقرا در مناطق پر منازعه به مصئونیت اجتماعی رسمی دسترسی دارند. بر علاوه، ارائه خدمات مصئونیت اجتماعی در مناطق کم منازعه در حال پیشرفت است اما در مناطق پر منازعه قضـیه این گونه نیسـت. اجرای برنامه های مصـئونیت اجتماعی با عین چالش هایی مواجه است که سایر انواع خدمات در مناطق جنگ زده با آن روبرو است. بدون بهسـازی وضعیت امنیتی، متأسفانه راه حل روشن برای بهبود عرضه خدمات مصئونیت اجتماعی درین مناطق دیده نمیشود و ارائه خدمات مصئونیت اجتماعی کاری است بسا دشوار.

۵۹ از مجموع خانوارهای دریافت کننده مصونیت اجتماعی، ۲۳ فیصد غذا در برابر کار دریافت کردند، ۷۸ فیصد پول نقد در برابر کار دریافت کردند و تنها ۱ فیصد در برنامه درآمدزا مشارکت کردند،کمتر از ۱ فیصد از هر دو برنامه غذا در برابر کار و پول در برابر کار سود بردند.

شکل ۵۳: دسترسی به مصونیت اجتماعی به تفکیک وضعیت رفاه و شدت منازعه، ۲۰۱۳-۱۴

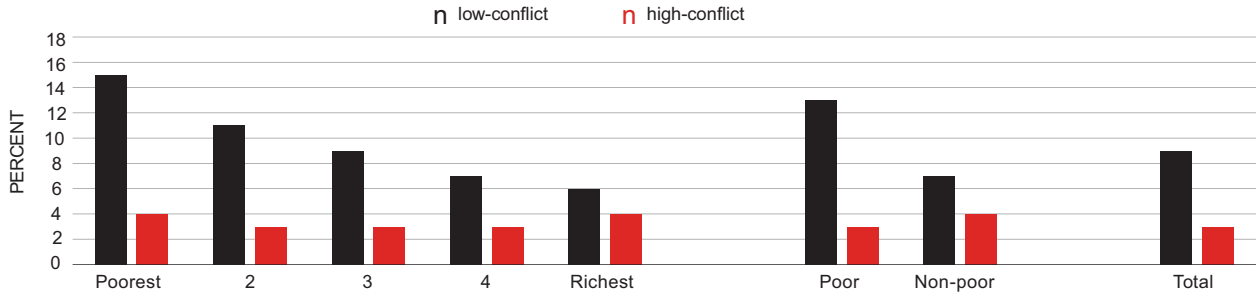

یادداشت: منازعه کم شدت مناطق را نشان می دهد که دارای حوادث جنگی اندک (پایین تر از حد متوسط) یعنی یک حادثه امنیتی به ازای هر ۱۰۰۰ باشنده است.
منازعه پر شدت مناطقی را نشان می دهد که دارای حوادث جنگی بالا (بالا تر از حد متوسط)، یعنی یک حادثه امنیتی به ازای هر ۱۰۰۰ باشنده است ، تعداد رخدادهای جنگی در یک منطقه مربوط به دوره ۱۲ ماه پیش از سروی است.
منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس سروی وضعیت فقر در افغانستان ۲۰۱۳-۱٤ و گزارشات مرکز معلومات و عملیات امنیتی.

فصل پنجم
ملاحظاتی در باب پالیسی

یافته های اصلی نسخه دوم گزارش تحلیل وضعیت فقردر افغانستان گواه این است که خانواده های افغان بر اثر بحران ناشی از انتقال امنیتی و سیاسی به گونه منفی متاثر شده اند. نه تنها کاهش کمک ورشد اقتصادی سبب کاهش فرصت های شغلی شده است بلکه تشدید منازعات و نا امنی ها نیز بر وضعیت آسیب پذیری پیچیده خانوارهای افغان افزوده است.

چالش فقر در جریان دوره انتقال با تمام قدرت نمایان شد. فقر شدید ۳۹ فیصد جمعیت افغانستان را متاثر ساخته و در حال افزایش است. بازار کار نمی تواند پاسخگو نیروی کار سریع الرشد کشور باشد و برای افغان هایی که فاقد سواد اساسی و مهارت های شمارش و حساب اند، معیشت تامین کند. بر علاوه، گسترس و تشدید منازعات، تعدادی از خانواده ها را مجبور به ترک خانه های شان نموده، محرومیت تعداد فزاینده کودکان از مکتب و محدود ساختن گزینه ها برای خانواده ها در امر مدیریت خطرات و محافظت از معیشت شان، سبب انتقال فقر به نسل های آینده می گردد. بحران اقتصادی و امنیتی بار دیگر سبب نابرابری عمیق و گسترده شده است، نابرابری بین کسانی که وسایل مقابله با پیامدهای منفی شوک را در اختیار دارند و کسانی که مجبور اند بقای امروز شان را به قیمت فقر فردا بخرند؛ بین کسانی که در شهرها زندگی می کنند و می توانند از امنیت بهتر، دسترسی به خدمات و فرصت های اقصادی سود ببرند و کسانی که در مناطق روستایی زندگی می کنند، و بین زنان و مردان افغان که دسترسی شان به خدمات تعلیمی و صحی به گونه روز افزون در معرض خطر است.

در صورت عدم رسیدگی به چالش های فقر و نابرابری، این چالش ها می توانند انسجام اجتماعی را تضعیف و پیشرفت را که از پانزده سال پیش تا اکنون یعنی پس از سرنگونی رژیم طالبان به سختی بدست آمده است در معرض نابودی قرار دهد. یافته های این گزارش چند ملاحظه بنیادین را درزمینه پالیسی پیشنهاد می کند.

نخست، بدون بهبود وضعیت امنیتی و بهتر شدن وضع اقتصادی دشوار است بتوان با چالش های فقر و نابرابری مقابله کرد. در حقیقت عوامل محرک فقر در جریان مرحله قبل از انتقال نشان داد که رشد اقتصادی به تنهایی نمی تواند فقر را کاهش دهد مگر زمانیکه بطور مساویانه بین تمام افغانها توزیع گردد، اما عدم رشد اقتصادی و افزایش منازعات به شدتِ فقر افزوده و افغانهای بیشتری را به دام فقر می اندازد. این گزارش نشان میدهد که چگونه کاهش رشد اقتصادی در دوره انتقال منجر به افزایش فقر ورشد چشمگیر بیکاری بویژه در مناطق روستائی گردید. برعلاوه، در کنار رشد ضعیف اقتصادی، اوضاع وخیم امنیتی و منازعات سبب شد تا تعداد روز افزون افغانها مجبور به ترک خانه ها و مواشی شان شده وزندگی پر مخاطره را در شهرها اختیار کنند. احیأ رشد اقتصادی در شرایط جنگی کنونی دشوار خواهد بود. با وجود این، طوریکه در آخرین کنفرانس در مورد افغانستان در بروکسل[۶۰] بحث گردید، کاهش فقر در افغانستان مستلزم رشد اقتصادی همه جانبه و همه شمول نسبت به گذشته میباشد. مهمتر از همه، رشد سکتور زراعت متمرکز بر اقدامات حمایت کننده زارعین کوچک، ایجاد ارزش افزوده برای محصولات تجارتی، و دسترسی به مارکیتهای زراعتی و ارتباط بین شهر و روستاها، اولویتهای دولت را در روند کاهش فقر و ایجاد تقاضا داخلی و ایجاد شغل در سکتورهای دیگر تشکیل میدهد.[۶۱]

---

۶۰ نگاه کنید به: بانک جهانی (۲۰۱۶)

۶۱ برای بحث مفصل در باره چالش ها و فرصت های انکشاف سکتور زراعت در افغانستان، نگاه کنید به: بانک جهانی (۲۰۱۴).

دوم و موضوع که با فقر رابطه نزدیک دارد، کاهش فقر در افغانستان منوط بر پیشرفت و بهتر شدن بازار اشتغال و ایجاد فرصتهای شغلی در داخل و بیرون کشور است. افزایش غیر قابل پیشبینی بیکاری که دوره انتقال اتفاق افتید، چالش ایجاد شغل جوابگو برای نیروی کار سریع الرشد را که سالانه در حدود ۴۰۰ هزار اضافه میگردد، را هر چه بیشتر نمایان نمود. با محرکه های موجود جمعیت، نیاز است تا تعداد بیشتر شغل بویژه برای جوانان ایجاد گردد. برای توسعه و بهبود هر چه بیشتر وضعیت، رشد اقتصادی مبنی بر استفاده از نیروی انسانی از اهمیت زیادی برخوردار است. در کوتاه مدت با محدودیتهای موجود اقتصادی و امنیتی، تنها تمرکز بالای رشد اقتصادی برای برطرف نمودن چالشهای مارکیت کار کافی نمیباشد، بناً توجه بیشتر بر ایجاد راه های قانونی مهاجرت های بین المللی معطوف گردد[۶۲]. مهاجرت همیشه یکی از راه های حل اساسی برای مقابله با جنگ و فرصتهای محدود اقتصادی در افغانستان بوده است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مهاجرت نیروی کار و پولهای ارسالی آنها به درآمد و مصرف داخلی کمک نموده، سبب کاهش فقر و تقویت پول کشور در مقابل اسعار خارجی میگردد. ترویج مسیرهای قانونی و مطمئن برای مهاجرت بین المللی در مدیریت عوامل بی ثبات کنندهء مانند بیکاری، فقر و بیجا شدگی که به علت برگشت تعداد زیادی افغانها از پاکستان، ایران و اروپا شدت یافته است، یاری رساند.

سوم؛ چالش های فقر و نابرابری در افغانستان و نیز چشم انداز رشد اقتصادی آن بهبود نخواهد یافت مگر اینکه باسرمایه گذاری در بخش سرمایه انسانی بشمول تعلیم بزرگ سالان، همراه شود. علاوه بر آن، عوامل محرک فقر و نابرابری در افغانستان اهمیت سرمایه گذاری در بخش معارف برای شمولیت اجتماعی- اقتصادی را هویدا کرده است. در حقیقت، نه تنها افراد بی سواد نتوانسته اند از فرصت های بهتر اقتصادی که در جریان سالهای رشد پایدار قبل از ۲۰۱۲، سود ببرند بلکه بیش از همه بر اثر بحران بیکاری در جریان دوره انتقال متأثر شده اند. با محرومیت تعداد زیادی از کودکان از مکتب بعنوان پیامد مستقیم منازعه و/ یا فقر فزاینده، لازم است توجه بیشتری به بهبود دسترسی مناطق روستایی و جمعیت فقیر به معارف و نیز تطبیق برنامه های تعلیمی "فرصت دوم" برای بزرگسالان که سالهای ارزشمند مکتب را از دست داده اند، صورت بگیرد. بخصوص، تامین مهارت های سواد حیاتی، حساب و مهارت های شغلی برای جمعیت بزرگ سال به برابر سازی فرصت ها برای آسیب پذیرترین بخش های جامعه افغانستان کمک می کند و در نهایت در دراز مدت سبب رشد اقتصادی و کاهش فقر می شود

برای کاهش فقر، نیاز است تا خانوار های افغان در مقابل خطرات حفاظت شوند. چالش فقر خانوارهای افغان و آسیب پذیری شدید آنها در برابر شوک به خوبی شناخته شده است، و پیچیدگی موضوع خطرات در افغانستان نیز ناشی از همین موضوع است. بیشتر شوک ها و صدمات تمام اجتماع یا یک ساحه را بشکل کلی متأثر میسازد که احتمال کمکهای محلی را کمتر میسازد. نه تنها افغانها از نظر معیارات بین المللی در معرض خطرات و شوکهای بلند قرار دارند، بلکه وقوع شوکها وضعیت افغانهای که از قبل آسیب پذیر بودند را بدتر میسازد. خانواده های فقیر و خانواده های که در مناطق نا امن و پر منازعه زندگی دارند معمولاً برای مقابله با شوکها از طریقه های مضر استفاده نموده و دست به فروش دارائی های مؤلد یا مانع شدن اطفال از رفتن به مکتب میزنند. این استراتیژی های مضر رفاه خانواده ها را در آینده محدود ساخته و سبب انتقال فقر به نسلهای آینده میگردد. در چنین حالت، کاهش فقر نیازمند توجه بیشتر برای تقویت خانواده ها در مقابل خطرات، که شامل ایجاد سیستم پرداخت قرضه و بیمه برای خانواده ها و ایجاد سیستم شبکه مصئونیت میشود، میباشد.

---

۶۲ نگاه کنید به: هولزمن (۲۰۱۷)

منابع و مآخذ:

اداره مرکزی احصـائیه (۲۰۱٦) "مهاجرت. ولایات کابل، بامیان، دایکندی، غور، کاپیسـا، و پروان"، گزارش سروی اجتماعی-جمعیت شناسی و اقتصادی، اداره مرکزی احصائیه افغانستان.

اداره مرکزی احصائیه (۲۰۱۵) "سروی ۲۰۱۳-۱٤ وضعیت زندگی در افغانستان"، اداره مرکزی احصائیه افغانستان

زیکا ام. و ک. کیس-کاتوس (۲۰۰۹) "جنگ داخلی و آوارگی: عوامل تعیین کننده سـطح قریه در مهاجرت اجباری در آچه"، ژورنال تحقیقات صلح، ٤٦ (۳):٤۱۸-۳۹۹.

غرپادی، وای؛ جاستینو، پی؛ مورتون، ام؛ پاپ، ال . بی؛ و ریدایلی اس (آینده). تصـمیمات خانوارهای در معرض ریسـک و ناامنی در افغانستان.

ایبانیز الف. م. (۲۰۱۴) "رشد جابجایی اجباری: شواهد فرا کشوری، داخل کشوری و خانوارها در باره عوامل تعیین کننده احتمالی"، از روبرت ای. ب. لوکاس (مصححین)، جزوه بین المللی در باب مهاجرت و انکشاف اقتصادی، انتشارات ادوارد الگار. فصل ۱۳.

ایبانیز الف. م. و الف. مویا، ۲۰۱۰. "آیا منازعات به تلفه فقر می انجامد؟ نابودی و بازیافت دارایی های خانوارهای بیجا شـده در کولمبیا"، فصول NBER، در: "اقتصاد جرم: درس هایی از و برای آمریکای لاتین، صص ۱۳۷-۱۷۲، اداره ملی تحقیقات اقتصادی.

جوستینو، پ. (۲۰۰۹) "فقر و منازعه خشونت بار: چشم اندازه خرد در باره علل و مدت نبردها"، ژورنال تحقیقات صلح، ۴٦ (۳): ۳۱۵-۳۳۳.

جوستینو پ. (۲۰۱۲) "جنگ و فقر"، در گارفینکل و اسکاپیرداس (مصـححین)، رساله ای در باب اقتصـاد صلح و منازعه، انتشـارات پوهنتون آکسفورد. فصل ۲۷.

لونزانو-گراسیا، ن، جی. پیراس و دیگران. (۲۰۱۰) "سفری به امنیت: جریان مهاجرت ناشی از جنگ در کولمبیا"، مجلسـه علمی International Regional Science Review، ۳۳ (۲): ۸۰-۱۵۷

وزارت اقتصادی جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۱۵) "به روزرسانی وضعیت فقر". واشگنتن دی سی. گروپ بانک جهانی.

موریسون، الف. ر. و ر. ا می (۱۹۹٤) "فرار از دهشت، خشـونت و مهاجرت در گواتمالای پس از انقلاب"، Latin American Research Review, 29 (2):111-32

اشمیت، اس. (۲۰۱٦) "تشریح معلومات بیجاشدگان در افغانسـتان: شناخت فیل در تاریکی"، کاربرد پالیسـی مهاجرت، ٦ (۳): ۱۰-۱٦.

شرپا، م. و دیگران (۲۰۱٦) "تخمین فقر بدون داده های مصرـفی: کاربرد تکنیک SSI در تخمین فقر در افغانسـتان"، سلسـله اسناد تحقیقات پالیسی، بانک جهانی، نشر نشده

سیگار (۲۰۱٦) "گزارش ربعوار به کنگره ایالات متحده"، دفترسرمفتش ویژه برای بازسازی افغانستان، ۳۰ جولای ۲۰۱٦

دفتر ملل متحد در افغانستان (۲۰۱٦) "مجله تحرک جمعیت"، شماره ۷، نوامبر ۲۰۱٦.

بانک جهانی، کمیسـاریای عالی پناهندگان ملل متحد (۲۰۱٦) "شکنندگی و تحرک جمعیت در افغانسـتان"، گزارش کوتاه پالیسـی، تهیه شده برای کنفرانس بروکسل. اکتبر ۲۰۱٦.

بانک جهانی (۲۰۱٦). عرضه خدمات اجتماعی، اقتصادی سیاسی و اشکال خشونت: تبیین پیشرفت در عین دشواری.

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Economy

THE WORLD BANK
IBRD • IDA | WORLD BANK GROUP